

وریا غفوری؛ دلاوری از سرزمین پهلوان پرور کردستان

سخن ماه

من کیستم؟

هموطنان عزیز:

امروز فضای تیره و تاریک جامعه ایران آنچنان پر وحشت و پر تنش و مملو از ابرهای تیره ناامیدی گشته است که انسان به حیرت می افتد.

ای کسانی که چراغ راه و مولایتان علی است، او گفت: «چهل سال سکوت مردم حقم ضایع شد و بسیار کسانی که گفتند ما با سیاست کار نداریم و ظلم بر من را دیدند و ساکت نشستند!»

پسر او، حسین ابن علی نیز در آخرین ساعات زندگی اش به عده ای از همراهان اش گفت: «بروید و رنج و ظلم بر من را نپذیرید که فردای قیامت پاسخی نه توانید داد!»

و اما اینکه بر ظلم ظالم سکوت کنی و بگویی سیاسی نیستی، مثل آن است که دزد را در خانه بهیمنی و بگویی اهل دفاع از حقوق حق خود و مبارزه با ناحق نیستی! و یا اینکه دست دزد در جیبات باشد و بگویی اهل مچگیری نیستی!

امروز ملتی دست در سطل ذباله، چشمی گریان، دلی پر از خون و امیدی رنگ باخته دارد!

مردم ما دل شکسته هستند!

سرمایه های ما به غارت می رود!

به نوامیس ما در مشهد تجاوز می شود!

دسترسی به مواد مخدر، از نوشیدن آب هم سهل تر است!

به هنرمندان و ورزشکاران توهین علنی می شود!

گرانی بی داد می کند! آنوقت تو می گویی من سیاسی نیستم!؟

نخبه های ورزشی، قهرمانان و هنرمندان دسته دسته کوچ می کنند، می گویی من سیاسی نیستم!

بیسوادها برای ما برنامه می ریزند؛ ... من سیاسی نیستم!

متروپل، سانچی، هواپیما، پلاسکو؛ ... من سیاسی نیستم!

فقر، بدبختی، تبعیض، خجالت پدر؛ ... من سیاسی نیستم!

پرپر شدن جوانان میهن؛ ... من سیاسی نیستم!

زندانی شدن آزادی خواهان؛ ... من سیاسی نیستم!

دوستان شما به گویند..... «من کیستم؟»

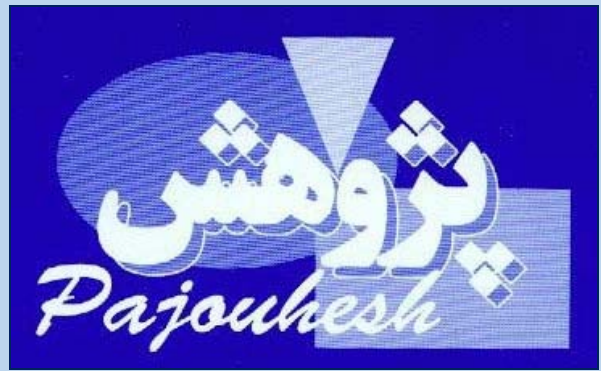
سیاسی نیستم!!

یعنی بی شعور هستم

و به این بی شعوری افتخار می کنم

یعنی نسبت به جامعه ام و انسان ها هیچگونه احساس تعهد و مسئولیتی نمی کنم

و بر این بی تعهدی و بی مسئولیتی، به خویش می بالم



شماره ۲۱۷، سال سی و دوم، مرداد ۱۴۰۱

No. 217, July/Aug 2022

«تنها راه رهائی، آگاهی است»

مجله پژوهش زیر نظر شورای نویسندگان منتشر

و به تمام گروه های ملی و آزادی خواه وابسته است

هم آهنگ کننده: دکتر مصطفی عرب

صاحب امتیاز: فاطمه عرب (M.B.A - M.A.)

مشاورین فنی: مهندس امیر و علی عرب

روابط عمومی: زهرا و دکتر لیلی عرب

دستیاران: پرینستون، عالیا و سوفیا

پژوهشگران و نویسندگان شخصاً مسئول

نظرات و نوشته های خود هستند

آدرس و شماره تلفن مجله پژوهش:

9008 Caminito Vera
San Diego, CA 92126

(858)566-5566

Email:

arya5@aol.com

تا پدرشان را در نیارم از پا نمی‌نشینم! می‌ترسی کنار برو، من نخست وزیر ترسو نمی‌خواهم!»

هویدا برکنار شد و آموزگار کارآموده نخست وزیر شد. شاه تا بهخودش بیاید، «صدای پای انقلاب» را برایش به صدا در آورده بودند تا بداند در افتادن با چشم‌آبی‌ها چه‌قیمتی دارد!

شاه ملت فریب خورده و بازیچه را قتل عام نکرده، آنها را به‌خدا سپرد و با چشمانی گریان از ایران رفت. بعد ملت را مجبور کردند از دیوار سفارتشان بالا بروند تا

میلیاردها دلار پس‌انداز ایران و سهام کارخانه‌هایشان را که شاه برایشان خریده بود همراه با سیرده‌های میلیارد دلاری ایران را یک شبه بالا به‌کشند؟! جنگ راه انداختند، با یک میلیون شهید،

جانباز، زخمی و مفقودالثر؛ هشت سال کشتار و دربردی میلیون‌ها ایرانی تا از «راه کربلا به قدس‌امان برسانند!»

بعد از جنگ، تحریم شدیم و بعد از تحریم، حواله ۵+۱ تا

آخرین قطرات خون پیکر بی‌جان مملکتی را که می‌رفت تا به

«دروازه‌های تمدن بزرگ» برسد را به‌مکن!

آری، این است داستان پر از اشک و آه و فغان این دیار که باید

برای آن خون گریست!

شاه رفت، امام آمد!

شاهزاده رفت، آقازاده آمد!

دست‌بوسی شاه رفت، پابوسی امام آمد!

تاج رفت، عمامه آمد!

سلطنت رفت، ولایت فقیه و مطلقه آمد!

دربار رفت، بیت رهبری آمد!

سواک رفت، اطلاعات آمد!

مجازات مخالفان رفت، اعدام مخالفان آمد!

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله رفت، عزاداری‌های میلیونی آمد!

کنترل رفت، سانسور آمد!

اعتماد رفت، اختلاس آمد!

آزادی حجاب رفت، حجاب اجباری آمد!

آزادی اعتقادات رفت، اعتقادات زوری آمد!

دین رفت، تظاهر آمد!

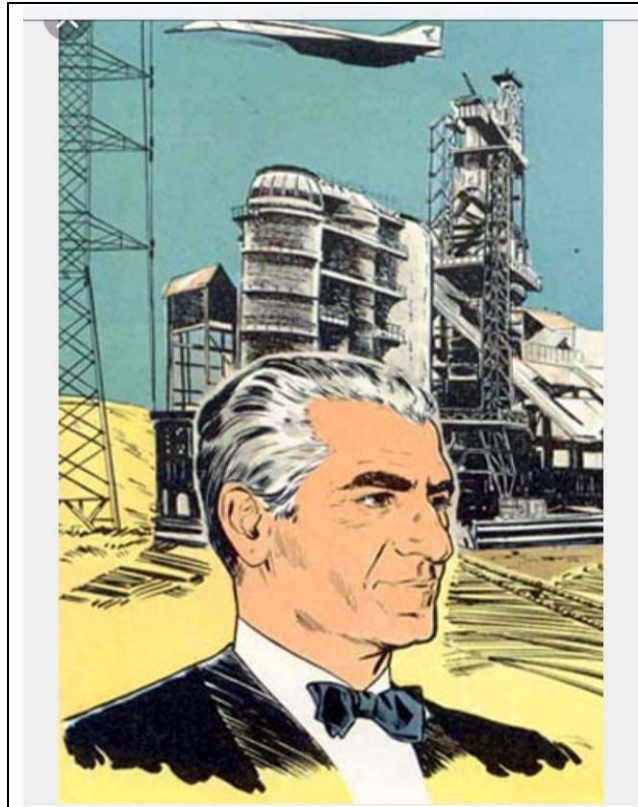
روابط خارجی رفت، تحریم آمد!

ارزش پول رفت، لغزش پول آمد!

جذب مغزها رفت، فرار مغزها آمد!

احترام جهانی رفت، حقارت جهانی آمد!

..... و سپهبد جهانی رفت، سردار رضایی آمد!



جرالد فورد به شاه گفت:

«کمک کن من دوباره رئیس جمهوری آمریکا به‌شوم وگرنه

تو رفتی هستی!»

شاه خندید و گفت: «من...؟ می‌خواهی با پول کشورم کاخ سفید

را یکجا به‌خرم تا تو درون‌اش به‌مانی؟»

۲۰ مارس ۱۹۷۵

شاه در راه خود به‌مکزیک برای افزایش دادن دوباره قیمت

نفت، در فرودگاه پاریس به ژاک شامان دلماس (نخست وزیر

فرانسه) و ژاک شیراک (شهردار پاریس) گفت:

«از قول من به‌ژنرال دستان (رئیس جمهوری فرانسه)،

بگوئید دوران چشم‌آبی‌ها و استعمار ایران تمام شده است!»

شاه ۱۸ درصد قیمت نفت را افزایش داد و در عوض

دشمنانش در یک ضیافت شام، لباس تنش را به «پلوتونیوم»

آغشته کردند و وی با تب خفیفی به ایران بازگشت! همان

تب خفیفی که پایانش در بیمارستانی در مصر بود!

تب شاه قطع نشد! پزشکانی به بالینش آمدند و بعدها فاش شد

که شاه را بگفته‌ای سرطانی کرده بودند؟! تا تقاص افزایش

قیمت نفت و در افتادن با چشم‌آبی‌ها را بدهد!

اما این پایان کار نبود؛ هویدا با گزارشی که از طرف

«اداره تحلیل و بررسی‌های سازمان امنیت ایران» تهیه شده

بود، به دیدار شاه رفت و گفت:

«قربان، با چشم‌آبی‌ها چکار دارید؟ با دم شیر بازی نکنید!»

شاه پاسخ داده بود: «آنها پدرم را از خاک ایران بیرون کردند





جنبش مشروطه ایران

ستارخان و باقرخان

مجموعه کوشش‌ها و رویدادهایی در نظر و عمل است که برای محدود شدن اختیارات پادشاه در نظام سلطنتی ایران و نهادینه‌سازی حقوق اساسی مانند آزادی فردی، عدالت قضایی و حاکمیت قانون آغاز شد و به تغییر نظام سیاسی ایران از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه منجر شد. این جنبش از نیمه دوم سده‌ی سیزدهم خورشیدی شروع شد و می‌توان مرداد ۱۲۸۸ را زمان پایان آن دانست.

با وجودی که جنبش مشروطه موفق شد نظام سیاسی ایران را برای مدت طولانی تغییر دهد، اما به اعتقاد سهراب یزدانی تغییر بنیادینی در نهادهای سیاسی و اجتماعی به وجود نیاورد؛ چرا که اقتدار سیاسی و اقتصادی طبقه حاکم، همچنان بر جای ماند و اداره‌کنندگان کشور، جز در چند مورد محدود و استثنایی، همان وابستگان به نظام کهن بودند. اگرچه ریشه‌های فکری مشروطه‌خواهی به سال‌های قبل بازمی‌گردد که ایرانیانی به واسطه‌ی تحصیل یا تجارت در اروپا، با مظاهر پیشرفت در غرب آشنا شدند و تلاش کردند به نحوی حاکمان ایران را مجاب به اصلاحات و مردم ایران را بیدار نمایند، اما نخستین جرقه‌ی این جنبش در ۲۱ آذر ۱۲۸۴ زده شد که علاءالدوله (حاکم تهران) چند تن از تاجران خوشنام تهران را به‌خاطر افزایش قیمت قند، مجازات بدنی کرد.

در پی این جرقه، سلسله‌ای از اعتراضات و بست‌نشینی‌ها به رهبری دو مرجع تقلید سرشناس تهران، سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی شکل گرفت که به نام انقلاب مشروطه شناخته می‌شود. دستاورد این انقلاب، امضای فرمان مشروطیت به دست شاه وقت ایران، یعنی مظفرالدین شاه، تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه بود. پیروزی انقلاب مشروطه، فضای آزادی ایجاد کرد که در آن روزنامه‌نگاران و واعظان مشروطه‌خواه، احزاب و انجمن‌ها نقدهای تند به سنت‌های قدیمی، اصحاب قدرت و شخص محمدعلی شاه (که با درگذشت پدرش به مقام شاهی رسیده بود) وارد می‌کردند. در مقابل، گروهی از روحانیون شیعه، که به مشروطه‌خواهان شهرت پیدا کردند، با اصول متعددی از قانون اساسی از جمله آزادی و حاکمیت قانون مخالفت کردند.

در سال ۱۲۸۶، تعدادی از علمای تهران و در راس آنها شیخ فضل‌الله نوری در نامه‌ای به محمدعلی شاه نوشتند که مجلسی که با الگوبرداری از قوانین پارلمان‌های اروپایی تشکیل شده است، با قواعد اسلامی منافات دارد و ممکن‌الجمع نیست. پس از چند بار اقدام ناموفق برای انحلال مجلس، محمدعلی شاه که در ۹ اسفند ۱۲۸۶ از یک سوء‌قصد جان به‌در برده بود، در روز دوم تیر ۱۲۸۷ دستور حمله‌ی نظامی به مجلس و دستگیری سران مشروطه‌خواه در تهران و شهرهای دیگر را صادر کرد.

اگرچه او در بیانیه‌ای اعلام کرد که قصد دارد در آینده مجلس جدیدی را تشکیل دهد، اما این وعده به‌نظر بسیاری از مشروطه‌خواهان واقعی نبود و مقاومت‌های جدی در تبریز، گیلان و اصفهان شکل گرفت که با حمایت مراجع تقلید در نجف و روشنفکران تبعیدی در اروپا و عثمانی همراه شد. مشروطه‌خواهان عاقبت توانستند با فتح تهران، محمدعلی شاه را برکنار و نظام مشروطه را احیا کنند.

همزمان با وقوع انقلاب مشروطه در ایران، موج ادبی جدیدی در زبان فارسی شروع شد که بر تحولات سیاسی و اجتماعی وقت متمرکز بود.

موج ادبی جدید، رنگوبوی سیاسی داشت و در آثار شاعران و نویسندگان این دوره، مفاهیمی مانند وطن‌پرستی، مبارزه با استبداد، عدالت‌خواهی و حکومت مبتنی بر قانون مطرح می‌شد. بعضی از واژه‌ها، که کاربرد آنها در ادبیات فارسی کهن سابقه داشت، در ادبیات مشروطه، رنگوبوی جدیدی گرفتند. در این دوره روزنامه‌نگاری رواج زیادی یافت و تعدد و آزادی مطبوعات به حدی بود که چاپ کتاب‌های مستقل تا حد زیادی کساد شد.

بعضی از این نشریات موضع‌گیری‌های تندی علیه استبداد سیاسی و تعصبات دینی داشتند و طرفداران و مخالفان زیادی پیدا کرده بودند. علاوه بر جراید و مطبوعات، در این دوره معمولاً روزنامه‌های مخفی هم منتشر می‌شدند که به شب‌نامه معروف بودند. بانی انتشار این شب‌نامه‌ها عمدتاً انجمن‌های سیاسی بودند؛ انجمن‌ها همچنین با برگزاری اجتماعات و مراسم سخنرانی، مواضع سیاسی خود را تبیین و ترویج می‌کردند. این جنبش تأثیر قابل توجهی در رویدادهای بعدی در تاریخ معاصر ایران داشت و پس از گذشت سال‌ها، هنوز مراسمی به‌منظور بزرگداشت آن برقرار می‌شود.

غیر از نسخه‌های نشریه‌های بازمانده از آن دوران، منابع متعددی از این رویدادهای تاریخی در دست است که ماحصل وقایع‌نگاری روزانه بعضی از معاصران آن می‌باشد.

یکی از مشهورترین این کتاب‌ها، تاریخ بیداری ایرانیان از ناظم‌الاسلام کرمانی است. بعضی از معاصران مشروطه، مانند مهدی ملک‌زاده و احمد کسروی نیز سال‌ها بعد دست به‌نگارش وقایع زدند.

با این حال، تحلیل تاریخی رویدادهای جنبش مشروطه، از دهه ۱۳۳۰ به بعد، با ظهور پژوهشگران تاریخ شروع شد؛ چنان‌که فریدون آدمیت در آثار خود به انجام نوعی تحلیل تاریخی در این زمینه پرداخته است.

هموطنان گرامی خارج از کشور...

با همراهی و پشتیبانی از اعتراضات ایرانیان در خارج می‌توان کشور را از دست اشغالگران تازی نجات داد. زمان‌اش رسیده است که شما نیز حتی اگر سیاسی نیستید سهم و مسئولیت شهروندی خود را بعهده گرفته و برای آزادی کشور، پژواک صدای مبارزان درونمرز باشید و همواره بهیاد داشته باشیم سکوت و بی‌تفاوتی ما در واقع نوعی حمایت از رژیم آخوندها است. با همبستگی ایران‌امان را پس می‌گیریم.

دستگیری یک ایرانی در ترکیه با ۱ کیلو و ۱۲۶ گرم تریاک در معده‌اش!

ماموران مبارزه با مواد مخدر استان آغری ترکیه روز پنجشنبه ۲ تیر (۲۳ ژوئن) اعلام کردند یک مرد ایرانی را با یک کیلو و ۱۲۶ گرم تریاک در معده‌اش بازداشت کرده‌اند. به‌گفته پلیس، این مرد که "مهران ن" معرفی شده، مواد مخدر را در ۱۰۲ کیسول کوچک جاسازی کرده و آن‌ها را بلعیده بود. به‌گزارش خبرگزاری آناتولی، مرد دستگیر شده از راه زمینی و با اتوبوس عازم ترکیه بوده که ماموران هنگام بازرسی به او مشکوک و این قاچاقچی را دستگیر می‌کنند. پس از اعزام او به یک مرکز پزشکی و عکسبرداری با اشعه ایکس مشخص می‌شود که این فرد محموله مواد مخدر را در معده خود حمل می‌کرده است. با رای دادگاه ترکیه این قاچاقچی ایرانی بازداشت شده است و بزودی در این کشور محاکمه خواهد شد.

زشت‌ترین و غیرانسانی‌ترین عکس قرن



یکی از تلخ‌ترین تصاویر سال ۵۷، پیرزنی که توسط انقلابیون دستگیر شده فقط به جرم اینکه در کاخ نیاوران مستخدم بوده است، ابتدا توسط انقلابیون در شهر گردانده میشود مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و سپس توسط فرد سمت چپ تصویر ۱۸ ضربه چاقو به او زده میشود و پس از کلی گلد مال شدن توسط مردم زنده به آتش کشیده میشود و جسد زغال شده اش روی دست مردم چرخیده میشود 😞 آیا فرد سمت چپ را شناختید؟ بله او حسین سلامی فرمانده سپاه است!



خبرهایی از ایران و جهان

زمین لرزه در افغانستان

زمین لرزه‌ای شدید در شرق افغانستان بیش از هزار کشته و صدها زخمی بر جای گذاشت. وبسایت روزنامه «اطلاعات روز» افغانستان نیز به نقل از «یک منبع» در منطقه «گیان» استان «پکتیکا» نوشته است که یک روستا در این بخش به‌طور کامل در این زمین‌لرزه ویران شده است. این نخستین زلزله بزرگ در کشور افغانستان پس از روی کار آمدن گروه طالبان در آن کشور از مرداد ماه سال گذشته تاکنون است.

پیشتر در دی‌ماه ۱۴۰۰ زلزله‌ای در منطقه «بادغیس» به‌وقوع پیوست که ۳۰ کشته و ده‌ها زخمی بر جای گذاشت.

تعیین جریمه سنگین در ایران،

برای «جرم» کمک به عمل سقط جنین

پس از ابلاغ دستورالعمل «حفظ و مراقبت از جنین سالم» از سوی وزیر بهداشت، جزئیات آن از جمله «جرم‌انگاری» مباشرت یا معاونت در سقط جنین و تعیین جریمه «سنگین» برای آن اعلام شد.

در باره مجازات‌های در نظر گرفته شده گفت:

«از جمله اینکه اگر فردی که در سقط جنین دست داشته جزو گروه پزشکی باشد، پروانه پزشکی‌اش حتی با یک بار سقط جنین عمدی باطل می‌شود.»

در واکنش به تصویب و ابلاغ این قانون در ایران، کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه‌ای اعلام کردند جمهوری اسلامی با هدف افزایش زاد و ولد با استفاده از قوانین کیفری بسیاری از زنان و دختران را مجبور به ادامه بارداری ناخواسته می‌کند که عملی «تبعیض‌آمیز» است.

مقام‌های جمهوری اسلامی بدون توجه به عوامل موثر در رویگردانی زوج‌های ایرانی از فرزندآوری از جمله مشکلات و مسائل اقتصادی فراوان و تغییر در گرایش‌های فرهنگی مردم تلاش دارند با استفاده از زور و اجبار از جمله در حذف وسایل جلوگیری از بارداری یا تشویق‌های مالی، آمار تولد در کشور را بالا ببرند.

سرفت های سریالی ۲ زن جوان با شگرد بیهوشی

از چند هفته قبل شکایت‌های متعددی به پلیس البرز رسید مبنی بر اینکه ۲ زن جوان با طرح دوستی و جلب اعتماد افراد وارد خانه آنها شده و در فرصتی مناسب با خوراندن شربت حاوی ماده بیهوشی اقدام به سرقت طلا، پول، تلفن همراه و اموال با ارزش صاحبخانه کرده‌اند.

پس از این شکایت‌ها، بررسی موضوع در دستورکار اداره مبارزه با سرقت قرار گرفت.

بلافاصله با هماهنگی مقام قضایی هر ۲ متهم در عملیات غافلگیرانه دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شدند.

رهای از جهنم آخوندها

اگر می‌خواهید آخوندها ایران ستیز را دق‌مرگ و از سرزمین اهورایی‌امان بیرون کنید، فقط کافی است ایرانی باشید!

یعنی اینکه، برقصید، بخندید، شادی کنید، زیبا بپوشید، به‌زنان احترام بگذارید، بجای گداخانه‌ها (قبرهای به‌اصطلاح امامزاده‌های اعراب) به‌تخت‌جمشید و آرامگاه فردوسی سفر کنید، گریه نکنید و عزاداری چند ماه در سال برای اعراب بیابان‌گرد را فراموش کنید، نام ایرانی بر همه چیز بگذارید، کوروش، حافظ، مولانا و فردوسی را گرامی بدارید، به‌فرزندانان شاهنامه بیاموزید و آهنگ شجریان با سنتور و کمانچه برایشان بگذارید.

و مهم‌تر از همه، نوروز، تیرگان، مهرگان و چهارشنبه سوری را گرامی و به‌نحو شایسته‌ای برگزار کنید.... و در یک جمله‌ی کوتاه: انسان باشید.

برافراشته باد پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران

در جشنواره هنرهای اجرایی معاصر «گلاستونبری» که هر سال بین ۲۲ تا ۲۶ جون در پیلتون، سامرست انگلستان برگزار و بزرگترین جشنواره هنرهای اجرایی در فضا باز است، عکسی مورد توجه بسیار قرار گرفت؛ این عکس پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران بود.



پرتوه «مفقود شده» مظفرالدین شاه اثر کمال‌الملک در کاخ گلستان

در یک حراجی در بریتانیا فروخته شد!

پرتوه مظفرالدین شاه قاجار اثر کمال‌الملک نقاشی نامی ایران از کاخ گلستان تهران مفقود شده و در یکی از حراجی‌های آثار هنری بریتانیا «فروخته شده»، اما مدیر کاخ گلستان گفته است که چنین اثری در فهرست اموال کاخ قرار ندارد.

این تابلو نفیس در سال ۱۳۷۸ از کاخ خارج شده و پس از انتشار تصویر آن در سال ۱۳۷۹ به‌مبلغ بیش از ۴۴ هزار پوند، فروخته شده است.

بر اساس نوشته جراید تاکنون گزارشی از سرقت احتمالی یا مفقود شدن این اثر در ایران ثبت نشده است.

«فروش» قاچاقی سئوالات کنکور

همزمان با انتشار خبر بازداشت اعضای باند‌های متخلف در حوزه کنکور از سوی پلیس، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان روز جمعه خبر داد گروهی مانند سال‌های گذشته اقدام به‌فروش سئوالات کنکور کرده‌اند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان خبر داد طبق گزارش‌ها در سال جاری (۱۴۰۱)،

«قیمت فروش پاسخ سئوالات کنکور از ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان متفاوت است. مشتریان ۳۰ درصد مبلغ را پیش از آزمون و مابقی را پس از اعلام نتایج پرداخت می‌کنند».

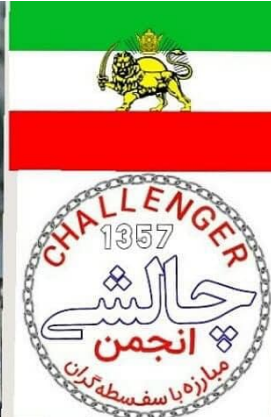
پس از حدود نیم قرن،

دیوان عالی آمریکا به لغو حق قانونی سقط جنین رأی داد

دیوان عالی آمریکا روز جمعه سوم تیرماه در گامی تحول‌آمیز، پس از حدود نیم‌قرن حکم تاریخی «رو علیه وید» (Roe versus Wade) مبنی‌بر به رسمیت شناختن حق زنان در قانون اساسی برای سقط جنین یا پایان خودخواسته بارداری را لغو کرد.

با لغو این حکم، قدرت تصمیم‌گیری در رابطه با حق پایان دادن خودخواسته به‌بارداری پس از هفته پانزدهم به‌ایالت‌ها واگذار می‌شود و انتظار می‌رود که در دست‌کم ۲۵ ایالت آمریکا، ممنوعیت حق سقط جنین بلافاصله و یا ظرف روزهای آینده اجرایی شود.

«واتیکان» ضمن تقدیر از این رأی دیوان عالی کشور آمریکا، در بیانیه‌ای اظهار کرد که دفاع از زندگی انسان نمی‌تواند محدود به‌حقوق فردی باشد و زندگی «اهمیت اجتماعی گسترده‌تری» دارد.



British Reporter: Why did you leave Iran?
Mohammad Reza Pahlavi:
 God gave us a mission
 to take over a ruin called IRAN
 And after I built it, my mission ended.
British Reporter:
Why didn't you fight to keep it ?
Mohammad Reza Pahlavi:
War with whom? With the Iranian people?

خبرنگار انگلیسی:

چرا ایران را ترک کردید؟

شاهنشاه: خداوند بهما مأموریت داد ویرانه‌ای به نام ایران را تحویل به‌گیریم و بعد از اینکه من آنرا آباد کردم، مأموریتم به پایان رسید.

خبرنگار انگلیسی: چرا برای حفظ آن، مبارزه نکردید؟

شاهنشاه: جنگ با کی؟ با مردم ایران؟

یک زن اوگاندایی ۴۳ ساله صاحب ۴۴ فرزند است!!

«ماریم ناباتانزی» تا ۴۰ سالگی ۴۴ بچه به دنیا آورد و به او گفته شد که هیچ روش تنظیم خانواده‌ای برایش کارساز نیست.

این زن اهل اوگاندا در شرق آفریقا، چهار دوقلو، پنج سه قلو و پنج چهارقلو به دنیا آورده و تنها یک بار صاحب یک فرزند تکی شده است. شش فرزند او مردند و شوهرش با تمام پول خانواده فرار کرد تا ماریم ۳۸ فرزند (۲۰ پسر و ۱۸ دختر) را به‌تنهایی بزرگ کند.

ماریم وقتی تنها ۱۲ سال داشت توسط خانواده اش فروخته و مجبور به ازدواج شد. او بلافاصله باردار شد و اولین فرزندش را در ۱۳ سالگی به دنیا آورد.

همه فرزندان او از شوهر همیشه غایب‌اش هستند که سرانجام در سال ۲۰۱۶ او را ترک کرد.

گفته می‌شود بارورترین زن تاریخ یک دهقان روسی قرن هجدهمی به نام «والنتینا واسیلیف» بود که بین سال‌های ۱۷۲۵ تا ۱۷۶۵ در مجموع ۶۹ فرزند به دنیا آورد که ۶۷ نفر آنها از نوزادی جان سالم به در بردند.

لهستان خاکستر اجساد ۸ هزار نفر از قربانیان نازی‌ها را کشف کرد

انستیتوی ملی یادبود در لهستان اعلام کرد در یک گور دسته‌جمعی در نزدیکی یکی از اردوگاه‌های ساخته شده به‌دست نازی‌ها، بقایای اجساد هشت هزار نفر انسان کشف شده است. بقایای اجساد این افراد در نزدیکی اردوگاه کار اجباری سولدائو از دل خاک بیرون کشیده شد. نیروهای آلمان نازی این اردوگاه را در جریان اشغال خاک لهستان در طول جنگ جهانی دوم ساخته بودند.

پیش از این تخمین زده می‌شد که حدود ۳۰ هزار نفر در اردوگاه «سولدائو» کشته شدند با این حال رقم دقیق قربانیان هیچ‌گاه مشخص نشده.

توماس یانکوفسکی، از کارشناسان انستیتوی ملی یادبود در لهستان می‌گوید بیش از ۱۵ هزار کیلوگرم خاکستر یا پودر به جا مانده از اجساد قربانیان نازی‌ها کشف شده است. رقمی که می‌تواند به این معنا باشد که این بقایای انسانی متعلق به دستکم هشت هزار نفر است.

مقامات لهستان تخمین می‌زنند که هر دو کیلوگرم خاکستر کشف شده تقریباً متعلق به یک جسد است.

مقامات آلمان نازی در سال ۱۹۴۴ برای از بین بردن آثار این قتل عام، زندانیان یهودی را مجبور کردند تا اجساد را پس از سوزاندن در نزدیکی اردوگاه «سولدائو» دفن کنند.

ترور یک شخصیت والا

شینزوآبه نخست‌وزیر پیشین ژاپن و یکی از ستون‌های اصلی و تجلی اخلاق‌مداری و اخلاق‌گرایی در دیپلماسی توسعه شرق دور و آسیا در تاریخ جمعه هشتم تیرماه ترور شد و جان باخت..... تروریسم در هر لباس و با هر عنوان که باشد..... جنایتکار، ویرانگر و تباهی‌آفرین است، خواه تروریسم منطبق بر عقاید شخصی باشد یا تفکرات دینی..... و خواه حزبی باشد یا حکومتی!؟

او مردی بزرگ و سیاستمداری باارزش برای ملت ژاپن بود..... شیوه و درس‌نامه‌های سیاسی او بی‌شک روزی معیار سنجش ارزش‌های سیاسی آسیا و جهان خواهد شد.



شینزوآبه و قاتل او در یک قاب

قاتل نخست‌وزیر پیشین ژاپن با دایره مشخص شده است

دانشمند زن ایرانی، مقیم دانمارک برنده جایزه ده میلیون کرونی شد



خانم آزاده شهسوار، جایزه ۱۰ میلیون کرونی از بنیاد «لوندبک» دانمارک را دریافت نمود! خانم شهسوار تحقیقات دارویی در دانمارک را از سال ۲۰۱۰ شروع کرد. شایان ذکر است بنیاد علمی «لوندبک» یک بنیاد تجاری است که به دنبال تقویت سلامت مغز، توسعه بخش تجاری دانمارک و غنی نمودن علوم عصبشناسی فعالیت می‌نماید.

امام یک مسجد در فاریاب افغانستان

به دختر ۱۲ ساله میزبان‌اش شبانه تجاوز کرد!

بنا بر گزارش ایندیندنت فارسی، امام یک مسجد در روستای «قره‌بی»، از روستاهای شهرستان المار استان فاریاب، به دختر دوازده ساله‌ای تجاوز کرده است.

به‌گفته آنان، این فرد که از اهالی شهرستان قیصار بوده و اکنون امام یک مسجد در شهرستان المار است، جمعه‌شب، ۲۴ تیر (۱۵ ژوئیه) به خانه پدر این دختر دوازده ساله دعوت بوده است و پس از صرف شام، همانجا می‌خوابد، اما نیمه‌های شب از اتاق مهمان به اتاقی می‌رود که دخترک در آن خواب بوده است و به او تجاوز می‌کند.

هنگامی که دخترک فریاد می‌کشد و کمک می‌خواهد، مادر و پدرش بیدار می‌شوند و پدر دختر، آخوند کثیف و متجاوز را مضروب می‌کند.

گفته می‌شود که دو دندان آخوند با ضربه پدر این دختر شکسته است، اما او با جا گذاشتن کفش‌ها و الاغش در خانه میزبان، توانسته است پابره‌نه از آنجا بگریزد.

این نخستین باری نیست که ملای یک مسجد به کودکی تجاوز می‌کند و پیش از این نیز گزارش‌های پرشمار مشابهی در مرکز و استان‌های مختلف افغانستان پخش شده است.

طالبان در ۲۵ سال گذشته در مناطق تحت کنترل خود، زنان را به اتهام روابط خارج از ازدواج و فرار از خانه، بازداشت کرده و به قتل رسانده‌اند. ده‌ها مورد از سنگسار زنان در مناطق زیر نفوذ و کنترل طالبان در رسانه‌ها پخش شده است، اما تاکنون از مجازات مردانی که متهم به تجاوز بوده‌اند، گزارشی دیده و شنیده نشده است.

سارق ورشکسته، آلبوم عروسی مالباخته‌ها را با پست برگرداند!

اوایل تیرماه زوج سال جاری جوانی در تماس با پلیس از سرقت خانه‌شان خبر دادند. داماد جوا به پلیس گفت:

«من تازه ازدواج کرده‌ام و چون هر شب خانه یکی از اقوام میهمان هستیم زیاد در خانه نبودیم، امشب هم در خانه خاله همسرم دعوت بودیم، اما زمانی که برگشتیم با دیدن خانه به هم ریخته شوکه شدیم.

بررسی‌های کارآگاهان پلیس آگاهی برای شناسایی سارق ادامه داشت تا اینکه تازه داماد بار دیگر به پلیس مراجعه کرد.

او در حالی که آلبوم عکس و نامه‌ای در دست داشت مقابل افسر پرونده نشست و گفت:

دیروز یک بسته پستی برایم آمد. بسته‌ای که داخل آن آلبوم عکس‌های عروسی‌ام بود و یک نامه داخل آن که سارق فرستاده بود و در نامه از من عذرخواهی کرده و نوشته به‌خاطر ورشکستگی مجبور به سرقت شده است.

سارق نوشته بود: وقتی چمدان را باز کردم با دیدن آلبوم عکس عروسی خیلی ناراحت شدم، من هیچ‌کدام از عکس‌ها را نهدیده‌ام و برایتان برگرداندم، اما پول و طلاهای سرقتی را به‌خاطر مشکلات مالی نمی‌توانم برگردانم.

اگر روزی وضع مالی‌ام خوب شود، حتماً جبران می‌کنم!؟



اعترافات عباس میلانی عضو سابق حزب توده

ما به دروغ میگفتیم که شاه نوکر آمریکاست
من با سند در کتابم ثابت کردم که شاه برای
منافع ملت ایران عملاً در جنگ با دولت آمریکا
و دولت‌های اروپایی به ویژه بریتانیا بود
من ثابت کردم که دولت‌های آمریکا و انگلیس بارها خواستند
شاه را سرنگون یا ترور کنند ولی موفق نشدند
من با مدرک ثابت کردم که شاه قدمی جز برای منافع ایران
برداشت و ما انقلابیون به دروغ به او تهمت نوکری آمریکا را زدیم

هیاهو در جنوب شهر

آقای آموزگار با استناد به گفته‌ی یکی از دوستانش مدرکی هم برای آنچه می‌گوید ارائه می‌کند:

«بعضی عوامل و قرائن کوچک هم وجود دارد؛ مثلاً اینکه خانم رئیس دیپلماسی آمریکا در ایران (همسر سفیر)، در همان ساعت وسط شهر در بانک ملی یک جلسه‌ای داشته است. یک جلسه معمولی که قرار بود راجع به مسائل خیریه صحبت کنند که تصادفاً یکی از دوستان نزدیک من هم عضو این کمیسیون بود و در آنجا شرکت کرده بود.

اگر تصادفاً دولت آمریکا برنامه‌ای داشت برای اینکه کودتایی انجام دهد، طبیعتاً از وسط شهر و شلوغ‌ترین قسمت آن شروع می‌کرد، رئیس دیپلماسی آمریکا هرگز زن خودش را به آنجا نمی‌فرستاد و حتی اگر شده بود، به‌عنوان پیش‌بینی می‌توانست این جلسه را به هم بزند. دلایل مختلفی وجود دارد. از تلفن‌هایی که کردند و نظایر این‌ها.

در تماسی که CIA با آقای «کرمیت روزولت» گرفت، که تمام اسناد و مدارکش هم وجود دارد، دستوراتی دادند درباره‌ی اینکه چگونه عوامل خودشان را از ایران خارج کنند و چگونه کنار بیایند با شکست کودتا.

در همان زمان به‌تدریج بازار شلوغ شده بود و صدای فریاد و شعارهایی هم به‌گوش می‌رسید و آقای روزولت به‌مخاطب خودش در آمریکا می‌گوید که صبر کنید، مثل اینکه دارد حوادثی اتفاق می‌افتد که بعد قضیه به‌کلی رنگش عوض می‌شود و ماجرا از بین می‌رود.

بنابراین آنچه مسلم است، اینکه روز ۲۸ مرداد دولت آمریکا و انگلستان به‌هیچ وجه دنبال ماجرا نبودند و فکر می‌کردند حادثه باخته شده و می‌خواستند که یواش یواش بساط خودشان را جمع کنند که سروصدا در جنوب تهران شروع شد...

اردشیر زاهدی وزیر خارجه در رژیم پهلوی و سال‌ها سفیر ایران در واشینگتن با صراحت می‌گوید: «کودتا نبوده، کودتا را آقای مصدق‌السلطنه بر علیه قانون اساسی کرده است.»

بیست و هشت مرداد، تنها یک حادثه

دکتر صدرالدین الهی نویسنده و روزنامه‌نگار که در سال واقعه ۲۸ مرداد تازه کار خود را در روزنامه کیهان آغاز کرده بود، تکیه‌اش بر یک حادثه است:

«تنها یک حادثه و نه بیش از آن؛ چون واقعاً تعریف‌های کودتایی به آن نمی‌چسبد و تعریف‌های قیام هم اصلاً به آن نمی‌چسبد. واقعه‌ای بود که در متن زندگی روزمره‌ی ما اتفاق افتاد و تأسف من این است که ما هنوز پس از گذشت دهه‌ها از این واقعه، همان‌طور به‌عنوان یک زخم باز نگاه می‌کنیم و دردش را می‌کشیم.»

کودتایی که موفق نه‌شد

ابراهیم گلستان نویسنده و فیلمساز که دکتر مصدق را از نزدیک می‌شناخته و بارها برای فیلمبرداری به‌خانه او رفته بود از اقدام به‌کودتایی می‌گوید که موفق نه‌شد.



واقعه قیام بیست و هشتم مرداد؛

قیام، کودتا و یا تنها یک حادثه؟

سرنگونی دولت آقای محمد مصدق و بازگشت پادشاه به‌سلطنت از همان آغاز جامعه ایران را قطعی کرد و روایت‌های متضادی از زمینه‌ها و نحوه این اقدام به‌گفتمان سیاسی ایران راه یافت. نظریات چند صاحب‌نظر درباره این روایت‌های متضاد، بازگو می‌شود.

دهه‌ها پس از سقوط دولت دکتر مصدق و بازگشت پادشاه ایران به‌سلطنت، هنوز هم موافقین و مخالفین و روایت‌های متضاد آن‌ها در برابر هم صف کشیده‌اند و هر یک دیگری را متهم می‌کنند.

بعضی‌ها از یک قیام یا رستاخیز ملی سخن می‌گویند و برخی کودتا می‌نامندش و عده‌ای نیز این واقعه را تنها یک حادثه تاریخی که هیچکدام از عناصر کودتا یا قیام را در خود نداشته است، سخن می‌گویند.

آقای سیروس آموزگار، نویسنده، روزنامه‌نگار، وزیر اطلاعات در دولت دکتر شاپور بختیار و از اعضای سازمان جوانان حزب توده در سال واقعه بیست و هشتم مرداد، به دو روز پیش از وقوع حادثه باز می‌گردد و می‌گوید:

«بیست و هشتم مرداد به‌نظر تمام مورخین بی‌طرف و حتی ایرانی‌ها و خارجی‌ها، قطعاً کودتا نبود، اما روز ۲۵ مرداد قطعاً کودتا بود. یعنی تمام کارهایی که انجام شد، کارهای کودتایی بود.»

ابلاغ فرمان اعلیحضرت ساعت یک بعد از نیمه شب، اشغال تلفنخانه‌ی بازار، دستگیری نزدیکان آقای دکتر محمد مصدق، از جمله رئیس ستاد، تمام این‌ها علامت این است که یک ماجرای کودتایی است و می‌خواهند جلوی ماجرا را بگیرند.

ولی روز ۲۸ مرداد قطعاً کودتا نبود؛ برای اینکه اولاً عوامل کودتا به‌علت شکست‌اشان در روز ۲۵ مرداد تمام روحیه خودشان را باخته بودند و حتی آمریکا که معتقدند پشت این ماجرا بود، قبول کرده بود که شکست خورده و از نمایندگان دیپلماتیک آمریکا هم در ایران درخواست می‌کردند که کارهای ترمیمی کنند، ارتباطات ایجاد کنند و نظایر این‌ها.»

اعتراف مکتوب آقای مصدق

آقای میلانی به‌نام‌های اشاره می‌کند که دکتر مصدق شخصاً نوشته است:

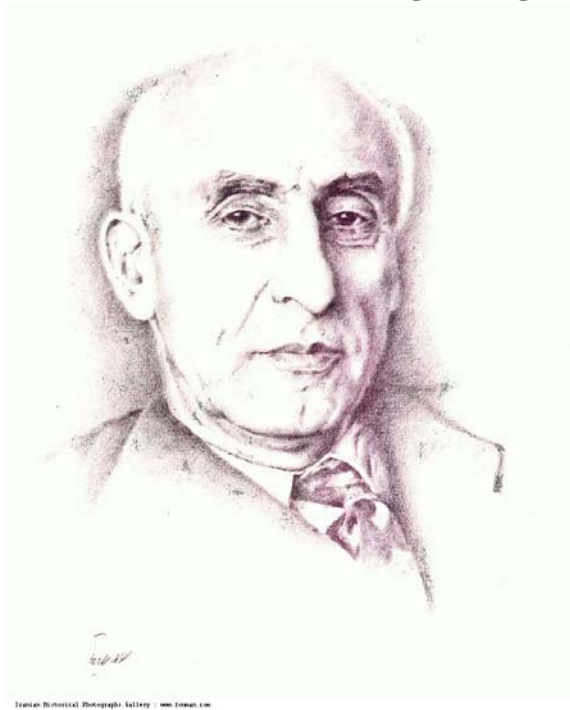
«شرایط بین‌المللی، ضعف روزافزون دکتر مصدق در نتیجه تنش‌هایی که در صفوف جبهه ملی پیدا شده بود، جدایی‌هایی که در درون نهضت ملی کردن نفت پیدا شده بود، همه این‌ها کمک کرد، شرایط داخلی را مناسب و غرب را تشویق کرد که دست به این کار بزند. ولی اینکه آیا این تلاش علت‌العلل سقوط دکتر مصدق بود یا آنچه در ۲۵ مرداد اتفاق افتاد، در مفهوم دقیق کلمه یک کودتا بود، دوباره بحثی است پیچیده‌تر. برای اینکه خود دکتر مصدق در نامه‌ای که به شاه می‌نویسد که در «دوران فترت»، یعنی در دورانی که مجلسی نباشد، شاه حق عزل و نصب نخست‌وزیر را دارد.»

کودتایی از سوی دکتر مصدق

تیمسار نصیری که در آن زمان رییس سازمان امنیت بود، آنگونه که در اسناد و مدارک آمده است، شبانگاه به‌خانه دکتر مصدق می‌رود و حکم عزل نخست‌وزیری را به‌وی می‌دهد. دکتر مصدق هیچگاه از دریافت چنین حکمی سخنی به‌میان نیاورد و دستور بازداشت نصیری را نیز صادر کرد.

میلانی همین کار دکتر مصدق را غیرقانونی عنوان می‌کند:

«وقتی دکتر مصدق در آن شب، آن حکم را نپذیرفت، در واقع او داشت خلاف قانون اساسی عمل می‌کرد. برای اینکه بر طبق روایت دکتر مصدق از قانون اساسی، در «دوران فترت»، پادشاه حق عزل و نصب دارد و نپذیرفتن یک حکم قانونی بالاترین مقام مملکت در آن زمان، طبعاً به‌معنای زیر پا گذاشتن قانون و طبعاً به‌معنای نادیده گرفتن حق قانونی پادشاه است که آن را می‌شود نوعی «کودتا» خواند.



«من نگفتم کودتا بود، می‌خواستم بگویم که یک اقدام به کودتا بود که نشد. سفیر آمریکا لویی هندرسون که قرار بود بلافاصله بعد از کودتا به تهران بیاید، وقتی متوجه شد که این اقدام موفق نشده، در بیروت ماند. اما دیدند بالاخره باید کاری بکنند که بشود. یکی دو روز بعدش به تهران آمد. شب در سفارت آمریکا برای خبرنگاران خارجی جلسه‌ای ترتیب داده شد. من هم به عنوان خبرنگار خارجی در آنجا بودم و همان شب فهمیدم که کار تمام است. این‌طوری فهمیدم کار تمام است که لویی هندرسون که از پیش مصدق آمده بود، گفت: «من همان‌طور که به آقای نخست‌وزیر...» بعد مکثی کرد، حرفش را جوید، اصلاح کرد و گفت: «...به آقای دکتر مصدق...» و وقتی دیدم که لویی هندرسون نمی‌خواهد از مصدق به عنوان نخست‌وزیر نام ببرد، برایم مسجل شد که کار تمام است. که درست پس‌فردایش این اتفاق افتاد.»

حادثه، نه قیام و نه کودتا

منوچهر رزم آرا، وزیر بهداری در دولت دکتر بختیار و در عین حال برادر کوچک سپهبد رزم آرا است که در زمان نخست‌وزیری‌اش ترور می‌شود. تروری که همچنان بسیاری از نکاتش در ابهام باقی مانده است. او نیز بر وقوع یک حادثه تاکید دارد. او می‌گوید:

«این یک حادثه بود؛ نه کودتا بود و نه قیام.»

ملتمه‌ای از همه چیز

اما آقای عباس میلانی واقعه بیست و هشتم مرداد را هم سال پیروزی و شکست، هم مایه‌ی سرافرازی و شرمساری برای شاه می‌داند. او اطلاق چنین عناوینی را ساده انگاشتن ماجرا می‌داند و می‌گوید:

«من فکر می‌کنم هم این تناقض باعث شده و هم تلاشی که تا به حال بیش و کم رایج بوده که سعی کنیم جوابی در یک یا دو کلمه برای تحولات آن سال بسیار پراستخیز پیدا کنیم؛ یعنی یا بگوییم روز انقلاب مردمی بود، روز رستاخیز مردمی بود یا روز کودتای شرمگین «سیا» آمریکا و انگلیس. به گمان من این‌ها جواب‌های ساده‌انگارانه است برای یک پدیده‌ی بسیار پیچیده‌ی پرفراز و فرود تاریخی.»

آقای میلانی، نه تنها این عوامل که مسائل دیگری را نیز در بروز چنین واقعه‌ای دخیل می‌داند:

«هیچ‌یک از این‌ها نبود، بلکه ترکیبی از همه‌ی این‌ها و عوامل دیگر بود. بدون شک دولت آمریکا حداقل از چند ماه قبل و دولت انگلیس از دو سال پیش، تلاش برای برانداختن غیرقانونی آقای مصدق، یعنی برای یک کودتا داشتند.

در عین حال، به‌خصوص امریکایی‌ها فکر نمی‌کردند چنین کودتایی موفق می‌شود تا اکتبر ۱۹۵۲ که به این نتیجه رسیدند که دکتر مصدق دارد ضعیف می‌شود، نیروهای رادیکال در جبهه‌ی ملی و نیروهای چپ در جامعه، دارند رشد فزاینده می‌کنند و خطر اینکه ایران هم مثل اروپای شرقی، مثل کره که در آن زمان در آستانه‌ی جنگ داخلی بود، به‌صفت کشورهای کمونیستی و یا حداقل خارج از گردونه‌ی غرب به‌پیوندد، وجود دارد.»



خانم گلنار جهانبانی

**برگزار کننده با شکوهترین مراسم عقد و عروسی
هماهنگ با فرهنگ و باورهای متفاوت و قومی**

Ms. Golnar Djahanbani
specializes in the creation of
unique wedding ceremonies.

با خاطری آسوده،

تمامی طرحها و نحوه اجرائی

برنامه های پیوند خجسته خود را

به دستان توانای خانم گلنار جهانبانی بسپارید

ایمیل و تلفن تماس

9305 - 924 - (310)

golnardjahanbani@gmail.com

لویی هندرسون، سفیر امریکا که ۲۷ مرداد با عجله به تهران برمی‌گردد. آمریکائی‌ها فکر می‌کردند که تلاش برای برانداختن مصدق به شکست انجامیده.

هندرسون در دیدارش با مصدق از او می‌پرسد که مگر شاه به شما حکم نداد؟
و مصدق می‌گوید:

«من مدت‌ها به این نتیجه رسیده بودم که شاه چنین حقی ندارد» و حتی در آن زمان هم به تصریح تایید نمی‌کند که چنین حکمی صادر شده است.

هندرسون در گزارش خود می‌گوید
«در واقع کودتا را دارد دکتر مصدق می‌کند که یک حکم قانونی را بر نمی‌تابد.»

به رغم روشنگری‌ها و اسناد انبوهی که در باره ۲۸ مرداد در سال‌های اخیر انتشار یافته باز هم روایت‌های متفاوت از این رویداد همچنان جاری و ساری‌اند و هنوز هم نوع نگاه به آن، ولو که نه به شدت سابق، یکی از مولفه‌های پارگیری‌ها و صف‌بندی‌ها در صحنه سیاسی ایران است.

آیا یک، دو و حتی دهه‌های دیگر وضعیت برای ملت ایران متفاوت خواهد شد و جامعه سیاسی کشورمان به‌سوی خواهد رفت که به ۲۸ مرداد صرفاً به‌عنوان یک موضوع و مسئله‌ی تاریخی نگاه کند؟



تیمسار سیهبد فضل‌الله زاهدی نخست وزیر

و تعدادی از مقامات کشوری و لشکری ایران،

پس از پیروزی قیام ۲۸ مرداد



یک کتاب در یک مقاله

اگر جرأت و امکان خواندن کتاب «شاهان نفت» را ندارید لااقل چکیده‌ای از آنرا بدون غرضورزی به‌خوانید.

کتاب «شاهان نفت»

اثر؛ اندرو اسکات کوپر

چرا ملک فیصل پادشاه عربستان در سال ۱۹۷۵ کشته شد؟

چرا در سال ۱۹۷۹ در ایران انقلاب و شاه از ایران رفت؟

هنری کیسینجر داشت با پادشاه ایران و ملک فیصل (پادشاه عربستان)، سر نفت رایزنی می‌کرد؛ هیچ یک کوتاه نیامدند. ملک فیصل با یک گلوله در سرش کشته شد تا درس عبرتی شود برای همه اعضای اوپک تا دیگر کسی نفت را مانند اسلحه به‌کار نگیرد.

ملک فیصل از غرب خواسته بود تا میان پشتیبانی از اسرائیل و نفت، یکی را انتخاب کند؛ غرب با کشتن او هر دو را انتخاب کرد.

محمدرضا شاه نه تنها از فیصل حمایت کرد، بلکه نفت را گران‌تر هم کرد. در آمریکا، کانادا، ژاپن و انگلیس و ... غوغایی شد، در آمریکا و انگلیس، مردم به‌نشانه اعتراض با اسب و گاری رفت و آمد می‌کردند؛ مردم انگلیس و کانادا از سرما می‌لرزیدند و کارخانه‌های ژاپنی خوابیده بود.

شاه کوتاه نمی‌آمد؟! او را هم سرنگون کردند تا اوپک بی‌صاحب شود و خودشان «قیمت نفت» را تعیین کنند!

چرا جمهوری اسلامی این بخش از تاریخ را سانسور می‌کند؟ چرا اپوزیسیون خارج، این بخش از تاریخ را مانند خار و خاشاک عمداً زیر فرش پنهان می‌کند؟

در کتاب شاهان نفت توضیح داده می‌شود که چطور شاه ایران و ملک فیصل پادشاه عربستان، معادلات نفتی غرب را برهم زدند و چاره‌ای جز سرنگونی آنها برای آمریکا نماند!

شاه و ملک فیصل، اوپک را به‌هم ریختند و ملک فیصل برای دهن کجی به اسرائیل، صدور نفت را به‌غرب دچار مشکل کرد و باعث بحران نفتی سال ۷۳ میلادی شد.

او از آمریکا خواست بین نفت یا حمایت از اسرائیل یکی را انتخاب کند.

حتی شاه ایران پا را فراتر گذاشت و تهدید کرد قراردادهای نفتی را به هیچ وجه امضا نمی‌کند و قصد دارد انرژی کشور را از طریق اتمی تامین کند.

ملک فیصل سال هفتاد و پنج میلادی ترور می‌شود! و جایش را به یک مشت سیاستمدار فاسد آل سعود می‌دهد.

حکومت شاه نیز سرنگون می‌شود! و خودش نیز به‌طرز مشکوکی از دنیا می‌رود! و جایش را به‌آخوندهای مذهبی، بی‌سواد و بی‌سیاست می‌دهد!

ای کاش دلسوزی پیدا شود و کتاب «شاهان نفت» را بدون تحریف به‌پارسی ترجمه کند، آن وقت ایرانیان متوجه می‌شدند ۴۲ سال قبل چه کلاهی سرشان رفت؟!

او باید می‌رفت؛ وقت‌اش رسیده بود!؟

۱- در آن سال ایران چهارمین قدرت نظامی مدرن جهان را در اختیار داشت و هلیکوپترهای کبری، پل و شینوک و همچنین هواپیماهای شکاری «اف ۱۴» (F-14) و هاورکرافت‌هایش کل اعراب خلیج فارس را به‌دستبوسی واداشته بود.

۲- برترین خطوط هواپیمایی مسافری جهان (هما) را بنام ایران ثبت کرده بود.

۳- اعتبار پول و پاسپورت دولت شاهنشاهی به‌معتبرترین‌های جهان تبدیل شده بود.

۴- همکاری و تبادلات علمی دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های برتر جهان، دانشگاه‌های دولتی ایران را به‌یکی از معتبرترین مراکز علمی آسیا مبدل کرده بود.

اعطای بورسیه دولتی به‌دانشجویان نخبه جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌های برتر اروپا و خصوصاً آمریکا و عدم علاقه آنها به‌اقامت در خارج و ترک وطن، باعث شده بود ترکیبی از هوش بالای ایرانی‌ها با علم روز جهان پدید آید که به‌ادامه این روند رو به رشد و پیشرفت کشور در آینده کمک شایانی می‌کرد.

۵- ایران پُر از کارخانه‌های صنعتی مدرن شده بود. اطراف تهران کارخانه‌های پارس، ارج، آزماپش، ایران ناسیونال، رنو، کفش ملی، صنایع غذایی مختلف همچون پاک و مینو و زمزم و ... و شهرهای صنعتی تبریز، شیراز، اصفهان، اراک، اهواز و ... ایران را بعد از ژاپن به‌قدرت دوم صنعتی آسیا تبدیل و پیش‌تاز تولید خودرو، واگن، ماشین آلات راهسازی و کشاورزی و صنایع مادر همچون ذوب آهن و فولاد و مس و آلومینیوم کرده بودند و برخی از آنها حتی به‌بازار شوروی و آمریکا صادر می‌شدند.

۶- ثروت ایران همراه با آینده‌نگری مسئولان‌اش باعث شده بود تا این کشور سهام بسیاری از کارخانجات مهم و کلیدی از جمله صنایع فولاد کروپ و مرسدس بنز را خریداری کند و در قلب بورس و اقتصاد جهان «خیابان مهنتن» صاحب برج شود!

دیگر حتی برخی از قدرتها و کشورهای اروپایی از ایران وام گرفته و عملاً مقروض حکومت شاه شده بودند.

۷- این آینده‌نگری به‌اینجا ختم نشده بود و در شرایطی که همه جهان وابسته به‌نفت و ایران ژاندارم و فرمانروای خلیج فارس



۴۲ سال جوانی و عمرمان را هزینه دادیم تا بفهمیم ثروت ایرانیان نفت نبود، بلکه پادشاهی بود که گمان میکردیم با بیرون کردن او اخوندها ایران را بهشت میکنند

مرگ یک کشور باستانی:

ساعت ۹:۱۷ دقیقه صبح روز پنجم مرداد ماه سال ۱۳۵۹ بود در اطاقی باز شد و پرستاری گفت: شاه مُرد! شهبانو به همراه شاهزاده رضا و شاهدخت فرحناز در بیمارستان بودند، اما علیرضا و لیلا بخاطر سن کم‌شان در بیمارستان حضور نداشتند.

پزشکان و پرستاران زیادی در اتاق بودند، اما کسی را به‌اتاق راه نمی‌دادند، صدها خبرنگار و عکاس پشت در اطاق «سی سی یو» بیمارستان و در حیاط بیمارستان جمع بودند. این خبر به دنیا مخابره شد: پادشاه ایران مُرد!

حدود ساعت ۱۱ صبح بود که پرزیدنت انور السادات با لباس نظامی به بیمارستان وارد شد و مستقیم به اتاق شاه رفت. دستش را روی قلب شاه گذاشت و به زبان انگلیسی گفت:

«تو در ساعت ۹:۱۷ دقیقه مردی و ایران در ساعت ۲۵»

آن روز کسی نفهمید که پرزیدنت انور السادات چه گفت و معنی ساعت ۲۵ چیست؟!

انور السادات به‌کاخ ریاست جمهوری مصر رفت و در یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت صدها خبرنگار خارجی و داخلی شرکت کرد. پرزیدنت انور السادات گفت:

«جهان عزا دار شد ... امروز مردی از میان ما رفت که خواهان صلح بود، بعد از او خاورمیانه رنگ آرامش و آسایش به‌خود نخواهد دید. او فقط پادشاه ایران نبود، او پدر بزرگی برای منطقه خاورمیانه بود؛ روزهای سختی را پشت سر گذاشت. او برای دفاع از کشورش در مقابل دنیا ایستاد؛ او امروز صبح مُرد، اما ایران در ساعت ۲۵ از حرکت ایستاد!»

این خبر به ایران رسید، ساعت ۲ بعد از ظهر روزنامه کیهان و اطلاعات با خط درشت نوشتند: شاه مُرد...

عده ای از مردم شاد شدند، در خیابان‌ها رقصیدند؛ خبری از گشت ارشاد نبود، مردم بهم شیرینی و شکلات و آدامس خروس نشان می دادند؟!

سرشار از نفت بود، شاه ایران به‌فکر دستیابی و استفاده از انرژی نوینی بنام «انرژی اتمی» بود.

او از آمریکا راکتور تهران را خرید و سپس با زمینس آلمان قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر را بست و همزمان به‌فرانسه سفر کرد و ده درصد سهام بزرگترین کارخانه اتمی اروپا را خرید و با «فرانسوا میتران» قرارداد خرید ۴ راکتور فرانسوی را بست.

او باید می رفت؛ وقت‌اش رسیده بود!؟

در «کنفرانس گوادلوپ»، کارتر رسماً اعلام کرد که دیگر شاه باید برود و ارتش آمریکا جای ارتش ایران را در خاورمیانه خواهد گرفت.

انگلستان هم برای فرار از وام‌ها و بدهی‌هایش به ایران، پشت آمریکا درآمد!

شاه در پیامی بی‌سابقه با خشم، کارتر را مورد خطاب قرار داد که بدون شناخت فرهنگ و تاریخ ملت‌ها چنین تصمیمی گرفته و او یک فرد نیست که با تغییرش روابط ایران و آمریکا پابرجا بماند و با رفتن او شرایط از کنترل خارج خواهد شد و خاورمیانه روی آرامش را نخواهد دید!؟

در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ در کاخ نیاوران، ملک حسین پادشاه اردن هاشمی به محمدرضا شاه گفت:

«نرو، زیر پای مردم خاورمیانه نفت نیست، بشکه‌های باروت است! اگر بروی خاورمیانه رفتنی است!»

شاه به او پاسخ داد:

«قیمت این رفتن را مردمی خواهند پرداخت که نمی‌دانستند برقراری صلح در منطقه‌ای با میلیاردها دلار منابع طبیعی و انرژی کار هر حکومتی نیست!

من در مقابل مردم خود نخواهم ایستاد. سلطنت بر روی جنازه‌های مردم کشورم خواست من نیست. برای من «رفاه و آینده مردم» ایران مهم بود. مشکل باروت زیر پای مردم خاورمیانه تقصیر من نیست. تولید روزانه ۳۰ میلیون بشکه نفت همه دنیا را به‌خاورمیانه می‌کشند و بعد از رفتن من، می‌دانم که خاورمیانه رفتنی است!؟»

منابع:

- یادداشت‌هایی از گوادلوپ
- ژیسکار دستن؛ رئیس جمهوری وقت فرانسه
- مجموعه خاطرات
- ملک حسین پادشاه اردن
- پاسخ به‌تاریخ، نوشته محمدرضا شاه پهلوی
- ماموریت در ایران، نوشته ویلیام هیلی سولیوان، مامور ویژه ایالات متحده در طرح تغییر و براندازی حکومت هم‌مپن گرامی؛

پس از خواندن این مقاله، بی‌تفاوت نباش و با فرستادن آن به‌دیگران، همکاری کن تا همه‌گان و آینده‌گان هم بدانند که ابرقدرت‌ها و دنیای غرب چه کلاه گشادی بر سر ملت ایران و کشورهای عربی گذاشتند!؟



ترس از حقیقت‌گوئی، کمتر از دروغ‌گوئی نیست!؟

خانم الهه بقراط

بزرگترین اشتباه شاه؟ نه!

بزرگترین اشتباه روزنامه‌نگاران غیر متعهد؟ آری!

نوشتاری بنام «بزرگترین اشتباه شاه»، با نیت مثبت و در تائید خدمات دو بزرگمرد دوران‌ها رضا شاه و محمدرضا شاه نوشته شده بود، اما از دید من که چهل و چندسال است اینجا نشسته و حرص می‌خورم يك نکته اساسی باید روشن شود که فی‌الواقع اشتباه یا بزرگترین اشتباه از جانب کی بوده؟ محمدرضاشاه پهلوی؟ هرگز!

نویسنده نوشته است:

«پهلوی برای نخستین بار پس از حمله‌ی اعراب مسلمان، به‌مناسبات قرون وسطایی ۱۳۰۰ساله و سلسله‌مراتبی که تا قاجار و انقلاب مشروطه ادامه داشت، پایان داد.

بزرگترین اشتباه شاه این بود که هیچگاه تصویری بزرگ از خدمتی که پدرش و خودش برای ایرانیان انجام دادند، به تماشای همگان نگذاشت.»

این گفته درست است چون از نظر سیاسی و جامعه‌شناسی وظیفه‌ی هر حکومت برای بقا بایستی بزرگ جلوه دادن کارهای مثبت خود باشد، حتی توسل به مبالغه‌گویی و حتی وارونه جلوه دادن بعضی حقایق، نظیر حکومت خمینی و خامنه‌ای و زانده‌های حکومت چهل و خیانت اسلامی.

اما در جامعه‌ای مانند آن زمان ایران با آن همه نویسنده، شاعر، متفکر، فیلسوف صاحب نام و صاحب ادعا و آنهمه دوستان و سروران ژورنالیست و روزنامه‌نگار آیا بایستی وظیفه‌ی عظیم خبررسانی را به‌خود حکومت واگذار کرد؟

از نویسنده، شاعر، فیلسوف و خود روشنفکرخوان که انتظار صداقت و شهامتی نبوده و نیست، نه آنوقت و نه حالا، اما از دوستان روزنامه‌نگار مبارز و میهن‌پرست چی؟

با شرمساری و پوزش از جمعشان بایستی گفته شود، ضعف را باید در توانائی و همچنین صداقت و خلوص نیت اکثریت ژورنالیست‌های آنزمان دید که راوی صادق آنچه دیدند، نبودند. قرار نبوده و نیست پادشاه شخصاً در مورد خودش تبلیغ کند که به‌گویند از خود تعریف و خودشیفته است که بصورت موثر آن می‌شود تبلیغات و پروپاگاندای آلمان نازی در دستان توانا. اما خطاکار فردی چون «جوزف گوبلز» که آنچنان پیش رود که بصورت موج ویرانگر تحریف حقایق در آید.

کار واقعی یک ژورنالیست برخلاف تصور تنها نشان دادن زشتی‌ها و نواقص نیست که بخاطرش روزنامه‌نویس را نه‌ترس و دل و جرات‌دار خطاب کنند.

چشم از زیبایی‌ها، از پیشرفت‌ها و از حقایق مثبت به‌عمد پوشاندن و روایت نه‌کردن واقعیات و یا روایت مصنوعی و چاپلوسانه و عاری از صداقت که بدل نه‌نشیند، نظیر نحوه گزارش پیشرفت‌ها در مطبوعات آنزمان ایران، خطای اندک و قابل گذشت نیست!

مشکل بزرگ و اساسی جامعه ژورنالیست‌های غافل و یا ناتوان ما در حرفه خویش است.

ترس از حقیقت‌گوئی، کمتر از دروغ‌گوئی نیست. متأسفانه روزنامه‌نگاران ما در آن زمان حساس، بسیار کم آوردند.

می‌بینیم حتی امروز هم با همه مرارت‌ها و دهه‌ها در حسرت نشستن، این مشکل هنوز هم برای بسیاری کاملاً حل نشده است.

شاید اشتباه اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی این بود که روی توانائی ذهنی و حرفه‌ای و خلوص نیت همین طبقه گزارشگر و به‌اصطلاح «ژورنالیست» و راوی، زیادی حساب کرده بود.

در این لحظات سرنوشت ساز تاریخی

بباید همگی باهم

به ایران فکر کنیم

همگی به ایران فکر کنیم





بهداشت و سلامتی

غذاهای گیاهی،

چه تاثیری بر کم کردن خطر مبتلا شدن به سرطان را دارند؟

رژیم‌های غذایی گیاهی سرشار از فیبر طبیعی هستند. اثبات شده است این ماده خطر ابتلاء به سرطان را کاهش می‌دهد و سطح انسولین را متعادل می‌کند.

یک مطالعه نشان داده زنان جوانی که بیشترین رژیم غذایی غنی از فیبر را داشتند، ۲۵ درصد کمتر در معرض خطر ابتلا به سرطان پستان در آینده بودند. تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که هر ۱۰ گرم فیبر روزانه می‌تواند خطر ابتلاء به سرطان روده بزرگ را تا ۱۰ درصد کاهش دهد. برای دریافت فیتوکمیکال‌ها و فیبر لازم حداقل:

۱/۵ تا ۲/۵ فنجان در روز میوه به‌خورید،
۲/۵ تا ۴ فنجان در روز سبزیجات دریافت کنید،
مصرف غلات کامل، ۸۵ تا ۱۴۰ گرم در روز باشد،
حبوبات، ۱/۵ فنجان در هفته باشد.

چربی‌ها را ۳ تا ۵ وعده در روز به‌خورید. یک وعده معادل، یک قاشق چایخوری روغن‌زیتون، چهار نصف گردو یا یک ششم آووکادو است.

پیوند موفقیت‌آمیز قلب خوک به انسان

مدتی پیش پیوند قلب خوک به یک انسان بیمار در صدر اخبار پزشکی قرار گرفت که البته در نهایت موفقیت‌آمیز نبود. حال در یک تلاش جدید، دو قلب خوک به دو بیمار مرگمغزی پیوند زده شده و به‌نظر می‌رسد این بار عمل پزشکی موفقیت‌آمیز بوده است.

قلب به‌مدت ۳ روز در بدن بیماران قرار داشت و طی این مدت نشانه‌ای از رد پیوند مشاهده نشد. بعد از آن بیماران از دستگاه جدا شدند.

سرپرست تیم جراحی پیوند در نیویورک هم یک ایرانی به‌نام دکتر نادر معظمی بوده و می‌گوید امیدوار است به‌زودی بتوانند این عمل را روی انسان زنده نیز اجرا کنند.

از محسنات لیمو ترش

به‌هنگام عصبانیت، استرس، اضطراب و خستگی شدید یک لیمو ترش را برش زده و بو کنید.

عطر لیمو ذهن را آرام می‌کند و سیستم ایمنی بدن را تقویت کرده و موجب کاهش استرس و اضطراب می‌شود.

۶ ماده خوراکی ایجادکننده جرم دندان

جرم دندان در نتیجه پلاکی است که از بین نرفته و روی دندانها باقی مانده است. پلاک نیز لایه نازک و چسبناکی است که روی دندانها را می‌پوشاند و حاوی باکتری است.

پلاکها با مصرف مواد غذایی چسبناک ایجاد میشوند و برطرف نکردن آنها باعث ایجاد جرم خواهد شد.

۶ ماده غذایی نقش زیادی در ایجاد پلاک و در نهایت جرم دارند که در زیر به آنها اشاره میشود.

موز - موز یک میوه خمیری و چسبنده است. این حالت چسبندگی باعث تماس طولانی مدت با دندانها شده و به‌مرور پوسیدگی ایجاد میکند.

بهتر است بعد از مصرف موز برای پیشگیری از ایجاد جرم دهانتان را شستشو دهید.

میوه های خشک - میوه‌های خشکی مانند کشمش، زردآلوی خشک و انجیر حاوی قند هستند. این میوه‌ها به‌دندانها چسبیده و باعث ایجاد پلاک و جرم میشوند.

نان شیرمال - شیرمالها نرم و چسبنده هستند و لابلای دندانها گیر میکنند. در نتیجه امکان ایجاد پلاک و جرم را بالا می‌برند. نانهای شیرمال حاوی میزان زیادی کربوهیدرات هستند که اسید آزاد میکند و باکتریها را تغذیه میکند. اگر میزان باکتری دهان بالا باشد جرم دندان نیز بیشتر میشود.

چیسی - برای مراقبت از دندانها عادت مصرف یک پاکت چیسی در مقابل تلویزیون و یا در هر موقعیتی را ترک کنید. چیسیها حاوی نشاسته و در نتیجه کربوهیدرات زیادی هستند. باکتریها نیز از این ترکیبات تغذیه و اسید تولید میکنند که باعث پوسیدگی دندانها میشود.

نوشابه ها - قند غذای مورد علاقه باکتریهای ایجاد کننده پلاک و جرم دندان است. اگر قند روی دندانها بماند باکتریها شروع بتولید اسید میکنند و خطر «دمیرالیزه» شدن دندانها افزایش مییابد. نوشابه‌ها و همچنین آبمیوه‌های پاکتی میزان زیادی قند دارند و باعث ایجاد پلاک، جرم و پوسیدگی دندانها میشوند.

آب نباتها و تنقلات - آبنبات‌ها دشمن دندانها هستند، چون چسبنده بوده و از طرف دیگر حاوی قند هستند. در نتیجه باعث ایجاد پلاک میشوند و غذای مورد نیاز باکتریها محسوب میشوند.

هر چه میزان باکتری دهان بیشتر شود، دندانها آسیب پذیرتر خواهند شد. بهمین دلیل مصرف این تنقلات برای کودکان و همچنین بزرگسالان توصیه نمیشود.

بعد از مصرف چه باید کرد - عدم مصرف موز یا میوه‌های خشک توصیه نمیشود. بهتر است بعد از مصرف آنها دندانها را مسواک بزنید و یا یک لیوان آب بوشید تا باقیمانده مواد غذایی را بشوید. برای خوردن نوشیدنیهای شیرین از نی استفاده کنید تا تماس آن‌ها با دندانها حداقل برسد.

توصیه می‌کنیم بعد از مصرف هرگونه مواد خوراکی، دهان خود را شستشو دهید.

آب و مضرات بیش از نیاز نوشیدن آن برای بدن

نوشیدن آب کافی برای عملکرد صحیح بدن حیاتی است؛ مگر اینکه بیش از حد از آن بنوشید. اگرچه بیشتر مردم به علائم کم‌آبی بدن توجه می‌کنند، ولی کارشناسان می‌گویند نوشیدن بیش از حد آب می‌تواند به همان اندازه خطرناک باشد. نشانه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد شما بیش از حد آب می‌نوشید:

سرردهای ضربان‌دار دارید

سررد می‌تواند نشانه کم‌آبی بدن باشد. اما وقتی بیش از حد آب می‌نوشید، غلظت نمک در خون کاهش می‌یابد و باعث می‌شود سلول‌ها در سراسر بدن متورم شوند. این روند می‌تواند بر روی مغز تأثیر بگذارد. وقتی بیش از حد آب می‌نوشید، مغز شما در واقع بزرگ می‌شود و به‌مجموعه فشار می‌آورد. این فشار اضافه می‌تواند باعث سررد ضربان‌دار و مشکلات سلامتی جدی‌تر مانند اختلالات مغزی و مشکلات تنفسی شود.

ادرار شما شبیه آب است

با نوشیدن مقادیر مناسب آب، رنگ ادرار زرد شفاف است. این یک افسانه است که ادرار بسیار شفاف سالم‌ترین نشانه هیدراتاسیون است. در واقع داشتن ادرار بی‌رنگ نشانه واضحی از نوشیدن بیش از حد آب است. قانون قدیمی این است که روزانه هشت تا ۱۰ فنجان آب بنوشید. با این حال، نیاز واقعی به آب به قد، وزن، سن، فعالیت، وضعیت سلامتی و آب و هوا بستگی دارد. نکته کلیدی این است که یاد بگیرید تشنگی را در بدن خود تشخیص دهید.

احتیاج مداوم به تخلیه مثانه دارید

به‌طور متوسط، یک فرد بین ۶ تا ۱۰ بار در روز ادرار می‌کند، بنابراین اگر بیش از ۱۰ بار در روز ادرار می‌کنید، ممکن است بیش از نیاز بدنتان آب بنوشید. بیدار شدن بیش از یک بار در طول شب برای ادرار کردن، یکی دیگر از نشانه‌های نوشیدن بیش از حد آب است.

دچار تهوع و استفراغ می‌شوید

علائم نوشیدن بیش از حد آب بسیار شبیه به کم‌آبی بدن است. وقتی بیش از حد آب می‌نوشید، کلیه‌های شما به‌نقطه‌ای می‌رسند که نمی‌توانند از شر مایعات اضافی خلاص شوند. این روند منجر به جمع شدن آب در بدن شما می‌شود و می‌تواند تعدادی از علائم ناخوشایند، از جمله تهوع، استفراغ و اسهال ایجاد کند.

عضلات شما احساس ضعف می‌کنند

داشتن بدنی سالم و با عملکرد کامل به تعادل بستگی دارد. وقتی بیش از حد آب می‌نوشید، سطح الکترولیت شما کاهش می‌یابد و این تعادل به خطر می‌افتد. سطوح پایین الکترولیت می‌تواند باعث تعدادی از علائم ناخوشایند از جمله اسپاسم عضلانی و گرفتگی شود. شما می‌توانید با جایگزینی چند لیوان آب در روز با آب نارگیل که مملو از الکترولیت و ۱۰۰ درصد طبیعی است یا یک نوشیدنی الکترولیتی، از مشکلات عضلانی جلوگیری کنید.

ثابت شدن ارتباط بین خشم و گرسنگی؟!

نتایج یک مطالعه تحقیقاتی در دانشگاهی در کمبریج نشان می‌دهد که بین خشم و گرسنگی ارتباط وجود دارد. چند نظریه در توضیح ارتباط بین این دو حس مطرح شده است.

انسان گرسنه اغلب با احساسات منفی دست و پنجه نرم می‌کند و در صورتیکه گرسنگی ادامه پیدا کند، می‌تواند به‌صورت خشم به‌بیرون سرایت کند!

نگاهی به‌کلمات نیز ما را به این ارتباط می‌رساند. در زبان انگلیسی به‌گرسنه می‌گوییم "هانگری" و به‌خشمگین می‌گوییم "انگری" و چه تصادفی! این دو کلمه تنها در یک حرف از هم تمیز داده می‌شوند.

پژوهشگران دانشگاه «انگلیا راسکین (ARU)» در کمبریج بریتانیا می‌گویند، توانسته‌اند طی مطالعاتی خارج از شرایط آزمایشگاهی، این ارتباط را اثبات کنند.

آن‌ها در پژوهش‌های خود احساسات ۶۰ داوطلب بزرگسال را در بازه زمانی ۲۱ روزه، روزی پنج بار از طریق یک اپلیکیشن رصد و ثبت کرده‌اند، احساساتی از قبیل خشم، تحریک‌پذیری و لذت.

نتیجه این تحقیقات که در مجله تخصصی "پلاس وان" منتشر شده حاکی از آن است که ارتباط روشنی بین حس گرسنگی و احساسات منفی وجود دارد.

اما دقیقاً علت این ارتباط چیست؟ نظرات مختلفی در این زمینه بیان شده که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

ویرن سوامی از دانشگاه "انگلیا راسکین" که سرپرستی این تیم تحقیقاتی را بر عهده داشته می‌گوید: یک دلیل احتمالی می‌تواند این باشد، وقتی سطح قند خون مغز پایین می‌آید دیگر نمی‌توان به‌درستی احساسات را کنترل کرد.

علت دیگر می‌تواند این باشد که ما به‌هنگام گرسنگی به‌محرک‌های خارجی واکنشی متفاوت نشان می‌دهیم، حساسیت‌مان بیشتر شده و در رویارویی با محرک‌های آزاردهنده زودتر عصبی می‌شویم.

سوامی می‌گوید، شاید هم ترکیبی پیچیده از هر دوی این علت‌ها دلیل ارتباط این دو حس باشد. به‌گفته او، ممکن است عوامل روحی نیز در بروز حس خشم هنگام گرسنگی نقش داشته باشند و نقش‌آشان حتی قوی‌تر از تأثیر قند خون باشد.

توریدهای موجود

ویرن سوامی، سرپرست این تحقیقات معتقد است که می‌توان از ارتباط میان گرسنگی و خشم بهره‌ای کاربردی گرفت؛ به‌این ترتیب وقتی خشمگین می‌شویم می‌توانیم از خود به‌پرسم دلیل این عصبانیت چیست؟ آیا گرسنگی می‌تواند عامل آن باشد؟ اگر چنین است کافی است که چیزی به‌خوریم.

با این حال «بوهان کریستوف کلوتر»، استاد روانشناسی تغذیه و سلامت دانشگاه علوم کاربردی «فولدا» در آلمان می‌گوید، در مقوله گرسنگی و خشم نمی‌توان علت و معلول را از هم جدا کرد؛ به‌گفته این کارشناس بازنشسته، گرسنگی نیز می‌تواند بیانگر خشم باشد.

اختلاف بر سر میزان انرژی موجود است؛ در زن‌ها، به‌طور کلی، بیشتر نیروی مرکزگرا یا نیروی «جاذبه‌ی زمین» حضور دارد و در مردان نیروی گریز از مرکز یا نیروی جاذبه‌ی آسمان.

نیروی «مرکزگرا» نیرویی زمینی است که هر کسی را که اطراف ما باشد، جذب می‌کند. چون زن‌ها معمولاً نقطه‌ی ثقل خانه بوده و مسئولیت روانی را به‌منظور تأمین و حفظ سلامت سایر افراد خانواده، بر عهده می‌گیرند.

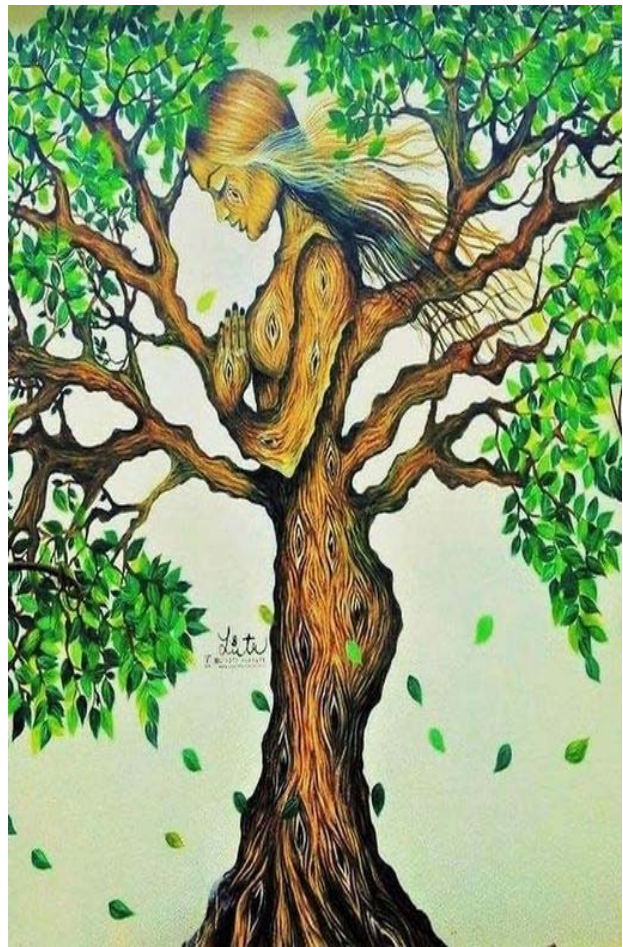
به‌همین دلیل است که وقتی زنی تغییری در جهت بهبود بر می‌دارد، تمام افراد خانه (چه او بچه داشته باشد یا نداشته باشد) از این بهبود بهره می‌برند.

به‌جرات می‌توان گفت سلامت خانواده و جامعه به‌تنهایی بستگی به‌سالم شدن و سالم ماندن زن دارد. بخشی از رمز سلامت آفرینی، درک قدرت انرژی زن و آثار آن است.

حالا تصور کنید زنان زخمی، زنان افسرده و زنان رنجور بدون اینکه بدانند و یا به‌خواهند، چقدر می‌توانند برای خود و عزیزان‌شان منشاء درد باشند!

اینجاست که باید از خود سؤال کنیم وضعیت سلامت روان زنان جامعه‌ی ما به‌چه سمت و سویی می‌رود؟ چقدر برای خوشحالی و سلامت جسم و جان زنان اهمیت قائل می‌شویم؟ چقدر برای این مهم هزینه می‌کنیم و مسئولیت می‌پذیریم؟ تصور کنید در جوامع پدرسالار با حجم بالای بی‌اعتنایی و کم‌لطفی که در حق زنان شده است چقدر خود مردان آسیب دیده‌اند؟

به‌جرات می‌توان گفت، در جامعه‌ای که زنان خوشحال و سلامت نیستند، هیچکس حال خوب و خوشی ندارد!؟



اثرات و مزایای وجود «زنان خوشحال» در جامعه

مطالعات نشان داده است که سلامت عزیزان یک زن به‌طور مستقیم با سلامت خود زن ارتباط دارد.

طبق باورهای شرقی، بدن زن‌ها متفاوت از بدن مردان است؛ بدین ترتیب که انرژی زمین در بدن و درون زنان در گردش است. انرژی زنانه، انرژی به درون، کشاننده یا نیروی جاذبه‌ی زمین است.

این انرژی زنانه مقاومت ناپذیر بوده و به‌قدری قوی است که در زندگی خانوادگی، اکثر افراد خانه تمایل دارند در اطراف فردی باشند که نیروی مرکزگرا در او از همه قوی‌تر است (که معمولاً مادر خانواده است) و نبود او در صورت غیبت کاملاً مشخص و محسوس است.

بچه‌ها عادت دارند همیشه بدانند مادر کجاست و اگر مادر از خانه بیرون رود به‌شکل عجیبی متوجه می‌شوند و دائم می‌پرسند مادر کجاست؟

«می‌چیوکوشی»، مربی ماکروبیوتیک، که اولین بار درباره‌ی این انرژی صحبت کرد، اشاره می‌کند که نیروی جاذبه‌ی زمین که از طریق پاها وارد بدن می‌شود، هم در زنان و هم در مردان وجود دارد، همان گونه که نیروی گریز از مرکز که از آسمان وارد سر و بدن می‌شود، هم در زنان و هم در مردان حضور دارد.

مادر....

وقتی بچه بودم کنار مادرم می‌خوابیدم و هرشب یک آرزو می‌کردم؛ مثلاً آرزو می‌کردم برایم اسباب بازی به‌خرد.

می‌گفت: «می‌خرم به‌شرط اینکه بخوابی.»

یا آرزو می‌کردم بپرسم بزرگترین شهر بازی دنیا؛

می‌گفت: «می‌پرسم، به‌شرط اینکه بخوابی.»

یک شب پرسیدم: «اگر بزرگ به‌شوم به آرزوهایم می‌رسم؟»

گفت: «می‌رسی، به‌شرط اینکه بخوابی.»

هر شب با خوشحالی می‌خوابیدم؛ آنقدر خوابیدم که بزرگ شدم و آرزوهایم کوچک و مادرم نیز فوت کرد.

دیشب مادرم خواب دیدم؛ پرسید:

«هنوز هم شبها قبل از خواب به آرزوهایت فکر می‌کنی؟»

گفتم: «شبها نمی‌خوابم.»

گفت: «مگر چه آرزویی داری؟»

گفتم: «تو اینجا باشی و هیچ آرزویی نداشته باشم.»

گفت: «سعی خودم را می‌کنم به‌خوابت بیایم، به‌شرط اینکه بخوابی!؟»

با آرزوی بهترینها، تکی سالم و دلی خوش برای همه مادران

مهربون دنیا....آمین

۹ مهم ترین خواص دارویی کدو حلوائی

تقویت حافظه و جلوگیری از پروستات

کدو تنبل و تخمه کدو که دارای محتوای غذایی بسیار غنی هستند، فواید زیادی برای سلامتی دارند. کدو تنبل که برای سلامت مغز و بهبود حافظه شناخته می شود، از سرطان‌هایی مانند پروستات نیز جلوگیری می‌کند.

تحقیقات اخیر نشان می دهد که کدو تنبل یکی از بهترین مواد غذایی برای گنجاندن در یک رژیم غذایی سالم است. کدو تنبل حاوی طیف گسترده‌ای از ویتامین‌ها، مواد معدنی و مواد مغذی است. یکی از فواید مصرف کدو تنبل این است که مقدار زیادی آنتی اکسیدان دارد. آنتی اکسیدان‌ها به جلوگیری از آسیبی که رادیکال‌های آزاد می‌توانند به سلول‌های مغز وارد کنند، کمک می‌کند.

کدو تنبل همچنین منبع اسید فولیک است که باعث رشد مغز و افزایش سطح هوش می‌شود. در بخش زیر خواص کدو حلوائی را بررسی می‌کنیم.

۹ فایده‌ی شگفت انگیز کدو حلوائی:

- ۱- بهبود حافظه
- ۲- جلوگیری از بیماری‌ها
- ۳- تقویت سیستم ایمنی بدن
- ۴- جلوگیری از آسیب چشمی
- ۵- سلامت استخوان‌ها
- ۶- هضم بهتر غذا
- ۷- کمک به سلامت سلول‌های بدن
- ۸- منبع آهن
- ۹- تسکین هیپرتروفی خوش خیم پروستات

خواص آب خیار؛

ضد التهاب، آب رسان و جوان کننده پوست

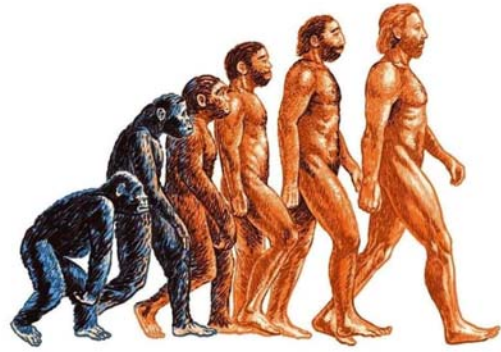
خیار سرشار از ویتامین‌ها و مواد معدنی است که با التهاب مبارزه می‌کند و احتقان عروقی را کاهش می دهد.

آب خیار از جوانی، شادابی و سلامت پوست محافظت می‌کند و پف چشم و صورت را از بین می‌برد. خیار سرشار از فواید شگفت انگیز برای سلامتی است.

در واقع این نوشیدنی آسان ملکه «هیدراتاسیون» است که بسیاری از ما آن را جدی نمی‌گیریم. در حال که وقتی صحبت از فواید سلامتی و طعم با طراوت به‌میان می‌آید، آب خیار بر آب لیمو غلبه می‌کند. با نوشیدن آب خیار همیشه سالم، جوان و شاداب بمانید.

فایده‌ی شگفت انگیز آب خیار برای سلامتی

- ۱- آب خیار سرشار از آنتی اکسیدان‌ها، ویتامین‌ها و مواد معدنی ضد التهابی است
- ۲- برای حفظ سلامت استخوان‌ها بسیار مفید است
- ۳- به هیدراته ماندن کمک می‌کند
- ۴- خیار پرآب‌ترین سبزی است
- ۵- برای بهبود گرفتگی و درد عضلات بسیار مفید می‌باشد.



حقایق علمی درباره بدن انسان

حقایق علمی درباره بدن انسان که با آن آشنا نیستیم و همه ما گمان می‌کنیم بدن‌مان را خیلی خوب می‌شناسیم. اما در واقع بدن انسان مکانیسم پیچیده‌تر و مرموزتر از اینهاست که حتی دانشمندان و متخصصین را هم گیج و مبهور میکند.

چند نمونه از این حقایق جالب درباره بدن انسان را در این مقاله کوتاه آورده‌ایم که شمارا شگفت‌زده خواهد کرد. بخوانید تا ببینید که آیا تا به حال آنها را شنیده‌اید؟

- * تعداد باکتری‌های موجود در دهان انسان برابر است با تعداد انسان‌های روی زمین، شاید هم بیشتر!
- * یک تار مو می‌تواند وزن یک سیب را نگه دارد!
- * شکل زبان هر انسانی با دیگری فرق دارد!
- * دهان انسان روزانه ۶۰۰ میلی لیتر بزاق تولید می‌کند!
- * سرعت تحریک مغناطیسی مغز انسان ۴۰۰ کیلومتر بر ساعت است!

* گروه‌های خونی انسان به ۴ نوع محدود نمی‌شوند، بلکه ۲۹ گروه خونی داریم که نادرترین آن‌ها «گروه خونی بمبئی» می‌باشد و در یک خانواده کوچک ژاپنی رواج دارد!

* خون بدن ما انسان‌ها در طول یک روز به اندازه ۱۹۳۱۲ کیلومتر حرکت می‌کند!

- * طول تمام رشته‌های عصبی روی هم ۷۵ کیلومتر است!
- * تعداد تنفس هر انسان روزانه ۲۰۰۰۰ است!
- * چشم انسان می‌تواند ۱۰ میلیون رنگ را تشخیص دهد، اما مغز نمی‌تواند آن‌ها را به خاطر بسپارد!
- * تعداد ضربان قلب انسان در سال ۳۵ میلیون بار است!
- * روزانه بدن انسان حدود یک میلیون سلول پوستی از دست می‌دهد. این مقدار برابر است با ۲ کیلو در سال!
- * هر یک سانتیمتر مربع از بدن انسان شامل صدها سنسور درد است!

* جوانه‌های چشایی سطح زبان مردها کمتر از زنان است!

* هر انسان به‌طور میانگین ۳۵ تن غذا در طول زندگی مصرف می‌کند!

* در هر ثانیه ۱۰۰۰۰۰ واکنش شیمیایی در مغز انسان رخ می‌دهد!

- * سرعت عطسه ۱۶۰ کیلومتر بر ساعت است!
- * خنده ۱۷ ماهیچه را در صورت به حرکت وا می‌دارد در حالی‌که گریه ۴۳ ماهیچه؛ پس بیشتر بخندید تا جوانتر بمانید!

کمبود ویتامین‌ها بدن را می‌توانید،

با مصرف این خوراکی‌ها جبران کنید:

- * - ویتامین A: جگر گوسفند، گوساله و گاو، قلوهای گوسفند و گاو، تخم مرغ، کنسرو ماهی... و شیر.
- * - ویتامین B1: جگر گوسفند، قلوهای گوسفند و گوساله، مرغ، حبوبات، تخم مرغ، شلغم، خرما، گوشت گوسفند و گوشت گوساله.
- * - ویتامین B2: جگر گوسفند، گاو و مرغ، قلوهای گوسفند، قارچ، سویا، تخم مرغ، گوشت گوسفند و گوساله، عدس، لپه، شیر، خرما، انجیر خشک،... و فندق.
- * - ویتامین B3: جگر گوسفند، گوساله و مرغ، گوشت مرغ، گوشت مرغ، گوسفند و گوساله، ماهی، بوقلمون، میگو، اردک، بادام، ذرت، گردو، کلم و قارچ.
- * - ویتامین B5: جگر گوساله و گاو، قارچ، تخم مرغ، لوبیای سفید، گندم، پرتقال، خیار، گوجه‌فرنگی، موز، پیاز، شاه‌توت.
- * - ویتامین B6: جگر گوساله و گوسفند، ماهی آزاد، سویا، نخود، گندم، عدس، سیب‌زمینی، هویج، کاهو، لوبیا سبز، گره، میگو، بادام، خرما، انگور، شیر، تخم‌مرغ، سیب و پرتقال.
- * - ویتامین B9 (اسید فولیک): گردو، بادام زمینی، کشمش، نخود فرنگی، هویج فرنگی، گوجه فرنگی، کلم، گل کلم، قارچ، کاهو، سیب‌زمینی، اسفناج، موز، توت فرنگی، جگر گاو، جوانه‌ی گندم.
- * - ویتامین B12: جگر گاو سرخ کرده، تخم مرغ، شیر کامل، پنیر سوئیسی، پنیر آمریکایی.
- * - ویتامین C: پرتقال، توت‌فرنگی، لیمو، نارنگی، لیموترش، گریپ فروت، طالبی، شلیل، شاه‌توت، به، ریواس، گیلاس، سیب، جعفری.
- * - ویتامین D: ماهی آزاد، ماهی ساردین، تخم مرغ، کره، شیر و نور خورشید.
- * - ویتامین E: گردو، فندق، بادام، (روغن زیتون، ذرت، پنبه دانه، سویا، گلرنگ و نارگیل)، تخم مرغ، جگر گوساله، کره، کاکائو.
- * - ویتامین K: ماهی، گوشت قرمز، جگر و سبزی‌جات.
- * - کلسیم: شیر کامل، پنیر، بستنی، ماست، تخم مرغ، نان، سبزی‌جات، بادام و پسته.
- * - فسفر: شیر کامل، عدس، لپه، کشمش، ماهی آزاد و سفید، مرغ، تخم مرغ، پسته و فندق.
- * - پتاسیم: سبزی‌جات، میوه‌ها، غلات و انواع گوشت‌ها.
- * - سدیم: پنیر، گوشت، تخم مرغ، کرفس، شیر، انواع میوه‌ها و سبزی‌جات.
- * - منیزیم: غلات، سبزیها، حبوبات، مغزها، میوه‌های خشک، غذاهای دریایی.
- * - مس: سبزیهای برگ سبز، غذاهای حیوانی، به‌خصوص جگر، قلو، غذاهای دریایی، حبوبات، پسته، بادام، گردو، کشمش و فندق.



طبیعت انسان

طبیعت انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- افراد «سرد مزاج» که با خوردن خوراکی‌هایی با طبیعت سرد، اذیت می‌شوند.
 - ۲- افراد «گرم مزاج» که با خوردن گرمی، اذیت می‌شوند.
- انسانها بایستی آگاهی داشته باشند در کودکی و با توجه به مزاجشان از خوراکی‌های مخالف، میل کنند.
- اما در میانسال و سالمندی یعنی ۵۵ سال به بالا تمام مزاج‌ها باید «سرد» حساب شوند، یعنی این افراد هرگز نباید غذاهای با کیفیت سرد و خنکی میل کنند، هرچند مزاجشان قبلاً گرم بوده باشد.
- ضرووی است همواره به‌خاطر داشته باشیم که «سردی‌ها» بدن را در مقابل بیماری‌های رایج «ضعیف» می‌کند.

۱۵ نشانه‌ی کمبود ویتامین در بدن

- ۱- درد در انگشت‌ها، پشت ساق پا و کف پا: (کلسیم، پتاسیم و منیزیم)
- ۲- شکاف در گوشه‌ی لب‌ها (گروه ویتامین B)
- ۳- احساس خستگی (B2)
- ۴- خواب رفتن و کرخی دست و پا (B6 و B12)
- ۵- جوشهای قرمز در بازو و گونه‌ها (A و D)
- ۶- افسردگی (D)
- ۷- ریزش موی شدید (B)
- ۸- اختلالات دید شبانه (A)
- ۹- بی‌اشتهایی (B)
- ۱۰- حالت تهوع، یبوست و نفخ (B12)
- ۱۱- خونریزی لثه و زخم‌هایی که دیر خوب می‌شوند (C)
- ۱۲- سردرد و سرگیجه (B3)
- ۱۳- اسهال (B9)
- ۱۴- بی‌خوابی (B5)
- ۱۵- خشکی پوست بدن (A و B)

ولی استنشاق بخار سیگار، همچنان می‌تواند حاوی مقدار کمی مواد شیمیایی، از جمله نیکوتین باشد که ممکن است خطرات مربوط به خودشان را داشته باشند. دانشمندان هنوز نهمیده‌اند که این خطرات چیستند. این نگرانی وجود دارد که جوانان فکر کنند اینها کاملا بدون خطر بوده و شروع به استفاده از آن کنند.

«دیوانگی»

پرفسور جان بریتن، استاد افتخاری در دانشگاه ناتینگهام در گزارش اخیر دولت برای خاتمه به سیگار کشیدن مشاوره می‌دهد. او می‌گوید: «غیرقابل تصور است که بگوییم استفاده از ویپ بی‌خطر است، این تعادل بین خطرات است. اگر هیچ نوع و شکل نیکوتین را استعمال نمی‌کنید، دیوانگی است که شروع به استفاده از ویپ کنید.»

آقای پرفسور بریتن پیش‌بینی می‌کند که در ۴۰ تا ۵۰ سال آینده، ما شاهد ابتلای افراد به سرطان ریه و برونشیت مزمن و سایر بیماری‌های جدی ریوی به دلیل استفاده از ویپ خواهیم بود. ولی این آمار احتمالا پایین هستند و بسیار کمتر از خطرات سلامتی ناشی از سیگار کشیدن خواهند بود.

آخرین آمار نشان می‌دهد که بیشتر نوجوانان از ویپ استفاده نمی‌کنند و در سال ۲۰۲۱ فقط ۱۱ درصد افراد ۱۱ تا ۱۷ ساله در بریتانیا آن را امتحان کرده بودند. ولی داده‌های سال ۲۰۲۲ هنوز منتشر نشده است و برخی پیش‌بینی می‌کنند این آمار بالاتر خواهد بود. تحقیقات کالج دانشگاهی لندن (UCL) نشان می‌دهد فقط در انگلستان ۷۴ هزار فرد ۱۶ تا ۱۷ ساله از سیگار الکترونیکی استفاده می‌کنند. و یک مطالعه دیگر UCL نشان می‌دهد طرفداران ویپ‌های یکبار مصرف در میان افراد ۱۸ ساله رو به افزایش است و بیش از نیمی از مصرف کنندگان ویپ، از آن استفاده می‌کنند.

پرفسور لیندا بولد استاد بهداشت عمومی در دانشگاه ادینبرو می‌گوید: «بنابراین آنچه مشاهده می‌کنید، جوانان و نوجوانانی هستند که اینها را امتحان می‌کنند، ولی تبدیل به مصرف کنندگان طولانی مدت نمی‌شوند.» قبلا ممکن بود آنها تبدیل به نوجوانان سیگاری شوند که بسیار مضرتر می‌بود، ولی او می‌گوید هنوز برای محافظت جوانان باید اقدامات بیشتری انجام شود.

بریتانیا دارای برخی از سختگیرانه‌ترین قوانین سیگار الکترونیکی در دنیا است. تقریبا تمام انواع تبلیغات سیگارهای الکترونیکی ممنوع است و میزان نیکوتین موجود در این محصول محدود است و فقط افراد بالای ۱۸ سال می‌توانند اینها را به‌صورت مجاز خریداری کنند.



هشدار.....!?!

خطرات سیگار الکترونیکی کمتر از سیگار معمولی نیستند!؟

«ویپ» یا سیگار الکترونیکی در رنگ‌های روشن و طعم‌های مختلف از پشمک گرفته تا تمشک در دسترس هستند. متأسفانه تعداد طرفداران ویپ‌های یکبار مصرف رو به افزایش است.

ارائه این ویپ‌ها، بخشی از برنامه دولت بریتانیا برای ترک دادن ۶ میلیون فرد سیگاری باقی مانده تا سال ۲۰۳۰ است. ولی آیا استفاده از ویپ، به خصوص برای افراد جوانی که هرگز سیگار نکشیده‌اند، بی‌خطر است؟

تمام دوستان ایزی ۱۸ ساله از ویپ استفاده می‌کردند. به همین دلیل او هم تابستان گذشته شروع به کشیدن ویپ کرد و حالا تمام ساعات روز از ویپ استفاده می‌کند. او می‌گوید: «می‌توانم هم زمان روی تخت خوابم بشینم و ویپ بکشم و با فیس تایم با دوستانم صحبت کنم. ویپ همیشه در دستم هست و برای همین همیشه از آن استفاده می‌کنم. کار به جایی رسید که من هر هفته ۲ ویپ را تمام می‌کردم، که هر کدام ۳۵۰۰ پک داشتند.»

در نهایت لته‌های ایزی شروع به خونریزی کرد و لب‌ها و دهانش زخم شد و به همین دلیل او استفاده از ویپ را کم کرد. او می‌گوید: «نمی‌خواستم دندان‌هایم را مسواک کنم، چون خیلی دردناک بود.»

ویپ‌های یکبار مصرف جدیدترین مد استفاده از ویپ هستند. اینها از یک بسته سیگار ارزان‌تر هستند و به محض باز کردن بسته‌شان می‌شود از آنها استفاده کرد و بعد از تمام شدنشان، دور ریخته می‌شوند.

ایزی مجنوب رنگ‌ها و طعم‌های این ویپ‌ها شد و دید می‌تواند رنگ ویپ‌هایش را با رنگ لباس‌های مهمانی شبش ست کند. قبلا او گهگاه آخر هفته‌ها سیگار می‌کشید، ولی به نظرش ویپ کشیدن بسیار راحت‌تر است: «من خیلی بیشتر از اینکه سیگار بکشم، از ویپ استفاده می‌کردم. می‌توانستم یک ویپ کامل را در یک شب که بیرون می‌رفتم، تمام کنم.» سیگارهای الکترونیکی دود خطرناک و سمی تنباکو را حذف می‌کنند و از این طریق به هزاران نفر کمک کرده‌اند که سیگار کشیدن را ترک و باعث افزایش سلامت آنها شده‌اند،

IRAN'S AIRSPACE IS NOT SAFE

آسمان ایران امن نیست



آسمان ایران امن نیست!؟

به اعضای اتحادیه اروپا،

ایرلاین‌های اروپایی و فعالین صنعت هوانوردی

در اخباری که جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌کند آمده بود که در صدد بازگشت به کریدور هوایی ایران هستید. جمهوری اسلامی ایران ادعا می‌کند که گروهی از ایرلاین‌ها با مدیریت شرکت «لوفتانزا» در مذاکرات متعددی شرکت کرده است. سؤال ما از شما این است، چگونه پرواز «پی اس هفتصد و پنجاه و دو» و مسافرانی را که هرگز به مقصد نرسیدند فراموش کرده‌اید؟

تنها چهار ماه گذشته است و همه طبق اعتراف جمهوری اسلامی می‌دانند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌انسان‌های بی‌دفاع حمله‌ی موشکی کرده است.

چه کسی می‌تواند تضمین کند ایران دوباره به‌چنین کاری دست نخواهد زد وقتی خبری از همکاری در تحقیقات نیست و ایران از عوامل جنایت تقدیر می‌کند؟ در این زمینه چه تضمینی وجود دارد؟

اعضای اتحادیه‌ی اروپا نباید با پرواز ایرلاین‌های خود بر فراز خاک ایران موافقت کنند تا وقتی که حکومت ایران با نهادهای بین‌المللی در انجام تحقیقاتی دقیق و منصفانه همکاری کند و همه بدانند چرا پرواز «پی اس هفتصد و پنجاه و دو» را سرنگون کردند؛ معرفی آمران و عاملان بخش اصلی این تحقیقات است.

«انجمن خانواده‌های جان‌باختگان پرواز «پی اس هفتصد و پنجاه و دو»



خانم پرفسور بولد می‌گوید: «بسیار مهم است که ما این محصولات ویپ را دور از دسترس جوانان نگاه داریم، چون این محصولات مناسب آنها نیستند».

«گلودرد بسیار بد»

مگان موندی ۱۸ ساله برای کم کردن سیگار، شروع به استفاده از ویپ کرد و به نظرش طعم‌های آن «بسیار اعتیادآور» هستند. او گفت ویپ کشیدن باعث شد به سختی قادر به حرف زدن باشد و «گلویم به قدری درد گرفت که با قورت دادن آب دهانم مثل این بود که به ته گلویم چاقو زده می‌شود. به قدری بد بود که مجبور شدم از کارم مرخصی بگیرم». او می‌گوید دیگر از ویپ استفاده نمی‌کند.

دندانپزشکان می‌گویند شاهد برخی عوارض جانبی استفاده از ویپ، مانند بوی بد دهان، زخم شدن، خشکی دهان و درد برخی نواحی آن هستند. این می‌تواند منجر به کمبود بزاق دهان و به‌صورت بالقوه باعث پوسیدگی دندان‌ها شود. خونریزی لثه می‌تواند در برخی افراد بعد از ترک سیگار دیده شود، زیرا گردش خون بهبود پیدا می‌کند و این اغلب همراه با آغاز استفاده از ویپ است. این نشان می‌دهد که لثه‌ها در حال بهبود هستند و لزوماً نشانه بدی نیست. تا کنون متخصصان دندان می‌گویند بعید به نظر می‌رسد که نیکوتین عامل مهم در سرطان و بیماری لثه باشد.

پرفسور ریچار هالیدی، استاد ارشد و مشاور افتخاری دندانپزشکی ترمیمی در نیوکاسل گفت:

«ما همچنان این موضوع را تحت نظر داریم و هنوز همه جواب‌ها را نداریم، ولی تا کنون نکته بسیار نگران کننده‌ی او وجود نداشته است».

«ضرر بالقوه»

با این حال همه اینقدر مطمئن نیستند. دیوید تیکت، پرفسور طب تنفسی در دانشگاه بیرمنگام نگران تاثیرات دزهای بالاتر نیکوتین موجود در ویپ بروی ریه‌هاست. با اینکه سالهاست از آدامس و برجسب نیکوتین برای تسکین میل سیگار کشیدن استفاده می‌شود و اینها محصولات بی‌خطر تلقی می‌شوند، او درباره نیکوتین در ویپ مطمئن نیست. آقای پرفسور تیکت می‌گوید: «این یعنی روش بوجود آمدن آن در ویپ، به صورت بالقوه خطرناکتر است».

در یک مطالعه آزمایشگاهی، مشخص شد استفاده از ویپ به سلول‌های مهم سیستم ایمنی در ریه صدمه زده و باعث التهاب می‌شود. برای تایید این یافته‌ها هنوز به تحقیقات بیشتری نیاز است. ولی بعضی از تاثیرات آن مشابه همان‌هایی بود که در افراد سیگاری و افراد با بیماری‌های مزمن ریوی دیده می‌شود.

آقای پرفسور تیکت هشدار می‌دهد که از افرادی که از ویپ استفاده می‌کنند حمایت کافی نمی‌شود تا بتوانند بعد از روی آوردن به سیگار الکترونیکی، نیکوتین را ترک کنند. او گفت سیگارهای الکترونیکی ایمن‌تر از سیگار معمولی هستند، ولی می‌توانند در دراز مدت مضر باشند و تحقیقات در این زمینه هنوز در مراحل اولیه است.

زیگموند فروید؛



دین هرگز نخواهد توانست که

در این جهان نیازهای اساسی مردم را
برآورده سازد در نتیجه وعده تامین آنها را
در جهان دیگری به مردم میدهد !!!

گفته‌ها، نکته‌ها و لطیفه‌ها

ادب، مدرک نیست!؟

ادب، لباس گران قیمت پوشیدن نیست،
ادب بالای شهر زندگی کردن نیست،
ادب اتومبیل آخرین سیستم و گران قیمت داشتن نیست،
ثروت و مدرک ادب نمی‌آورد؛ ادب در ذات آدم‌هاست که با
تربیت و آموزش صحیح به‌بار می‌نشیند،
ادب یعنی به‌همسرت امنیت، به‌فرزندت محبت، به‌پدر و
مادرت احترام و خدمت و به‌دوستان‌ات شادی هدیه کنی،
ادب یعنی با هر مدرک و مقامی که داشته باشی، معنای
انسانیت را درک کرده و نیکوسرشت باشی!



«نه به حجاب اجباری» - کاری از مانا نیستانی

لبخندی بزنید

* - رفتم خواستگاری، بابای دختره پرسید:
شما نظرتون واسه مهریه چقدره؟
منم گفتم نظرم ۲ تا ربع پهلوی به‌نیت دو طفلان مسلم!
بی‌انصاف نگذاشت موزمو بخورم، انداختم بیرون!؟
* - به‌جعفر میگن روز قیامت پل صراط از مو باریکتره و از تیغ
تیزتر! تو چه‌جوری رد می‌شی؟
میگه: ما عشایریم، همین طرف پل چادر می‌زنیم!
* - به‌مامانم میگم تو کشورای خارج، سوپ پیش غذا، نه شام!
میگه بابات خارجیه یا اون عمه‌ات! یعنی اصلاً لزومی نداشت
پای عمه مو بکشه وسط! نیتش این بود که یه فحشی بهش بده!
* - تو درمانگاه بودم که یه آخوندی یواش اومد اطاق تزریقات و
به‌تزریقاتچی گفت: دو تا آمپول دارم اینا رو بزنی، ولی خدائیش
انتقام مشکلات کشور رو از من بگیر! من یه آخوند ساده‌ام!
* - از یه طرف میگید آمریکا هیچ غلطی نمی‌تونه بکنه و از
طرف دیگه میگید همه اتفاقات زیر سر آمریکاست!
بالاخره آمریکا می‌تونه یا نمی‌تونه؟ اون بدبختارو از بلا تکلیفی
در بیارید!

* - عنتر خانوم کیست؟ عنتر خانوم در اصل زنی است بسیار
زیبا، خنده رو، خوش اندام، خوش لباس، مهربون و جذاب که با
وارد شدن او در هر جمعی، خانم‌های دیگه با چپ‌چپ نگاه
کردن به هم میگن: باز این عنتر خانوم اومد!
* - قدیما باباها هفت تا دختر شوهر میدادن و همشون هم
خوشبخت میشدن. ولی الان یه دختر و هفت بار شوهر میدن،
آخرشم برمیگرده خونه‌ی باباش!؟ والا نفهمیدم اشکال از
باباهاست؟ یا دخترا؟ فکر کنم کار دشمنه! مرگ بر آمریکا!؟
* - از شیطان پرسیدند: چرا از ایران فرار کردی؟
در پاسخ گفت: مهارتهای دزدی، ریا، کلاهبرداری، حيله‌گری،
دروغ و رشوه‌خواری را به آخوندها و مردم آموختم و آنها با
شگردهای من کاخ، مزرعه و ویلا خریدند و بر روی آنها
نوشتند: «هذا من فضل ربی»! نمک نشناسها منکر من شدند!
* - یه رفیق دارم ماه محرم که میشه، شروع میکنه به‌عرق
خوردن و سیگار کشیدن...!
بهش میگم چرا اینکارو میکنی؟ میگه اعصابم از دست کارای
شمر و یزید خرده!
* - یارو خرس می‌میره؛ دوستاش برای اینکه مسخره‌اش کنن
میرن خونسش بهش تسلیت میگن!
یارو میگه من خبر نداشتم خرم این همه فامیل داره، وگرنه براش
تالار می‌گرفتم!
* - سر سفره شام بودیم، جاتون خالی قرمه سبزی داشتیم. وسط
غذا خوردن یهویی بابام بلند شد یه دور باباکرم رفت؛ داداش
کوچیک بلند شد هی می‌گفت این خانم عشق منه و می‌رقصید، منم
یه‌دفعه بلند شدم شروع کردم به‌بندری رقصیدن!؟ اصلاً یه
وضعی که ببین!
بعد یه ساعت به مامانم گفتم جریان چیه؟
مامانم گفت می‌خواستم غذا را ضد عفونی کنم، یک کم الکل
ریختم داخلش، خدا لعنت کنه این کرونا رو!

گفته‌های پرنغز

* - سنگین‌ترین باری که ما حمل می‌کنیم، افکار ماست!
* - اگر پول نداشته باشی، دوست داشتنی نیستی؛ حتی اگر با زبان فرشته‌گان با مردم حرف بزنی. «جرج اورول»
* - بعضی وقت‌ها مردم نمی‌خواهند حقایق را به‌شوند، چون نمی‌خواهند توهم‌هایشان خراب به‌شود! «نیچه»
* - آدمهایی که هیچ‌وقت حوصله ندارند، بیشتر از همه انتظار کشیده‌اند! «داستایوسکی»
* - گرگ‌ها را دوست دارم، چون مرگ را قبول می‌کنند، ولی هیچ‌وقت تن به قلاده نمی‌دهند!
* - هیچ‌وقت فراموش نکن کی بودی، وقتی کس دیگری نبود!
* - بالا رفتن خیلی سخت است، ولی منظره‌ی آن بالا ارزش تحمل سختی‌ها را دارد!
* - روزگار غریبی است، عقاب در اوج سکوت می‌کند و طوطی در قفس حرف می‌زند!
* - زندگی پیدا کردن خودت نیست، بلکه ساختن خودت می‌باشد!
* - گرگ گریه می‌کرد، وقتی می‌دید سگ برای تکه‌ای نان، کتک‌های چوپان را تحمل می‌کند! «چگوارا»
* - ریشه که داشته باشی، در هر شرایطی رشد می‌کنی و میوه می‌دهی!
ساعت زندگی‌ات را به‌افق آدم‌های ارزان قیمت تنظیم نکن، اگر چنین کنی، یا عقب می‌مانی یا خواب!
* - بعضی‌ها را نمی‌توان قانع کرد؛ بایستی به‌فهمی‌اشان احترام گذاشت!
* - اعماد کن، اما گول هرگز نه‌خور!
* افراد موجود در کنار شما، بایستی به‌شما ایده‌های سازنده و آرامش بدهند، نه استرس و سردرد!
کلید قلب‌ات به‌دست مغزت باشد، بهتر از آن است که کلید مغزت در دست قلب‌ات!
* وقتی که خواب‌ات نمی‌پرد، بجای شمردن گوسفندان، داشته‌ها و نعمت‌های زندگی‌ات را به‌شمار!
* - سخت است فهماندن نکته‌ای به‌کسی که منافع‌اش در نفهمیدن است!
* - بجای پنجره‌ی ترس، پنجره‌ی امید را انتخاب کن!
* - با ذهن و افکار مثل شکم‌ات رفتار کن، هیچ‌وقت آشغال درون‌اش نریز!
* - شیر هم که باشی، گاهی بایستی از گزند گاو‌ها فرار کنی!
* - همیشه به‌خاطر داشته باش، طمع چشمان را کور می‌کند!
* - مغز تنها چیزی است که پس از شنستشو، کثیف می‌شود!
* - صداقت بسیار گران است، فقط از افراد با ارزش توقع آنرا داشته باش!
* - بعضی وقت‌ها بایستی از زندگی بیرون بیایی و کمی استراحت کنی!
* - صداقت ممکن است دوستان زیادی به تو ندهد، اما همیشه بهترین‌ها را به تو تقدیم می‌کند!
تنها کسی که می‌توانی به او اطمینان کنی، خودت هستی!

داستان پیاز فروش

پیاز فروش هی میزنه پشت دستش و میگفت: «حالا چه خاکی تو سرم کنم، بدبخت شدم رفت؟!»
گفتم: «چی شده داداش من؟!»
سرش رو بلند کرد گفت:
«پیازام داره خراب میشه! کلی شتر بار زدم، از کربلا پیاز آوردم مشهد، اما دریغ از يك خریدار!»
هنوز حرفش تموم نشده بود که دیدم پیش نماز مسجد داره میره برای نماز؛ صداش کردم گفتم:
«ای شیخ دست این پیاز فروش به دامن عبات! پیازاش داره خراب میشه! کلی پیاز از کربلا آورده به امید استفاده، ولی اهالی مشهد اصلاً پیاز نمی‌خورن!»
شیخ یه نگاهی به پیاز فروش کرد و گفت:
«کیلو چنده اینا»؟
پیاز فروش گفت: هر کیلو نیم سکه.
شیخ گفت:
«اگه میخوای پیازات فروش بره، ۵۰ سکه بریز توی جیب این عبا!»
پیاز فروش یه نگاهی به‌من کرد که یعنی چیکار کنم؟
گفتم: بریز و پیاز فروش ۵۰ سکه ریخت توی جیب شیخ.
شیخ گفت: همین الان يك کیسه پیاز هم می‌فرستی در منزل!
پیاز فروش گفت: «چشم!»
شیخ ادامه داد: «روی یه کاغذ می‌نویسی: پیاز کربلا هر کیلو ۳ سکه و به هر نفر هم يك کیلو بیشتر داده نمی‌شود.»
مرد پیاز فروش گفت:
«ای شیخ دیوانه شدی؟ مردم نیم سکه هم نمی‌خرند، اونوقت تو میگی ۳ سکه؟ تازه من از خدا می‌خوام به‌هر کس يك کیسه پیاز به‌فروشم...! تو میگی يك کیلو بیشتر ندم...؟»
شیخ يك نگاه عاقل اندر سفیهی به‌پیاز فروش انداخت و گفت:
ای ملعون... اگه چیزیایی که گفتم گوش نه‌کنی، پیازات به‌فروش نه‌میره... تو فقط همین کاری رو که گفتم، میکنی و روانه مسجد شد. منم به دنبالش!...
نماز که تموم شد شیخ رفت بالای منبر و گفت:
نقل است از امام محمد باقر که روزی مردی به‌خدمت ایشان رسید و گفت یا ابالحسن بنده يك غلطی کردم سه تا زن گرفتم اما دیگه کشش ندارم! چه خاکی به‌سرم بکنم؟!
ابالحسن گفت: پیاز کربلا به‌خور، اون وقت حسابی میکشه...!
از رسول خدا شنیدم که هر کس پیاز کربلا را در مشهد بخورد قدرتش ده برابر می‌شود؟!
خلاصه شیخ با صدای بلند فریاد کشید؛ ای کسانی که..... پیاز کربلا بخورین که معجزه میکنه؟!
هنوز حرف شیخ تموم نشده بود که دیدم کسی پای منبر نیست!
از مسجد که اومدم بیرون دیدم جلوی پیاز فروشی يك صفی طویل از مرد و زن کشیدن که اون سرش ناپیدا و دارن پیاز می‌خرن، کیلویی سه سکه و تازه التماس میکنن که بیشتر از يك کیلو بده...
رفتم جلو و به پیاز فروش که سر از پا نمی‌شناخت کمک کردم!؟

حکایت عشق آقایون:

اگه می‌خوای بیای تو زندگیم در بازه،

اگه می‌خوای بری هم در بازه،

فقط جلوی در و اینسا، جلورفت و آمد و می‌گیری؟!

چقدر منطقی و با وفا هستن این آقایون!

شب‌نشینی در جهنم

دو نفر رو می‌برن جهنم؛ وسط راه بهشون میگن بهتون یه آوانس میدیم....

میگن: چه آوانسی؟

میگن اینجا ۲ نوع جهنم داریم، یکی جهنم ایرانی‌ها و دیگری جهنم خارجی‌ها!

جهنمی‌ها می‌پرسن فرقتش چیه؟

میگن تو جهنم خارجی‌ها هفته‌ای یک بار قبر داغ میریزن تو دهننون، اما تو جهنم ایرانی‌ها هر روز اینکار رو می‌کنند!

خلاصه یکیشون میگه: من میرم تو جهنم خارجیا و اون یکی هم میره تو جهنم ایرانیا...

یه چند ماهه بعد اون‌ی که رفته بود تو جهنم خارجی‌ها میگه برم به‌بینم دوست بیچاره‌ام تو جهنم ایرانی‌ها که هر روز قبر داغ می‌خوره در چه حالیه...

وقتی میره، می‌بینه دوست‌اش با رفیقاش نشستن دارن حال می‌کنن و خبری هم از قبر داغ نیست.

می‌پرسه جریان چیه؟

پاسخ میدن: جریان چیه داداش؟ بابا اینجا ایرانه...

یه روز قبر نیست، یه روز قبر هست،

یه روز قیف نیست، یک روز هست،

یه روز دو تاش نیست، یه روز مأموره نه‌میاد سر کار، یه

روز هم که همه‌چیز جوړه، بخشنامه میاد که نریزین!؟

به شما چه؟!

ای مدعیان، روز قیامت به‌شما چه!

میزان و ترازوی عدالت، به‌شما چه!

فرمان خدا را که به‌مردم برسانید،

نشنیدن فرمان و اطاعت، به‌شما چه!

ما را طلب منفعت و سود شما نیست،

بر ما برسد سود و خسارت، به‌شما چه!

از آن شما، عیش و هم آغوشی حوری،

گرمای جهنم و حرارت، به‌شما چه!

جز گفتن و ابلاغ سخن، کار نبی نیست،

دل‌وایسی بعد رسالت، به‌شما چه!

وقتی که خدا قادر مطلق، به‌جهانست

بر دین خدا، حفظ و حمایت، به‌شما چه!

زاهد برود مسجد و در می‌کده، عاصی

تنبیه می و مزد عبادت، به‌شما چه!

یک‌سر از کوی خرابات بر نددت به بهشت

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

من اگر نیکم و گر بد، تو برو خود را باش

هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست

همه جا خانه عشق است، چه مسجد چه کِشت

سر تسلیم من و خشت در می‌کده‌ها

مدعی گر نکند فهم سخن گو سر و خشت

نامیدم مکن از سابقه لطف ازل

تو پس پرده چه دانی که خوب است و که زشت

نه من از پرده تقوا به در افتادم و بس

پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

حافظا روز اجل گر به‌کف آری جامی

یک سر از کوی خرابات بر نددت به بهشت

دروغی به نام «تمدن اسلامی»

اسلام نه هنر داشت نه معماری، نه تمدن و نه هیچ چیز دیگر؛ همه را از ایران باستان دزدید و به‌دنباله نام آن واژه «اسلامی» را افزود و به‌نام خود جعل کرد.

اسلام از روز نخست کارش کشتار، غارت و دزدی بوده و هست. اسلام در سرزمینی سر برآورد که بویی از تمدن نعبوده بود، لذا تمدن در سرزمینی که زندگی بدوی و چادرنشینی داشت نمی‌توانست پدید بیاید.

تمدن در شهرها زاده می‌شود و در میان مردمانی که کنار هم زندگی می‌کنند، به‌وجود می‌آید.

شما در سراسر سرزمین حجاز هرگز یک بنای تاریخی، یک شهر باستانی با سازه‌های تاریخی نمی‌یابید.

معماری اسلامی، تمدن اسلامی، فرهنگ اسلامی ووو..... همه از سرزمین ایران برخاسته بود و پس از به‌یغما بردن دارایی‌های فیزیکی آن، دست به‌غارت دارایی‌های معنوی آن بردند و با افزودن واژه‌ی تازی «اسلامی» به‌دنبال هر یک، آنها را به‌نام اسلام جعل کردند!؟



**حاکم از دیوانه پرسید: مجازات دزدی چیست؟
دیوانه گفت: اگر دزد سرقت را شغل خود کرده
باشد دست او قطع میشود، اما اگر بخاطر
گر سنگی باشد باید دست حاکم قطع گردد.**

دیشب خواستم مثل امام علی ساده زندگی کنم، یه شیر و خرما خریدم شد 75 هزارتومن



خلبان و مسافران

خلبان توسط میکروفن به مسافری خوشامد میگفت؛ ناگهان فریاد زد: یا ابالفضل! سکوت مرگباری هواپیما را فراگرفت. بعد از چند لحظه، خلبان گفت: مسافری عزیز پوزش می‌طلبم مهماندار قهوه داغ را روی شلوarm ریخت شلوarm کثیف شد! یارو از ته هواپیما فریاد زد: قبر پدرت! بیا ببین چه بلایی سر شلوarm های ما اومد!

حرف حساب!؟

دختری ۴ ساله تو تاکسی بغل دستم نشسته بود و آلوچه می‌خورد. گفتم: «مگه نمیدونی آلوچه برای دندونهای بده، چرا می‌خوری؟» دختره گفت: «پدربزرگم ۱۵ سال عمر کرد!» باتعجب پرسیدم: «چون آلوچه می‌خورد؟» همانطور که آلوچه می‌خورد گفت: «نه، چون سرش تو کار خودش بود و فضولی نمی‌کرد!» چنان قانع شدم که الان سه روزه با کسی حرف نمی‌زنم!

دو کلمه حرف حسابی

اگر ادعای ایرانی بودن و میهن‌دوستی می‌کنی و از طرفی می‌گویی مسلمانی معتقد هستی، باور داشته باش نه ایرانی وطن‌پرستی هستی و نه مسلمان متعهد و واقعی!؟



اگر هر کشوری بوی این قبر رهبر
مستضعفان جهان با ۲ میلیارد دلار هزینه ساخت
و سالی ۶۰ میلیارد تومن بودجه، ازت تست
الکل میگیرن

معلم امریکایی و قصه اسکناس ۱۰۰ دلاری

یک روز معلم دبیرستانی یک اسکناس ۱۰۰ دلاری را به‌کلاس آورد، آن را شاگردانش نشان داد و پرسید این چقدر ارزش دارد؟ همه شاگردان با هم گفتند ۱۰۰ دلار.

معلم اسکناس را در دستش مچاله کرد و دوباره پرسید حالا این اسکناس چقدر می‌ارزد؟ همه دوباره گفتند ۱۰۰ دلار.

معلم پول را به زمین انداخت و باز پرسید الان چقدر می‌ارزد؟ محصلین دوباره شانه‌ها را بالا انداختند و گفتند: اسکناس همان اسکناس است.

معلم با خشونت تمام به‌سمت اسکناس ۱۰۰ دلاری رفت و آن را لگدمال کرد؛ یکبار دیگر پرسید قیمت این اسکناس الان چند است؟ دانش آموزان که بی‌طاقت شده بودند، غرولندکنان یادآوری کردند که همچنان یک اسکناس ۱۰۰ دلاری است.

معلم صورت‌اش پر از لیخند شد و گفت این درس برای همیشه یادتان به‌ماند که نه‌تنها بر سر این پول، بلکه در زندگی شخصی‌تان، هر بلایی سرتان به‌یاورند تغییری در ارزش شما ایجاد نشده و قدر و منزلت شما همیشه یک اندازه خواهد بود.

افت‌وخیز زندگی بارها تکتک ما را وادار می‌سازد به‌توانایی و ارزش‌های خودمان تردید کنیم. مثل اسکناس ۱۰۰ دلاری چروک می‌شویم، گوشه‌هایمان برای همیشه کج می‌شود، تازگی و زیبایی‌مان کمرنگ، ولی ارزش‌مان تغییر نخواهد کرد.

شرایط همه ما ممکن است تغییر کند، ولی قرار نیست هویت و ارزش ما تغییر یابد. اگر از این زاویه به‌خودمان بنگریم، همیشه به‌خودمان احترام خواهیم گذاشت، چون ارزش واقعی ما همیشه ثابت خواهد بود.

چگونه‌گی دنیای

دنیا نه‌خوشبخت است نه بدبخت، نه زیبا و نه زشت است!

دنیا بینش ما است؛ هر کسی آفریننده دنیای خویش است.

اگر هر لحظه از زندگی‌ات حسی از رنج و بدبختی در وجودت می‌ریزد، اشکال جایی در بینش تو است.

اگر در اطرافات چیزی جز ظلمت نه‌می‌بینی، بی‌تردید چشمانی را که روشنایی را می‌بینند بسته‌ای! از زاویه‌ای نو به‌خودت بنگر.

اگر سرزنش‌ات را متوجه دیگران کنی، از دیدن اشتباهات خودت غافل می‌شوی.

شرایط هر چه هستند باشند، به‌کشف علت‌ها در خودت اقدام کن. علت‌ها همیشه درون خود انسان‌ها هستند، اما همواره چنین به‌منظر می‌آید که در دیگران‌اند.

دیگران فقط آینه‌اند. تصویری که در آینه می‌بینی، تصویر خود تو است.

زندگی می‌تواند ضیافتی باشد، اما ابتدا لازم است که انسان خود را از نو بیافریند.

اگر در بی‌عدالتی‌ها بی‌طرف و ساکت هستی،

به آن معناست که طرف ستمگر را گرفته‌ای!؟

سؤال و جواب شازده کوچولو و روباه

- *- شازده کوچولو پرسید: غم‌انگیزتر از اینکه بیای و کسی خوشحال نشه چیه؟
روباه گفت: بری و کسی متوجه نشه!
*- شازده کوچولو گفت:
چطوری حماقتم رو نشون بدم؟
روباه گفت: برای هر چیزی اظهار نظر کن!
*- روباه گفت: عاشق هیچ گل عجیبی نشو بذار تنها بمونه!
شازده کوچولو پرسید: چرا؟
روباه گفت: خسته میشی میری اونوقت اون تنهاتر میشه
*- شازده کوچولو: حرف همو نمی فهمیم!
روباه: فقط دو تا دشمن میتونن خوب حرف همو بفهمن، وگرنه دوستی‌ها پر از سوءتفاهمه!
*- شازده کوچولو پرسید: گول خوردن یعنی چی؟
روباه گفت: همون که اگر نخوری «تنها» میمونی
*- شازده کوچولو پرسید: کی اوضاع بهتر میشه؟
روباه گفت: از وقتی که بفهمی همه چیز به‌خودت بستگی داره!
*- شازده کوچولو از گل پرسید: آدمها کجايند؟
گل گفت: باد به اینور و انورشان میبرد، این بی‌ریشگی حسابی اسباب دردسرشان شده!
*- شازده کوچولو پرسید: تو سواد داری؟
روباه گفت: سواد مال آدماست، من شعور دارم!



با سلام خدمت ایرانی‌ها در هر کجای دنیا،
لطفا این عکس را برای همه ایران دوست‌ها
ارسال کنید اگر یک میلیون ارسال انجام شود
ثبت خواهد شد و سندی قابل استناد برای
حقوقدانهای وطن پرستی است که در حال
تنظیم لایحه شکایت از اردوغان در دیوان
لااه هستند. با احترام ماریا

09:32

**یک ملت کم‌حافظه و فراموشکار،
بدون شک، ملتی بدون آینده است!**



پارسی، بومی‌ترین زبان سرزمین ما

پارسی در زمره چهار زبان کلاسیک و کهن جهان قرار دارد که در سرزمین تاریخی ما محور فرهنگ، تمدن، دین، همبستگی، رابطه بین جوامع و اقوام گوناگون، پژوهش، داد و ستد، ادبیات، شعر، دیوان و دفتر در جهان و پاره‌ای از آن بوده است.

زبان پارسی به‌عنوان پر ارج‌ترین داشته فرهنگی، معنوی و تمدنی از دوران دور تاریخ تا به‌حال هم از همین اهمیت برخوردار است.

با دریغ، این زبان بومی نیاکان سرنوشت دردناکی را نه تنها در تراز منطقه و سرزمین‌های دور و نزدیک، بلکه در زادگاه‌اش پشت سر گذاشته و با سرکوب‌های گوناگون مواجه بوده و هنوز هم مواجه است.

زبان فارسی با همه ناملایماتی که با آن مواجه بوده، زبان بیان دردها، قصه‌گوی سرکوب‌ها، ویران کردن‌های هست و بود ما، راز و نیاز در شب‌های تاریک ما و مونس روزگار سخت ما پارسی زبان‌ها و در مجموع خراسانیان و ایرانیان بوده است. در طول زمان و در مواقع نامردی‌ها و نا مرادی‌ها، با همین زبان از رنج‌ها و دردهای بیکران سخن گفته و رنج‌امان را فریاد کرده‌ایم.

زبان فارسی با سخت‌جانی از میان آوار سرکوب‌ها و حذف کردن‌ها، هنوز چون الماسی در فضای تمدنی، فرهنگی، هنر و ادبیات ما می‌درخشد؛

زبان می‌تواند گسست‌ها را پیوند بزند و محراق وصل جوامع و اقوامی شود که زخم ناسور تنش‌های اجتماعی، زبانی و تباری آنها را از هم جدا کرده است.

برخلاف نظر بدخواهان، کج اندیشان و جعل‌کاران که این زبان را زبان غیرملی می‌خوانند و آنرا به‌دوره اسلامی پیوند می‌زنند، زبان فارسی در نوع کهن، میانه و جدید آن هزاران سال در این سرزمین وجود داشته است و زبان گفتگو و وسیله میانجی، میان همه بوده است.



مرد متولد مرداد ماه

یک شیر ژیان و سر کش، یک عاشق پاکباز، یک دوست واقعی و یک پدیر نمونه، بی عشق نمی تواند زندگی کند. دل او از آئینه پاکتر و روشن تر است، اما خشم او هم توفانی هم سهمگین خواهد بود. اغلب آدمهای کارآمدی هستند بنحویکه اغلب کارهای منزل را شخصا و با مهارت تمام انجام می دهند. متولدین این ماه عموماً دارای طبعی گرم و خشک بوده و خوشرو و مهربان هستند. گاه زود خشمگین می شوند، ولی زود آرام می گیرند.

اینان افرادی خوشگذران که گاه مورد تهمت قرار می گیرند، اما چون با گذشت هستند، از آن می گذرند. اینان معمولاً در زندگی راه راست در پیش می گیرند و کمتر به انحراف کشیده می شوند. اغلب افرادی با عزت و دارای طبعی بلند هستند. بعضاً به مقامات بالا می رسند. اغلب والدینشان را زود از دست می دهند. در زندگی زناشویی اغلب در اختلاف هستند، اما از فرزند خیر و نفع می بینند.

عموماً در سن هفت و نوزده سالگی با خطر مرگ مواجه می شوند و اگر از این سالها بگذرند، بیش از هفتاد سال عمر خواهند کرد.

شراکت برای آنان سازگار نیست؛ با هر کس شراکت کنند، زیان خواهند دید. روزهای یکشنبه، روز خوبی برای آنان است؛ در ضمن انگشتر عمیق با آنها سازگار است.

زن متولد مرداد ماه

باهوش، گرم و جذاب، شیک پوش، با شخصیت، خواهان تجمل، ریاست طلب، دوستدار تعریف و تمجید و کدبانو.

در دوستان تاثیر بسیار مطلوب برجای می گذارد. مادری مهربان و صمیمی که می کوشد فرزندان خود را مستقل و دارای اعتماد به نفس بار بیاورد.

متولدین زن این ماه طالع بلندی دارند. اینان ذاتاً خوش بیان، خوش طبع، بلند بالا و اغلب لاغر می باشند.

اینان در اوایل زندگی با مشکلات و رنج مواجه می گردند، اما هر چه جلوتر می روند به آرامش و آسایش دست می یابند؛ به خصوص پس از ازدواج، اغلب زندگی خوبی خواهند داشت و همواره در رفاه و آرامش بسر خواهند برد.

این زنان اگر چه فرزندان کمتری نسبت به زنان متولد ماههای دیگر خواهند داشت، اما لازم است آنان را از قسم دروغ برحذر دارند و همچنین از بدست آوردن مال حرام.

عیب این زنان این است که اغلب زود به جوش می آیند و خویشتن داری خود را از دست می دهند.

در ضمن یک خطر بزرگ اغلب این زنان را تهدید می کند که بادرایت و بردباری، برطرف خواهد شد.

لباسهای سفید رنگ و سبز رنگ و همچنین انگشتر فیروزه با آنان سازگار است.

متولدین امرداد ماه

متولد: جوان طبیعت

سمبل: شیر

شعار: من اراده میکنم

ستاره حاکم: خورشید

عنصر وجود: آتش

شخصیت: ثابت

فلز وجود: طلا

سنگ خوش یمن: یاقوت زرد

رنگ محبوب: رنگهای غروب خورشید

عدد خوش یمن: ۱

گل محبوب: آفتابگردان

روز مبارک: یکشنبه

مشخصات کلی متولدین مرداد ماه:

پر محبت، متفکر از دروغ، واقعاً قدرتمند، ثابت قدم، عاشق شهرت، بسیار مغرور، سر حال و بشاش، خودخواه و جاه طلب، بد پیله، خود بزرگبین، مقتدر، مؤدب، فعال و کوشا، با ثبات و پایدار، قوی و با اراده، اهل معنویات، خودنما، عاشق تعریف و تمجید، با جرأت و شهامت، رهبر و فرمانروا، زود گول می خورد، پر انرژی، بلند نظر، صدیق و مهربان، سخاوتمند، وفادار، شجاع، علاقه مند به زندگی تجملی، لجوج، حساس، پر توقع، پرتحمل، دوست واقعی، یک پدیر نمونه، بی ریا، رام شونده، دارای خشمی توفانی، مدافع و پشتیبان اطرافیان، علاقه مند به موسیقی، باید مورد ستایش قرار گیرد، کمی حسود، کار آمد، دست و دلباز و تا حدودی ولخرج، با گذشت ولی خودخواه، بدون کینه، فاقد بدذاتی، خون گرم، ظریفکار، سریع الانتقال، خوش سیما و شکیل، همیشه تمیز، یک دفعه و ناگهانی عصبانی می شود، بسیار مؤدب و مورد احترام مردم.

از جلوه‌های این ماه، طبیعت سبز، بی‌مرگی طبیعت، وفور نعمت، وفور میوه، فراوانی آب رودها، آبشارها و رودخانه‌ها، گل‌های بسیار زیبا با رنگهای شاد و فرحبخش و آسمانی صاف پر از ستاره می‌باشد.

این جشن متعلق به «امشاسپند» امرداد که مظهر جاودانگی و تندرستی و دیر زیستن است، می‌باشد و فرشته «امشاسپندان»، نماینده آبادی زمین و پاکی و نظافت است. ایرانیان این روز را جشن می‌گرفتند و خود را برای پیروی از فرشته مذکور آماده می‌ساختند.

مراسم جشن باستانی امردادگان

در این روز، ایرانیان به‌کنار چشمه و باغ و مزارع می‌رفتند و پس از شادی و جشن، به‌پرستش و نیایش خداوند می‌پرداختند. درباره چگونگی اجرای مراسم اطلاعات چندانی در دست نیست، اما ایرانیان امروزه با سرود و نیایش و سخنرانی درباره شناخت و نزدیک شدن به خداوند، جشن را برگزار می‌کنند. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه در باره نگهبانی امشاسپند امرداد از گیاهان می‌گوید:

«مرداد ماه که روز هفتم آن مرداد روز است و آن روز را به‌انگیزه‌ی پیش‌آمدن دو نام با هم جشن می‌گرفتند. معنای مرداد آن است که مرگ و نیستی نداشته باشد و مرداد فرشته‌ای است که به حفظ گیتی و اقامه‌ی غذاها و دوابی که اصل آن نبات است و مزید جوع و ضرر و امراض هستند، موکل است.»
خیام در نوز نامه می‌نویسد:

«مرداد ماه یعنی خاک، داد خویش بداد از برها و میوه‌های پخته که در وی به‌کمال رسد و نیز هوا در وی مانند غبار خاک باشد و این ماه میانه تابستان بود و قسمت او از آفتاب، مر برج اسد را باشد.» در این باره در زرتشت‌نامه چنین سروده شده:

چو گفتار خردادش آمد به سر

همان گاه امرداد شد پیش‌تر

سخن گفت درباره رستنی

که زرتشت گوید ابا هر تنی

نباید به بیداد کردن تباہ

به بیهوده بر کندن از جایگاه

کز و راحت مردم و چارپاست

تبه کردن او، نه راه خداست



تاریخچه و مراسم جشن باستانی امردادگان

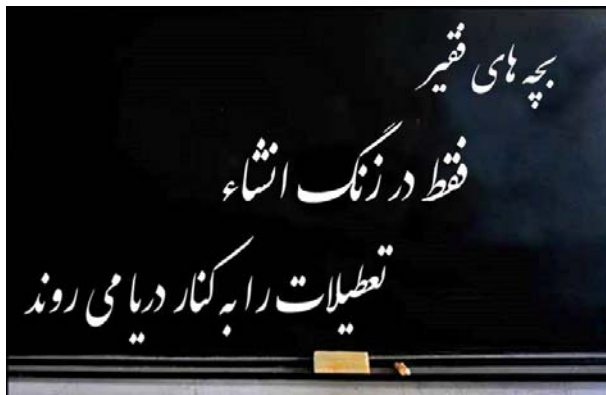
روز هفتم امرداد در گاهشماری ایران باستان و سوم مرداد در تقویم ایران کنونی، روز جشن امردادگان است.

دلیل این اختلاف زمان برگزاری دیروز با امروز، تغییر سال‌شمار نیاکانمان در امروز است. زیرا در دوره باستان سال به‌دوازده ماه و هر ماه به‌سی روز تقسیم می‌شد. اما امروز شش ماه اول سال به‌سی و یک روز و پنج ماه بعدی به سی روز و ماه آخر سال به‌بیست و نه روز و اگر سال کبیسه باشد به سی روز تقسیم می‌گردد. به‌همین دلیل جشن امردادگان، نسبت به‌سال‌شمار کهن، چهار روز جلوتر، یعنی سوم امرداد ماه برگزار می‌شود که این روز منطبق با روز هفتم امرداد ماه، در دوران نیاکانمان است.

امرداد در فارسی، در اوستا، آمره تات و در پهلوی آمدات، به‌معنای جاودانگی و بی‌مرگی است.

امرداد در باورهای ایرانی، نگهبان و سرپرست گیاهان و رستنی‌ها در جهان خاکی بشمار می‌رود. این نام در اوستا به‌ویژه در گات‌ها، صفتی است که برای زوال ناپذیری و پابندگی خداوند بکار می‌رود.

این جشن سزاوار شادمانی و نشاط و بی‌مرگی، امروز به‌غلط تحت نام مردادگان، در بین مردم رایج است. زیرا مرداد به‌معنی نیستی و مرگ است، اما وقتی حرف «الف» در اول آن قرار می‌گیرد، آنرا نفی می‌کند و به‌بی‌مرگی و جاودانگی، تغییر معنی می‌دهد.



مقام معلم

زمانیکه کشور هند می‌خواست سفیر جدید خود را معرفی کند، سلطان قابوس پادشاه فقید عمان دستور محرمانه‌ای داد که وقتی سفیر به عمان رسید اجازه ندهند از هواپیما پیاده شود و باید از او استقبال شاهانه انجام و خودش هم به‌فرونگاه خواهد آمد! درحالیکه رسم سلطان عمان این نبود که به‌استقبال کسی برود و هیچکس دلیل این دستور را نمیدانست!

زمانی که هواپیما فرود آمد و فرش قرمز پهن کردند، سلطان از پلکان هواپیما بالا رفت و سفیر هند را در آغوش کشید و دست او را گرفته از هواپیما پیاده شدند.

دلیل اینکار فقط این بود زمانیکه سلطان جوان جهت تحصیل در هند زندگی میکرد، سفیر جدید هند معلم و استاد سلطان قابوس بوده و سلطان با این عمل خود درس بزرگی به همه جهانیان داد که مقام معلم از پادشاه هم بالاتر است.

شاهت شاه قاجار و رهبران جمهوری ایران ستیز اسلامی

توهین‌های محمدعلی شاه قاجار و نظرش درباره ملت ایران

محمدعلیشاه قاجار در سال ۱۲۸۷ در پاسخ به‌معتزضان گفت: «رعیت را چه به‌آزادی؟! به‌جهنم که نان ندارید، آب ندارید، کار ندارید، سرپناه ندارید...! به‌جهنم که جوانان درگیر افیونند! به‌جهنم که زنان تن‌فروشی می‌کنند! همین که سایه‌ی ما بر سر شما رعیت است کافی است!»

رعیت گوسفند هستند و ما شبانیم! آخرالزمان است؛ شاه شاهان را محکوم می‌کنند به دروغ‌گویی! محکوم می‌کنند به‌خرافه‌پرستی، محکوم می‌کنند به‌دست‌اندازی به‌بیت‌المال، محکوم می‌کنند به‌دیکتاتوری، محکوم می‌کنند به زد و بند، محکوم می‌کنند به‌چپاول، محکوم می‌کنند به‌عیاشی... رعیت غلط می‌کند ما را که زینت کشوریم محکوم کند! ما رعیت سر به‌زیر می‌خواهیم، ما رعیت بله قربان‌گو می‌خواهیم، ما ملتی کر و کور می‌خواهیم....»

آری، این‌ها سخنان شاه قاجار است که خود و اجدادش، به مثابه ملایان، نابودی ایران و ایرانیان را می‌خواستند!

هنوز مشخص نشده که

سوختن ستمگر در دوزخ آن

دنیا، چه فایده‌ای برای مردم

ستم دیده‌ی این دنیا دارد؟!!

فردیش نیچه



کشکول، کشکول، کشکول

جهل یک ملت

حبیب یغمایی شاعر و نویسنده ایران زمین و سراینده شعر «روباه و زاغ» خدمات ارزنده‌ای به‌مردم «خور» کرد، اما روحانی آن زمان «خور» به او بی‌احترامی کرد و فتوا داد تا جسد او را پیش از مرگ در قبرستان مسلمانان دفن نکنند! و این روحانی مرتجع ایران‌ستیز به این بزرگوار و خانواده‌اش بسیار جفا کرد!

حبیب یغمایی در خاطرات‌اش گفته:

در دوران رضاشاه بزرگ که عزاداری، سینه زنی و قمه‌زنی ممنوع شده بود، یک روز ملک‌الشعراى بهار به‌شوکت‌الملک گفته بود:

سپاس خدای را که در این دیار هم برق دارید، هم آب، هم مدرسه، هم سالن نمایش، همه چیز دارید؛ اینکه بعضی‌ها شکایت می‌کنند، دیگر چه می‌خواهید؟ شوکت‌الملک پاسخ داده بود:

«اینها برق نمی‌خواهند، اینها «محرم» می‌خواهند! سینه‌زنی، زنجیر زنی و جهل و خرافات می‌خواهند!»

در زبان پارسی جدایی جنسی وجود ندارد

برخلاف زبانهای لاتین و عربی، در زبان فارسی «او» شامل زن و مرد می‌شود و اولویت با زنها است.

ما می‌گوییم زن و شوهر، بجای: *husband and wife*
ما می‌گوییم خواهر و برادر، بجای: *brother and sister*
ما می‌گوییم زنها و مردها، بجای: *men and women*
حتی ما می‌گوییم: زن و شوهر، یعنی مرد در ارتباط با همسر، هویت (شوهر) پیدا می‌کند، ولی هویت (زن) تغییر نمی‌کند.

ما هرگز در تاریخ و ادبیات‌امان به جنسیت اهمیت نداده‌ایم و اگر جایی لازم شده، زنان را در اولویت قرار داده‌ایم.

حتی در زبان پارسی، «زن» یک واژه و مفهوم مستقل است، نه مثل wo/man، زنده‌ای کنار مرد.

چگونگی خودکشی «عفیر» خرمیامبر اسلام

علی ابن ابیطالب میگوید:

«اولین چهارپایی که خودکشی کرد عفیر الاغ پیامبر بود؛ لحظه‌ای که پیامبر از دنیا رفت، آن الاغ افسارش را پاره کرد و دوید تا به لب چاه «بنی خطمه» در منطقه «قبا» رسید و خودش را به درون چاه انداخت و چاه به قیرش تبدیل شد.

علی ابیطالب میگوید آن الاغ با پیامبر حرف میزد و میگفت: همراه با پدر و مادرم به فدایت گردم! (اینکه پیامبر گرمی به زبان عربی سخن می‌گفته معجزه‌ای نیست، چرا که زبان مادری وی عربی بوده است. این عفیره معجزه کرده که هم زبان عربی را می‌فهمیده و هم با آن سخن می‌گفته است!؟)

عفیر می‌گفت: پدرم از پدرش و او هم از پدر بزرگش و او هم از پدر خود برآیم نقل کرد که همراه نوح پیامبر در کشتی بوده و نوح برخاسته و دستش را بر پشت وی کشیده و فرمود: «از نسل این الاغ، الاغی به دنیا می‌آید که سرور و خاتم پیامبران بر وی سوار می‌شود!» عفیر نیز می‌گوید: «سپاس خدایی را که مرا چنین الاغی قرار داد!»

قبر و بارگاه مقدس آن خر بزرگوار که عمری افتخار سواری دادن و صحبت و مشورت دادن به حضرت پیامبر را داشته در عربستان میباشد. از مشتاقان زیارت آن خر مقدس و گرفتن حاجات معنوی و مادی بسیار بسیار زیاد است!؟

مرجع: "اصول کافی"

جلد ۱ صفحه ۱۸۴ کتاب الحجج

اکنون و با هزینه دولت جمهوری اسلامی، بارگاه آن خر مقدس در حال ساخت است تا مؤمنان بتوانند حاجتهای خود را از آن خر بزرگوار شفاعت نمایند!؟

نامگذاری کشور عزیزمان "ایران"

در سال ۱۳۱۴ شمسی طبق بخشنامه وزارت امور خارجه و تقاضای دولت وقت و تصویب مجلس شورای ملی، نام رسمی «ایران» (به جای پارس و پرشیا) برای کشور ما انتخاب شد. نامی که امروز ایران گفته می‌شود، بیش از ۶۰۰ سال پیش «اران» تلفظ می‌شد.

زنده یاد سعید نفیسی نویسنده و محقق نامی ایرانی در دی ماه ۱۳۱۳ نام «ایران» را به جای «پرشیا» پیشنهاد کرده بود.

واژه «ایران» بسیار کهن و پیش از آمدن آریایی‌ها به سرزمین امان اطلاق می‌شد و نامی تازه و ساخته و پرداخته‌ای شده‌ای نیست.

واژه «ایران» از دو بخش درست شده است:

بخش اول «ایر» به معنی اصیل، نجیب، آزاده و شریف است؛ بخش دوم به معنی سرزمین، جا و مکان است.

معنی کلی واژه ایران، «سرزمین آزادگان و نجیب زادگان» می‌باشد.

مرا شادی ز نام ایران بود

دلم پُر ز یاد نیاکان بود

ز ایران، جهان پیش من گلشن است

همیشه ز یادش دلم روشن است

پاینده ایران



کشور پهناور ایران، قسمت سبز رنگ

ننگ یک ملت

نگاهی به تاریخ پرفراز و نشیب ایران

و لطمه‌هایی که انگلیس بر کشور ما وارد کرده است

معاهده پاریس

معاهده پاریس در ۴ مارس ۱۸۵۷ میلادی پس از دومین نبرد انگلیس با ایران بر سر مسئله هرات جهت صلح بین دو کشور در پاریس منعقد گردید.

نماینده و شخص مذاکره کننده ایرانی «فرخ خان غفاری» بود و براساس این معاهده، ایرانیان موافقت کردند:

- ۱- سپاه خود را از هرات خارج کنند،
 - ۲- در هنگام بازگشت سفیر انگلیس به ایران از او عذرخواهی و یک قرارداد تجاری استعماری را نیز بپذیرند.
 - ۳- همچنین یک سری امتیازات سرزمینی به سلطان مسقط که در آن زمان از متحدان انگلیس بشمار می‌آم، بدهند.
- انگلستان نیز متعهد شد که دیگر مخالفان شاه را در سفارت خود پناه ندهد!؟

عکس بالا، کشور ایران را در سال ۱۸۰۸ میلادی براساس نقشه‌ی بریتانیا، پیش از شکست خوردن ایران از روسیه و از دست دادن سرزمین‌های شمالی کشور در سال ۱۸۱۳ میلادی (عهدنامه گلستان) و از دست دادن هرات توسط انگلستان (معاهده پاریس) در سال ۱۸۵۷ میلادی نشان می‌دهد.

انگلیس با تصرف بخش‌هایی از جنوب ایران (بنادر خرمشهر و بوشهر و جزایر جنوب در خلیج فارس) ناصرالدین شاه قاجار را مجبور به قبول قرارداد پاریس (۱۸۵۶) کرد.

بر طبق این پیمان، ایران از ادعای خود بر هرات چشم پوشی و هرات در ۱۸۶۳ به افغانستان ملحق شد و ایران موجودیت کشوری به نام افغانستان را به رسمیت شناخت.

همچنین ایران پذیرفت در صورت هرگونه مناقشه با افغانستان، فقط انگلستان را به عنوان میانجی بپذیرد و نخست‌وزیر وقت آن زمان ایران نیز باید عزل می‌شد.

در سال ۱۸۸۷ بلوچستان توسط انگلیس‌ها به هند (تحت حکومت بریتانیا) ملحق شد.

بیاد جانباختنی وطن،

قهرمان ملی ناشناخته، میرزا رضا کرمانی

در چنین روزی، ۱۲۴ سال پیش (۲۰ مرداد ۱۲۷۵ خورشیدی برابر با ۱۰ اوت ۱۸۹۶)، رژیم منفور و وطنفروش قاجاریه، جان میرزا رضا کرمانی، یکی از فرزندان آزاده و میهن پرست ایران را گرفت.

میرزا رضا کرمانی که از بی‌لباقتی و خیانت‌های رژیم قاجارها بستوه آمده بوده بود، در روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۲۷۵ به‌زندگی نحس و خیانت‌بار ناصرالدین قاجار، با شلیک یک گلوله پایان داد.

شوربخانه زندگی واقعی میرزا رضا میهم و ناروشن است، ولی آزادگی، میهن پرستی، شعور سیاسی و فرهنگی او در دو جمله آشکار می‌شود. نخست در زمان بازجویی گفته بوده است: «وقتی در کشورم این همه ظلم و جور و فساد می‌دیدم و حق‌خوری و حق‌کشی با تمام این حرف‌ها وقتی می‌دیدم قدرت اول مملکت شاه است پس با خودم گفتم اگر شاه خبر ندارد از وضعیت کشورش که او به حال مملکتی که شاه آن ایشان باشد و اگر شاه خبر داشت از وضعیت کشور پس حق او بود قتل و کشتن‌اش و من از این اقدام خرسند هستم.» و افزوده بود:

«... این تخم بیداری را من آبیاری کردم... همه در خواب بودند و بیدار شدند. یک درخت خشک و بی‌ثمر را که زیرش همه قسم حیوانات مودی درنده جمع شده بودند، از بیخ انداختم.» و نیز جمله دیگری که حاکی از شعور، انسانیت و آزادگی او بوده و حاضر نبوده است کار او خطری برای هم میهنان غیرمسلمانان ایجاد کند:

«... من قبلاً وسیله‌ی بهتری داشتم که ناصرالدین شاه را بکشم بدون آن‌که گرفتار شوم، بدین ترتیب که اطلاع یافتم که شاه به‌باغ یکی از اعیان برای گردش می‌رود پس خود را به‌باغ رسانده مخفی شدم؛ شاه آمد و کشتن او بسیار آسان و راه فرار برای من باز بود، اما او را نکشتم، زیرا عده‌ای یهودی در آن روز [یکی از اعیان کلیمیان] برای تفریح در آن باغ اقامت داشتند و اگر شاه کشته می‌شد و من فرار می‌کردم، خون را به‌گردن یهودیانی که در باغ حضور داشتند می‌انداختند، به این دلیل من از انجام آن امر منصرف شدم.»

میرزا رضا کرمانی



فیلم و سرود «سلام فرمانده»

کپی برداری از کلیپ «سلام فرمانده» آلمان نازی!؟

آلمان نازی یکسال قبل از سقوط در سال ۱۹۴۴ برای روحیه دادن به‌خود و باقیمانده طرفدارانش سرود «سلام فرمانده» را در میادین و اجتماعات بزرگ اجرا کرد و برای این‌کار به‌کودکان مدارس ابتدایی متوسل شد.

ترانه «سلام فرمانده» توسط «Bruno C. Schestak» ترانه‌سرای آلمانی در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۴ سروده و تقدیم به «آدولف هیتلر» شد.

متن ترانه «سلام فرمانده» برای هیتلر:

سلام فرمانده،

آلمان از رویای شما بیدار شد!

در امپراتوری خود به‌یهودیان خارجی فضا ندهید!

ما می‌خواهیم برای پیروزی شما به‌جنگیم!

تا خون آریایی در رگ ماست!

ما می‌خواهیم برای پیروزی شما به‌جنگیم!

تا خون آریایی در رگ ماست!

ما جوانان بسیجی هستیم!

آلمانی وفادار در قلب، در مبارزه و سخت!

(ما Swastika صلیب شکسته آلمان نازی) هستیم.

سلام فرمانده ما، سلام هیتلر! ما Swastika هستیم.

آلمان نازی در کمتر از یکسال بعد از این ترانه سقوط کرد.

مادر....

پسری مادرش را بعد از درگذشت پدرش، به‌خانه‌ی سالمندان برد و هر روز از او عیادت می‌کرد.

یکروز از خانه سالمندان تماس گرفتند که مادرش درحال جان دادن است و او بی‌درنگ به‌خانه‌ی سالمندان رفت.

پسر از مادرش پرسید: مادر چه می‌خواهی برایت انجام دهم؟ مادر گفت: از تو می‌خواهم برای خانه سالمندان پنکه بگذاری چون آنها پنکه ندارند و در یخچال خوراکی‌های خوب بگذاری، زیرا چه شب‌ها که بدون غذا و گرسنه خوابیدم.

فرزند با تعجب گفت: مادر جان داری جان می‌دهی و از من اینها را درخواست میکنی؟ چرا قبلاً به‌من گلابیه نه‌کردی؟

مادر پاسخ داد: من با این گرما و گرسنگی خو گرفتم و عادت کردم، ولی می‌ترسم وقتی فرزندانت ترا در پیری به‌اینجا می‌آورند، به‌گرما و گرسنگی عادت نه‌کنی!؟

«مراقب رفتارمان با پدران و مادران امان باشیم»

گر گدا گشتم، گدا رو کی شوم؟

ور لباسم کهنه گردد، من نوأم مثنوی مولانا

نداشتن مال و دارایی با «گدا رویی» متفاوت است. ممکن است کسی از ثروت چندان بر خوردار نباشد و در ظاهر او نشانه‌هایی از فقر دیده شود، اما سیرت و روحی بسیار دارا و غنی داشته باشد. به تعبیر حضرت مولانا، گدا بودن عار و ننگ نیست، اما «گدا صفت» بودن حقارت و پستی است.

کسی که شخصیت و ذات او گدا نیست، هر چند جامه‌اش کهنه باشد، همیشه نو و تازه است. آنچه مهم است و باید نو باشد درون آدمی است، نه نشانه‌های بیرونی که اعتباری ندارند. بسیاری کسانی که بیرونشان نشان از نوبی و تمول دارد، اما درونشان بسی کهنه و مملو از نقص است.

گاه مشکل بزرگ یک جامعه افراد نوکیسه می‌باشند؛ امروزه کشور ما گرفتار اینگونه افراد است، کسانی که در حلقه‌های قدرت قرار گرفته و بدون کمترین صلاحیت از طرق غیر اخلاقی و غیر قانونی صاحب مال و ثروت شده‌اند. و خطرناکترین‌ها هم همین‌ها می‌باشند، چون تغییر طبقه داده‌اند.

وقتی «نیل آرمسترانگ» گریه کرد!؟

«نخستین انسانی که قدم بر روی کره‌ی ماه گذارد و زمین را از فضا و

آن دوردست‌ها نظاره کرد»

من آدم حساسی نیستم؛ وقتی خانه‌ی والدینم را ترک کردم، گریه نکردم؛ وقتی گریه‌ام مُرد، گریه نکردم؛ وقتی در «ناسا» کار پیدا کردم، گریه نکردم و حتی وقتی روی ماه قدم گذاشتم گریه نکردم. اما وقتی از کره‌ی ماه به زمین نگاه کردم، بغضم گرفتم و با تردید با پرچمی که قرار بود روی ماه برافرازم، بازی می‌کردم.

از آن فاصله، رنگ و نژاد و ملیتی نبود. ما بودیم و یک گوی آبی بسیار کوچک که خانه‌ی همه‌ی ما است. با خودم گفتم انسان‌ها برای چه می‌جنگند؟

انگشت شستم را به سمت زمین گرفتم و کره‌ی زمین با آن بزرگی و عظمتش پشتش پنهان شد و این‌جا بود من با تمام وجود اشک ریختم.

«نیل آرمسترانگ»



میتوانید حدس بزنید مرد داخل تصویر چه کسی است؟

قطعاً باورش بر اتون سخته، اما ایشون «رحیم آقاخان» هستند؛ شهروند سوئیس و ساکن شهر ژنو. او بعد از پدر، پنج‌همین «امام شیعیان اسماعیلی» با ۱۵ میلیون نفر پیرو می‌باشد! همسر رحیم آقاخان «پرنسس سلوا» یک مدل آمریکایی است. ثروت رحیم آقاخان سه میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. بخش اعظم این ثروت از خمس، زکات و نذورات پیروانش جمع‌آوری شده است!؟

جمعیت پیروان آقاخان را در سراسر جهان بیست میلیون نفر تخمین می‌زنند که بیشتر در کشورهای هند، افغانستان، پاکستان و برخی کشورهای آسیای میانه سکونت دارند.

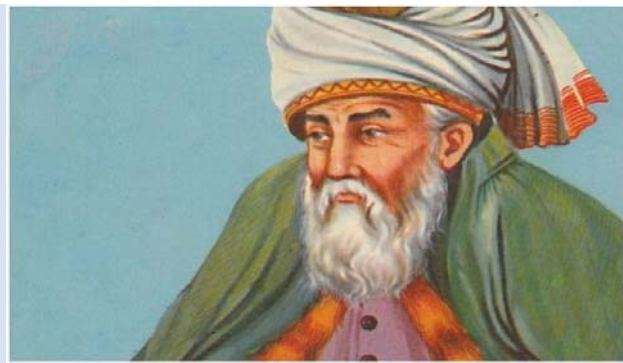
آقاخانیه بازمانده فرقه اسماعیلیه نزاری هستند که در حال حاضر به امامت کریم، معروف به آقاخان چهارم اعتقاد دارند. آقاخان‌ها خود را از نسل امامان نزاری می‌دانند. عنوان آقاخان برگرفته از لقب یکی از پدران ایشان به نام «حسن علی شاه» است که در زمان قاجاریه از سوی فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۱) لقب «آقاخان» گرفت و در زمان محمدشاه قاجار حاکم کرمان شد.

آقاخان بعد از اختلاف با قاجاریه، از ایران خارج و به افغانستان رفت و با حمایت دولت بریتانیا در هند اقامت گزید. تاکنون سه تن از نسل او به امامت اسماعیلیان رسیده‌اند.

آقاخان‌ها از زمان آقاخان سوم، به اروپا مهاجرت کردند پسری مادرش را بعد از درگذشت پدرش، به خانه سالمندان برد و هر لحظه از او عبادت می‌کرد.

یکبار از خانه سالمندان تماسی دریافت کرد که مادرش در حال جان دادن است پس باشتاب رفت تا قبل از اینکه مادرش از دنیا برود، او را ببیند.

از مادرش پرسید: مادر چه می‌خواهی برایت انجام دهم؟ مادر گفت: از تو می‌خواهم که برای خانه سالمندان پنکه بگذاری چون آنها پنکه ندارند و در یخچال غذاهای خوب بگذاری، چه شب‌ها که بدون غذا خوابیدم. فرزندم با تعجب گفت: داری جان می‌دهی و از من اینها را درخواست می‌کنی



مولانا.....

حضرت مولانا در دفتر دوم مثنوی می‌گوید شخصی نزد عیسی آمد و گفت دلم می‌خواهد آن وردی را که با آن مرده را زنده می‌کنید را به من هم بیاموزید. حضرت عیسی بر جهالت این مرد افسوس خورد و سعی کرد او را نصیحت کند:

کان نفس خواهد ز باران پاک‌تر

وز فرشته در روش دراکتر

اما مرد زیر بار نرفت و باز هم اصرار کرد که ورد را بیاموزد. قصه این‌گونه تمام می‌شود که حضرت عیسی سرش را رو به آسمان گرفت و گفت: «خدایا به این بندهات بنگر، آخر من به او چه بگویم؟ خودش مرده، نمی‌گوید بیا مرا زنده کن، تازه وردی طلب می‌کند که برود دیگری را زنده کند».

مُرده خود را رها کرده است او

مُرده، بیگانه را جوید رفو

در واقع سخن مولوی در اغلب موارد همین است؛ او می‌گوید آدم‌ها خودشان را نمی‌شناسند، اما می‌خواهند دیگران را به‌شناسند. آدم‌ها قیمت همه چیز را می‌دانند، جز قیمت خودشان را.

قیمت هر کاله می‌دانی که چیست؟

قیمت خود را ندانی، ابله‌ی ست

حرف مولانا این است که اولین کتابی که باید به‌خوانید، کتاب وجود خودتان است. اولین چیزی که باید بدانید، قیمت خودتان است. واقعاً هم همین‌طور است، هر چیزی دانستی نیست!

خیلی چیزها هستند که انسان باید آگاهانه آن‌ها را کنار بگذارد.

درطریقت حقه علوی تا کسی خودش را نه‌شناسد و به‌خودش پی‌نبرد نمی‌تواند راهنما، مرشد و معلم دیگران شود.

این موضوع یکی از اصیل‌ترین موضوعات درطریقت علوی و مکتب مصطفوی است و این شناخت میسر نمی‌شود مگر آنکه هرکس که به‌خواهد خودشناسی کند، ابتدا باید بدنبال پیامبر و مرشد زمان خود برآید که او کجاست و کیست. از آنجایی که این راهنما و پیامبر زمانه دهرای نشانه است، کسی نمی‌تواند خود را به تقلب جای آن جا بزند و کسانی که به چنین امری پرداخته‌اند، خود را مسخره خاص و عام کرده‌اند.

سوشیانس یا پیامبر هر زمان زنده و در میان مردم زندگی می‌کند. او حضور دارد ولی ظهور ندارد و ظهورش فردی است و بنابه‌خواسته نیازمندش انجام می‌شود و جای هیچ شک و شبه‌ای برای رهجویش نمی‌گذارد.

زنگوله‌ی خرافات

می‌گویند آغامحمدخان قاجار که از ساعت ۴ صبح تا طلوع آفتاب نماز می‌خواند، علاقه‌ی زیادی به شکار روباه داشت... تمام روز را در پی یک روباه با اسب‌اش می‌تاخت تا زمانی که حیوان از فرط خستگی نقش بر زمین شود؛ بعد روباه را می‌گرفت و بر گردن‌اش زنگوله‌ای می‌بست و در نهایت رهاش می‌کرد...

تا این‌جای داستان مشکلی نیست؛ روباه مسافت زیادی را دویده و وحشت کرده ولی، حداقل هنوز زنده و سالم است؛ هم دُم‌اش را دارد، هم سرش را و هم پوست‌اش را نه‌کنده‌اند، فقط می‌ماند آن زنگوله...

از این‌جای داستان مصیبت روباه شروع می‌شود... هر جا که می‌رود این زنگوله که بر گردن‌اش بسته شده صدا می‌کند... دیگر نمی‌تواند شکار کند، چون مرغ و خروس‌ها با شنیدن صدای زنگوله فرار می‌کنند.

صدای زنگوله جفت‌اش را هم می‌ترساند و فراری می‌دهد. از همه‌ی این‌ها بدتر صدای زنگوله، خودش را هم پریشان و عصبی و آرامش‌اش را مختل می‌کند.

روبه بیچاره در نهایت گرسنه و تنها در گوشه‌ای می‌میرد... متأسفانه این همان بلایی است که بر سر ما آمده. در بُره‌های از تاریخ اسیر شده‌ایم و زنگوله‌ای از خرافات، توهمات و باورها و عقاید غلط برگردان‌امان آویزان شده است.

قرن‌ها است که این زنگوله با ما است و متأسفانه هر جا که می‌رویم آن‌را با خود می‌بریم... فکر می‌کنیم «آزادیم»، ولی نیستیم... شوربختانه ما برده‌ی افکار منفی و غلط خود شده‌ایم و آن‌ها را به‌همراهمان اینطرف و آنطرف می‌بریم، آنهم با چه سر و صدایی!؟

نقل قولی که نکته‌ی بی‌گانه‌ی در آن نهفته.

در سال ۱۸۳۵، «لرد مک‌لای» خاطره خود را از مسافراتش به‌کشور هند اینگونه نقل می‌کند:

"در سفری که به‌سراسر هند داشتم هرگز یک گدا یا دزد ندیدم، ولی مردمانی را مشاهده کردم با یک ثروت فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی والا؛ کشوری با مردمانی اینچنین را هرگز نمی‌توان تسخیر کرد، مگر اینکه ستون فقرات آن ملت را که همانا میراث معنوی و فرهنگی آنها می‌باشد را خرد کرد. در این شرایط پیشنهاد می‌کنم میراث قدیمی و فرهنگی آنها را بوسیله سیستم آموزشی جابجا و جایگزین نموده با آن چه هندیها فکر کنند، یعنی هر آنچه خارجی و انگلیسی هست بهتر و ارزشمندتر می‌باشد. بدین وسیله آنها احترام به‌نفس و اعتماد به‌خود و همچنین فرهنگ بومی خود را از دست می‌دهند و تبدیل می‌شوند به آن چیزی که ما می‌خواهیم، یعنی ملتی کاملاً تحت سلطه ما."

نکته مهم در اینجا تشابه دو ملت کهن است که با پشت کردن به‌فرهنگ و معنویت خود هرچه داشتند را از دست دادند، یکی از این دو کشور که خود را به انگلیسیها فروخت و بعدی ما هستیم که یکبار سلطه اعراب بیابانگرد را به‌جان خریدیم و بار دیگر سلطه غرب و شرق را با رنگ و بوی اسلامی!

دلیل علمی ندارد و افسانه‌ای بیش نیست!

دین، ما را از حقیقت دنیا باز داشته است!

دانشمندانی چون گالیله، انیشتن، ادیسون و غیره نشان دادند که جهان، آن چیزی نیست که دین به ما می‌گفت!؟ جهان، آن مکان‌های خیالی نیست که آسمان‌هایی با هفت طبقه داشته باشد و زمین‌اش چون سفره‌ای گسترده باشد.

جهان آن فضاهای موهوم و هول‌انگیزی نیست که خدایش بر یک کرسی در طبقه‌ای بالاتر نشسته باشد. جهان، در شش روز بوجود نیامده است، بلکه میلیاردها سال و هزاران مرحله، جهان امروز را پدید آورده است.

اگر به‌خواهیم به‌آنچه این ادیان می‌گویند توجه کنیم، نمی‌توان شاتل و سفینه‌های به فضا فرستاد و نه می‌توان با مهندسی ژنتیک، طبیعت موجودات و انسان را تغییر داد.

حقیقت این همه ادیان الهی با ۱۲۴ هزار پیغمبر چه بوده است؟

دین، جز پریشانی افکار و دور کردن خرد انسان از حقیقت دنیا و تلف کردن عمر با موهوماتی به‌نام بهشت و جهنم و زندگی بجای پیدا کردن قوانین و حقیقت حاکم بر جهان، چیزی ندارد.

انقلاب فرانسه به‌روزگار سیاهی و تباہی مردم اروپا پایان داد و تنها پس از صدسال، دنیای غرب راهی را رفت که ملل خاورمیانه در طی قرون متمادی نرفته بودند!

به راستی مشکل عربستان چیست که در طی ۱۴۰۰ سال گذشته حتی یک دانشمند مخترع و مکتشف، به‌دنیا عرضه نه‌کرده است؟ آیا مغز عربستانی، چیزی از آلمانی کم دارد؟ هرگز!

این، بستر مناسب دانش و آگاهی آلمان بود که صدها دانشمند بزرگ را تنها در یک قرن به‌جهان عرضه کرد.

به‌راستی کمکی که «الکساندر فلمینگ» (کاشف پنی‌سیلین) به‌نجات انسان‌ها کرد، کدامین پیامبری کرد! آیا قادر خواهیم بود «پاستور» را با «موسی» و عسای سحرآمیزش مقایسه کنیم؟

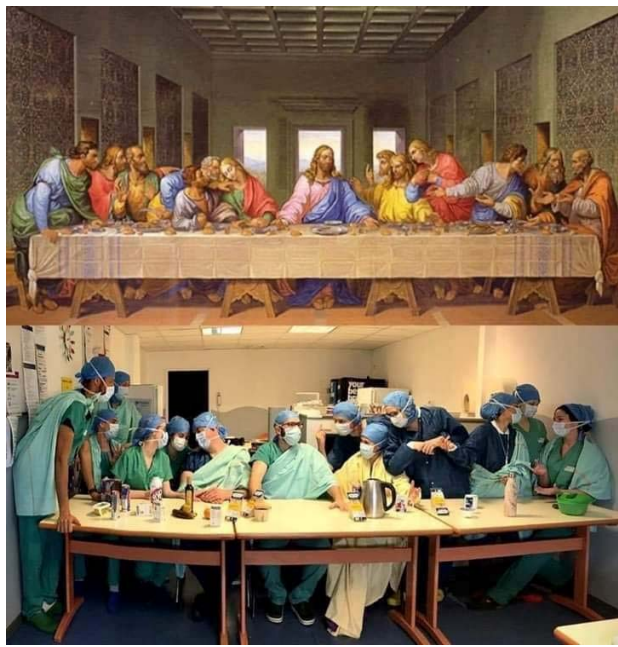
این ادیان نه‌تنها سودی ندارند، بلکه مشکلات روانی، جنگ و خون‌ریزی، کشتارهای جمعی، غارتگری و تجاوز به‌یکدیگر را در میان انسان‌ها بوجود آورده‌اند.

«علم و قانون» به‌عنوان راه سعادت انسان شناخته شده و به‌سرعت نتیجه داده است، اما این ادیان، سده‌هاست قرار است انسان را سعادتمند کنند، ولی نه‌کرده‌اند!

اگر این ادیان، از زندگی حذف شوند و بجای آنها انسانیت و همزیستی مسالمت‌آمیز بر اساس احترام به‌بشر و حقوق او جانشین شده و قوانین واحد جهانی حاکم گردد، دنیا قدمی بزرگ به‌سوی ایجاد آرامش و آسایش برداشته است.

برای مثال در این اتفاق بزرگ قرن، متولیان و مدعیان دین (طبق اظهارات برخی از علمای دینی) هیچ پاسخی و راه‌کاری برای نجات بشر از ویروس «کرونا» نداشتند. نه دعا، نه توسل و نه صدقه دادن اثری نداشت و تنها این علم و دانش بود که به‌کمک جهانیان شتافت.

کمی عمیق‌تر بیاندیشیم و بدور از تعصب و جهل در باورهای خود بازنگری کنیم تا هم‌سو با کائنات بسوی سعادت حقیقی حرکتی انسانی داشته داشته و از زندان اندیشه‌های القاء شده و تقلیدی دینی و مذهبی رها شویم.



مقاله‌ای قابل تأمل و تفکر! کدامین گروه مقدس‌ترند؟

چرا در طول ۷۰۰۰ سال، زندگی اقوام سرخپوست آمریکا و تمدن‌های آن‌ها، خداوند جهان دینی را برای هدایت آنان نه‌فرستاد؟ جای تعمق دارد! برای آگاهی بیشتر، بهتر است مقاله‌ی زیر را مطالعه کنیم!

اگر «کریستوف کلمب»، آمریکا را کشف نمی‌کرد، آیا خدای ابراهیم، موسی، عیسی... و محمد به این قاره راه می‌یافت؟ به‌راستی این چه خدایی است که ۷۰۰۰ سال سرخپوستان را رها کرد و در شرق دور، تا کره و ژاپن هم خبری از خدای ادیان ابراهیمی نیست!

چرا در قطب شمال و جنوب و در سرزمین‌های سیبری و آلاسکا هیچ پیغمبری از جانب خدای جهان ظهور نه‌کرد؟

به‌راستی خدای این صدمیلیارد کهکشان، چرا هدایت انسان را از همه‌ی زمین به‌غیر از خاورمیانه دریغ کرده است؟ آیا خون مسلمان و پیروان دیگر ادیان از استرالیایی‌ها و سرخپوست‌ها، رنگین‌تر بود! و چه لزومی داشت که خدای خاورمیانه با کشتی کریستف کلمب به‌آمریکا برسد؟

مردم دنیای غرب با «قانون» و «دانش» به‌سوی «سعادت» در حرکت‌اند، اما آن دین‌هایی که قرار بود از قتل و تجاوز و جنگ جلوگیری کنند، چنین نه‌کردند!

آیا فرشته‌ها انسان را هدایت و شیاطین منحرف می‌کنند!

خشم خدا زلزله و سیل می‌آفریند و رضایتش نعمت می‌آورد!؟

امروز مشخص شده پدیده‌هایی چون زمین‌لرزه، سیل، باد، باران، طوفان و آتش‌فشان، همگی دلایلی علمی دارند.

اگر در ژاپن و فیلیپین همیشه زمین لرزه می‌شود، این دلیل بر خشم خدا نیست و بالعکس اگر جایی مردمش از ویرانگری طبیعت در امان هستند، آن هم بخاطر رضایت خداوند از مردم آنجا نیست! این که در قرآن و دیگر کتب ابراهیمی، خشم خدا بلا می‌آفریند و رضایتش نعمت می‌دهد،

عشق آدم را آسیب‌پذیر می‌کند و آدمهای خاکستری دقیقاً از همان نقطه‌ی آسیب‌پذیر است که دست‌آشان را تا آرنج در قلبت فرو می‌کنند.

این رابطه‌ها عشق نیست، بیماری است! نوعی اعتیاد ویرانگر است و اگر کسی در این دام بلا افتاد، باید هوار بزند و از دیگران برای نجات جان‌اش کمک به‌خواهد.

هرچه بیشتر در این دام بمانی، گرفتارتر می‌شوی.
از آدمهای خاکستری بایستی مثل طاعون گریخت!؟



آدمهای خاکستری

«کتاب درباره عشق؛ از مارتا رابرت سالومون»

یکی از تجربه‌های دردناک زندگی این است که فرد دلبسته آدمهای خاکستری شود. آدمهای خاکستری همیشه تو را در وضعیت تعلیق نگه می‌دارند؛ نه به تو دل می‌دهند و نه می‌گذارند که از آنها دل بکنی. آنها تو را در میانه زمین و هوا معلق می‌خواهند!

تا وقتی که تو را دلدادگی خود می‌یابند، با تو سرد و با فاصله‌اند! و تا احساس می‌کنند که از آنها دل می‌کنی، با تو گرم و نزدیک می‌شوند!؟

اما فقط تا آنجا که بدانند رشته را نمی‌گسلی و از چنگ‌آشان نمی‌گریزی، آنها به تو دل نمی‌دهند، اما مانع دل‌کنند می‌شوند!

بعضی از این آدمهای خاکستری خودشان بلا تکلیف و معلق‌اند، یعنی تکلیف خودشان را با خودشان هم نمی‌دانند و این سردرگمی و پا در هوایی را در روابط عاطفی‌آشان با تو باز می‌تابانند!

گاهی هم دچار نوعی بیماری روانی‌اند! ملغمه آشفته‌ای از عدم اعتماد به نفس و اعتماد به نفس مفرط؛ یعنی چندان به خود اعتماد به نفس دارند که تو را مفتون خود کنند، اما چندان به خود بی‌اعتمادند که به محبت‌ات پاسخ درخور بدهند.

تو را در فضای خاکستری رابطه معلق نگه می‌دارند تا شاهد عشقی را که نثارشان می‌کنی به‌مکنند، اما چیزی از جانشان برایت مایه نگذارند!؟

آدمهای خاکستری خواسته یا ناخواسته تمام خون عاطفه‌ات را می‌نوشند، اما بر مردهات فاتحه هم نمی‌خوانند!

لحظه‌های تلخ زندگی‌شان را با تو تقسیم می‌کنند، اما خوشی‌های‌آشان را با دیگران شریک می‌شوند.

با جذابیت‌های‌آشان آرام‌آرام به دورت تار می‌تنند و تا به خود می‌آیی خود را گرفتار دام‌آشان می‌یابی.

ته دل می‌دانی که شهادت را می‌نوشند و تفاله‌ات را تُف می‌کنند، اما برای بی‌مهری‌هایشان مدام بهانه می‌تراشی!؟

می‌دانی که وضعیت هرگز بهتر نمی‌شود، اما مدام برای آنها عذر و برای خودت امیدهای واهی می‌تراشی. آنقدر می‌مانی تا بی‌وسی!؟

پاسخ ولیعهد عربستان به مقتدی صدر

در پی درخواست مقتدی صدر مبنی بر ساخت بنا بر قبرهای بزرگان و اولیا در عربستان سعودی، امیر محمد بن سلمان در صفحه خودش چنین نوشت:

آقای مقتدی صدر

ما ده‌ها سال است که متوجه شده‌ایم که وابستگی به غیر از «الله» موجب تعصب و تفرقه و سرقت اموال فقیران به‌نفع جیب شیوخ و عمامه بسرها است و آنها از این اموال برای مصالح شخصی خود استفاده می‌کنند و در پی تحکیم و پایه‌ریزی جهل و نادانی، در جوامع و بر ملت‌ها حکومت می‌کنند...

از این رو تلاش و کوشش ما ایجاد و توسعه نیروی انسانی و دولت است، امیدواریم شما نیز به ما بپیوندید.

آقای مقتدی صدر در تنهایی با خود فکر کن و مثل ملاها و آخوندهای ایرانی عمل نکن. آنها ملت بزرگ ایران را در جهل و خرافات و مرده‌پرستی نگه‌داشتند و مردم خودشان را فقیر و گدا کردند و بر مردگان خودشان تخت و بارگاه و گنبد می‌سازند و مرده پرستی را رواج داشتند.

تو چنین نباش که عاقبت سختی در پیش خواهی داشت. همانطور که تو از ما درخواست کردی و خواستی بر قبرها گنبد و بارگاه به‌سازیم، ما از تو می‌خواهیم خانه‌های زنده‌گان و مردم خودت را بسازی.

بهتر این است که زیرساخت‌ها را درست کنی و عراق را توسعه دهی؛ به‌کشور خود به‌پردازد و مصالح ملت خود را تامین نمایی، زیرا زنده‌گان باقیتر از مرده‌گانند. خود را اصلاح کن و به‌فکر پیشرفت مردم خود باش.

امیر محمد بن سلمان



مقدمه اجرای حدود اسلامی، عدالت اسلامی است! شما نخست عدالت اسلامی را اجرا کنید که همان خیابان کثی است، سپس اجرای حدود کنید، که همان جریمه است!

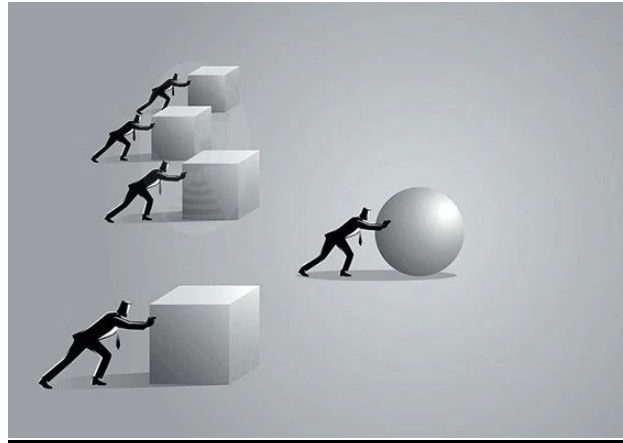
در عدالت اسلامی فقر نیست، بیکاری نیست، فساد نیست، رانت نیست، ستم نیست! در جامعه‌ای که بیکاری و فساد است و خبری از عدالت نیست، اجرای حدود، معنا ندارد و اجرای حدود خودش نقض غرض است و خودش ستم است!

فقر، قاتل ایمان است! شما نخست عدالت اسلامی را اجرا کنید، خودم برای اجرای حدود، کفن می‌پوشم!

جامعه اسلامی شرط وجودیش عدالت است نه اجرای حدود؛ چگونه می‌توان در جامعه‌ای که میلیون‌ها جوانش تحصیل کرده‌اند، سربازی رفته‌اند، ولی شرایطی برای ازدواج و فرزندآوری ندارند از افزایش جمعیت مسلمین حرف زد؟

چگونه می‌توان در کشوری که بیشترین فساد و اختلاس جهانی و ربای بانکی و بن‌بست اقتصادی را با خود یدک می‌کشد، از سرمایه‌گذاری و بانک اسلامی و تولید و شکوفایی صنعت و خودکفایی قضاها گفت؟

چگونه در کشوری که فقر، بیکاری، گرانی و طلاق زوجین بی‌داد می‌کند، برای فریب افکار عمومی از حجاب حرف زد؟ چگونه و چگونه قضاوت با شما؟



نوشتاری بسیار زیبا و منطقی

در همه‌ی عمر مقاله‌ای نیکوتر از این مقاله و استدلالی محکم‌تر از این استدلال نه‌خوانده و نه‌شنیده‌اید! خواهشمند است این متن را به‌طور کامل و دقیق به‌خوانید و اگر احساس کردید حرف حساب و منطقی است، در نشر آن به‌کوشید.

روزی دانشجویان از «دکتر سید علی آزمایش»، استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی، پرسیدند چرا استاد مطالعات‌اش را در کتابی گردآوری نمی‌کند؟

استاد چهره در هم کشید که من کتاب به‌نویسم تا شما اعدام کنید، دست بپزید و سنگسار کنید؟

دانشجوی دینداری از استاد پرسید:

مگر شما حدود و قصاص را قبول ندارید؟

استاد فرمود:

مگر می‌شود قبول نداشت؟ اتفاقاً من مدافع اجرای حدود و قصاص هستم!

همه در شگفت از پاسخ استاد بودند که استاد کلاس تمام شده را دوباره آغاز کرد؛ همه سراپا گوش و چشم شدند!

استاد پرسشی را طرح کرد و از دانشجوی دین‌دار پرسید:

فرض کن در بیابانی بی‌آب و علف که حتی جاده هم ندارد در حال رانندگی هستی؛ پس از ساعتی، پلیس شما را متوقف می‌کند و می‌گوید:

چهار ورود ممنوع رفته‌اید، پنج چراغ قرمز را رد کرده‌اید، ... و شش سبقت غیرمجاز داشته‌اید! شما به آن پلیس چه می‌گویید؟

دانشجوی دیندار گفت؛

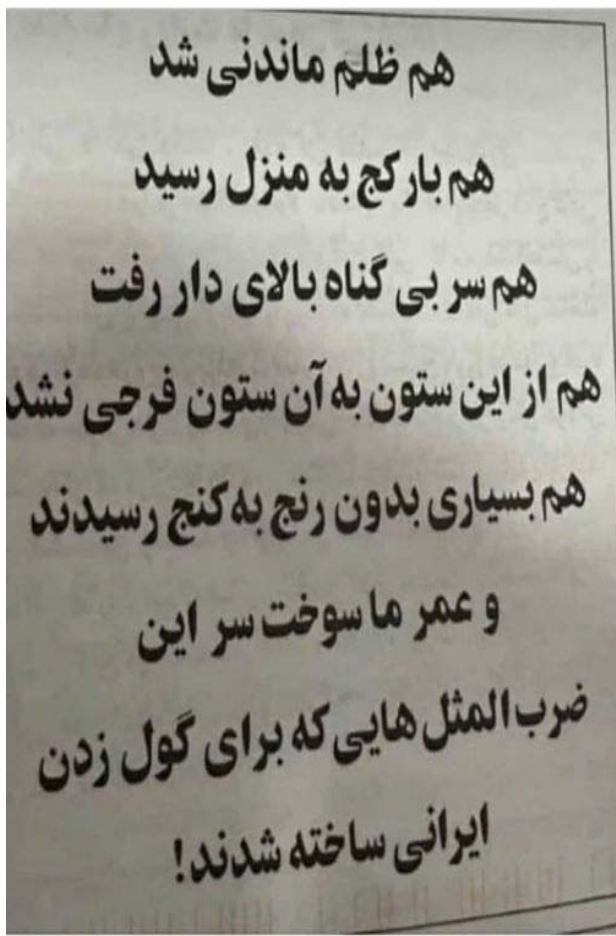
این بلاهت است! در بیابان خدا، خیابان کجا بود که من مرتکب این جرایم شوم؟

استاد گفت:

اگر پلیس به‌شما بگوید مقرر است در زمانی نامعلوم در آینده، در این بیابان شهری بنا شود که این جاهایی که شما از آن عبور کردید خیابان یک طرفه‌ای قرار است احداث شود و چراغ‌های راهنمایی نصب و الی آخر... آنوقت چه می‌گویید؟ دانشجوی دیندار لبخندی زد و گفت:

استاد مزاح می‌فرمایید؟

استاد فرمود: شما مزاح می‌فرمایید! و ادامه داد:



وریا غفوری،

دلآوری از خطه پهلوان پرور گردستان

توقع مردم از قهرمانان و اسطوره‌های ورزشی و هنرمندان واقعی خود این است که در موقع سختی در کنارشان باشند.

حمایت «علی دایی» و «وریا غفوری» بزرگ‌مرد کردستانی فوتبال کشورمان، نمونه‌ای از این پشتیبانی است.

پس از برتری استقلال مقابل فولاد خوزستان و مسجل شدن قهرمانی این تیم، وریا غفوری در بازگشت به تهران گفت: نمی‌تواند در روزهایی که مردم در تنگنا هستند، سکوت کند.

پس از این اظهار نظر، صحبت‌هایی مبنی بر ممنوع‌التصویری کاپیتان استقلال شنیده می‌شد تا جایی که در برنامه فوتبال برتر هم تصویر او نشان داده نشد.

پس از این موضوع، افراد مختلفی از وریا حمایت کردند که علی دایی، کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال ایران هم در حمایت از غفوری در صفحه خود پستی منتشر کرد.

علی دایی با انتشار این پست در اینستاگرام خود نوشت:

«از هر فردی که صدای مردمش است حمایت می‌کنم. ساکت کردن منتقد، فقط و فقط پاک کردن صورت مسئله است؛ مردم در سخت‌ترین شرایط اقتصادی هستند و باید به‌جای سرکوب، فکر اساسی برای حل مشکلاتشان کرد. فارغ از رنگ‌ها از هر فردی که صدای مردمش است حمایت می‌کنم؛ همانطوریکه در تمام این سال‌ها تلاش کردم حامی و صدای مردم سرزمین‌ام باشم.»

بی تردید این دو بزرگ‌مرد فوتبال ایران (علی دایی و وریا غفوری) در این روزهای بی‌تفاوتی، از ورزشکاران نگینی و مردمی در ورزش ایران زمین هستند.



ورزش در پژوهش

حبس ۲۵ ساله در انتظار متهمان مرگ «دیگو مارادونا»

در پی مرگ اسطوره فوتبال آرژانتین چند روز پس از آنکه تحت عمل جراحی قرار گرفت، مشخص شد که عدم رسیدگی کافی و انجام مراقبت‌های ویژه پس از عمل در مرگ کاپیتان سابق «آلی سلسسته» دخیل بوده است و به‌همین دلیل تیم پزشکی و پرستاران مراقبت‌کننده از مارادونا که هشت نفر هستند، در مظان اتهام قرار گرفتند.

طبق اعلام دادستان‌های پرونده مرگ مارادونا، این افراد متهم هستند که به‌گونه‌ای مراقبت‌های پس از عمل جراحی را انجام داده‌اند که می‌دانستند ممکن است منجر به مرگ او شود. در صورتی که در دادگاه مشخص شود که این افراد در مرگ مارادونا مقصر بوده‌اند، ممکن است تا ۲۵ سال به حبس محکوم شوند.

جایگاه ایران در رده‌بندی فوتبال جهان و آسیا

رده‌بندی ۱۰ تیم برتر جهان در رنکینگ ماه ژوئن فیفا:

- ۱- برزیل ۱۸۳۷/۵۶ امتیاز (بدون تغییر) ۲- بلژیک ۱۸۲۱/۹۲ امتیاز (بدون تغییر) ۳- آرژانتین ۱۷۷۰/۶۵ امتیاز (یک پله صعود) ۴- فرانسه ۱۷۶۴/۸۵ امتیاز (یک پله سقوط) ۵- انگلیس ۱۷۳۷/۴۶ امتیاز (بدون تغییر) ۶- اسپانیا ۱۷۱۶/۹۳ امتیاز (یک پله صعود) ۷- ایتالیا ۱۷۱۳/۸۶ امتیاز (یک پله سقوط) ۸- هلند ۱۶۷۹/۴۱ امتیاز (۲ پله صعود) ۹- پرتغال ۱۶۷۸/۶۵ امتیاز (یک پله سقوط) ۱۰- دانمارک ۱۶۶۵/۴۷ امتیاز (یک پله صعود).

رده‌بندی پنج تیم برتر قاره آسیا:

- ۱- ایران ۱۵۵۸/۶۴ امتیاز (دو پله سقوط/ ۲۳ جهان) ۲- ژاپن ۱۵۵۲/۷۷ امتیاز (یک پله سقوط/ ۲۴ جهان) ۳- کره جنوبی ۱۵۲۶/۲ امتیاز (یک پله صعود/ ۲۸ جهان) ۴- استرالیا ۱۴۸۳/۷۳ امتیاز (سه پله صعود/ ۳۹ جهان) ۵- قطر ۱۴۴۱/۴۱ امتیاز (۲ پله صعود/ ۴۹ جهان).

پایان کار مردان تکواندو کار ایران، بدون مدال طلا؟!!

در مسابقات تکواندو قهرمانی آسیا در «چونچئون» کره جنوبی، قهرمانان ایران از کسب مدال طلای انفرادی و همچنین از رفتن تیم ایران بر روی سکوی تیمی مسابقات بازماندند! ازبکستان با کسب ۴ مدال طلا برای نخستین بار موفق به کسب عنوان قهرمانی تیمی آسیا شد.

کره جنوبی با ۳ مدال طلا و ۲ برنز به مقام دوم رسید و اردن با ۴ مدال نقره و ۱ برنز بر سکوی سومی رقابت‌ها ایستاد. مردان تکواندوکار ایران نیز با ۳ مدال نقره و ۱ برنز عنوان پنجم تیمی را کسب کردند تا پس از سالها موفق به کسب سکوی تیمی آسیا نشده و برای اولین بار پس از سال ۲۰۰۰، بدون کسب حتی یک مدال طلا به‌کار خود در رقابت‌های قهرمانی آسیا پایان دهند.

تیم ملی تکواندو زنان ایران قهرمان آسیا شد

مسابقات قهرمانی ۲۰۲۲ آسیا از روز جمعه ۲۴ تا ۲۷ ژوئن (۳ تا ۶ تیر) با میزبانی شهر «چونچئون» در کشور کره جنوبی برگزار شد. در این رقابت‌ها ۳۸۶ تکواندوکار از ۳۴ کشور آسیا حضور داشتند.

تیم ملی تکواندو زنان ایران با دستیابی به مقام قهرمانی این مسابقات، یک موفقیت تاریخی را برای ورزش کشور عزیزمان ایران به‌ثبت رساند.

زنان ملی‌پوش ایران در پایان این مسابقات با کسب ۳ مدال طلا، ۲ نقره و یک نشان برنز بر سکوی نخست قرار گرفتند.

تیم ایران با درخشش ناهید کیانی (وزن ۵۳ کیلوگرم)، زهرا پوراسماعیل (وزن ۷۳ کیلوگرم) و اکرم خدا بنده (وزن ۷۳+ کیلوگرم)، سه مدال طلا را به‌خود اختصاص داد.

میینا نعمت‌زاده (وزن ۴۹ کیلوگرم) و نسترن ولی‌زاده (وزن ۶۲ کیلوگرم) نیز برنده مدال نقره شدند و زهرا شیدایی (وزن ۵۷ کیلوگرم) هم موفق به کسب نشان برنز شد.

مینو مداح سرمربی تیم ملی تکواندو زنان ایران درباره موفقیت ملی‌پوشان ایران به‌رسانه‌های داخلی گفت:

«باید بدانیم این موفقیت‌ها تلاش کار تیمی بوده است. مسابقات قهرمانی آسیا نسبت به دوره‌های قبلی خود از سطح کمی و کیفی بالایی برخوردار بود.»

خانم‌های ایرانی و قهرمانان آسیا



کارنامه‌ی دوومیدانی‌کاران ایران در جام «کازانف» قزاقستان

نماینده‌های دو و میدانی ایران پس از دو روز رقابت در جام «کازانف» با کسب سه مدال به‌کار خود پایان دادند.

رضا مقدم در پرتاب چکش رکورد ۶۹/۶۸ متر را ثبت کرد و قهرمان شد.

مهدی پیرجهان در ۴۰۰ متر با مانع زمان ۴۹/۷۶ ثانیه را به‌ثبت رساند و در جایگاه نخست قرار گرفت.

مسعود کامران در ماده ۱۱۰ متر با مانع به‌رقابت با حریران خود پرداخت و با ثبت زمان ۱۴/۰۸ ثانیه قهرمان شد. حمیدرضا کیا در پرش سه‌گام با حد نصاب ۱۶/۰۸ متر در جایگاه چهارم قرار گرفت.

محمدحسین ابارقی و میلاد ناصح‌جهانی هم در ۲۰۰ متر رقابت کردند که ابارقی با زمان ۲۰/۹۱ ثانیه چهارم و ناصح‌جهانی با زمان ۲۰/۹۳ ثانیه پنجم شدند.

یکی از اهداف فدراسیون در اعزام این نفرات به‌جام «کازانف» قزاقستان کسب ورودی قهرمانی جهان بود، اما متأسفانه هیچ کدام نتوانستند به ورودی‌های تعیین شده فدراسیون جهانی برسند.

نفر اول بانوان شطرنج ایران در رنکینگ جهانی شطرنج،

در رقابت‌های لیگ فرانسه به مقام قهرمانی رسید.

«سارا سادات خادم الشریعه» که بیش از این اعلام کرده بود به‌دلیل مراقبت از فرزند تازه به‌دنیا آمده‌اش قصد دارد از ورزش شطرنج دور باشد، طاقت نیاورد و خیلی زود در رقابت‌های لیگ زنان فرانسه دست به‌مهره شد.

بانوی اول شطرنج ایران در این رقابت‌ها عضو تیم «کلیشی» فرانسه بود و در پایان موفق شد همراه با این تیم به‌مقام قهرمانی رقابت‌های شطرنج فرانسه برسد.

قویترین انسان جهان

قوی‌ترین آدم جهان کسی نیست که ۲۵۰ کیلوگرم را بالای سر می‌برد و یا پشت همه را به خاک می‌رساند.

قوی‌ترین انسان روی زمین آن دختر ایرانی است که تمام سختگیری‌ها، اسیدپاشی‌ها و مزاحمت‌های خیابانی را تحمل میکند، درس می‌خواند، ورزش می‌کند، ازدواج می‌کند، مادر می‌شود و به‌فرزندانش درس انسانیت و وطن‌پرستی می‌دهد.

فیفا:

تیم های جام جهانی قطر می توانند تا حداکثر ۲۶ بازیکن در فهرست

خود جای دهند

فدراسیون جهانی فوتبال، فیفا اعلام کرد تیم های حاضر در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر می توانند حداکثر تا بیست و شش بازیکن در فهرست خود جای دهند. این در حالیست که تیم های راه یافته به جام جهانی پیش از این ملزم به رعایت سقف ۲۳ بازیکن برای شرکت در این مسابقات بودند.

فیفا هدف از اعمال این تغییر را تداوم رویکرد مبتنی بر انعطاف پذیری و منطبق ساختن قوانین فوتبال با شرایط ناشی از همه گیری بیماری کووید ۱۹ عنوان کرده است.

این دوره از مسابقات جام جهانی به دلیل گرمای بیش از حد در کشور میزبان به جای تابستان، طی روزهای ۲۱ نوامبر تا ۱۸ دسامبر (۳۰ آبان تا ۲۷ آذر ۱۴۰۱) برگزار می شود؛ مسئله ای که توقف مسابقات باشگاهی اروپا را در فصل جاری طی دوره زمانی یاد شده به همراه خواهد داشت.

بازیکنان برتر آسیا

رتبه دوم به مهدی طارمی و رتبه سوم به سردار آزمون رسید

سردار آزمون و مهدی طارمی دو مهاجم تیم ملی و لژیونر فوتبال ایران در میان برترین بازیکنان قاره آسیا از نظر مجله معتبر "FourFourTwo" قرار گرفتند.

در فهرست ۱۰ بازیکن برتر قاره آسیا از نگاه این مجله، مهدی طارمی و سردار آزمون دو مهاجم تیم ملی ایران پس از "سون هیونگ مون"، بازیکن کره ای تیم فوتبال تاتنهام، در رده های دوم و سوم جای گرفته اند.

فهرست ۱۰ بازیکن برتر آسیا

۱- هیونگ مین (باشگاه تاتنهام و تیم ملی کره جنوبی)

۲- مهدی طارمی (باشگاه پورتو و تیم ملی ایران)

۳- سردار آزمون (باشگاه بایرلورکوزن و تیم ملی ایران)

۴- سلمان الدوساری (باشگاه الهلال و تیم ملی عربستان)

۵- اکرم عقیف (باشگاه السد و تیم ملی قطر)

۶- واتورو اندو (باشگاه اشتوتگارت و تیم ملی ژاپن)

۷- تاکهپرو تومیاسو (باشگاه آرسنال و تیم ملی ژاپن)

۸- المعز علی (باشگاه الدحیل و تیم ملی قطر)

۹- الدور شاهمرادوف (باشگاه آس رم و تیم ازبکستان)

۱۰- علی مبخوت (باشگاه الجزیره و تیم ملی امارات)

مهدی طارمی و سردار آزمون



جلال حسینی، کاپیتان تیم فوتبال پرسپولیس باز نشته شد

جلال حسینی با انتشار متن کوتاهی گفت دیگر به عنوان «بازیکن» در فوتبال فعالیت نمی کند.

وی با پیشنهاد یحیی گل محمدی و مسئولان باشگاه پرسپولیس برای حضور در کادر فنی فصل آینده این تیم روبرو شد تا اینگونه به حضورش در رختکن سرخپوشان ادامه دهد.

سرانجام وی به عنوان مربی برای یک فصل با پرسپولیس قرارداد امضا کرد تا با این تیم همکاری داشته باشد.

جلال حسینی پرافتخارترین بازیکن تاریخ لیگ برتر فوتبال ایران است که تقریباً به تمامی افتخارات ممکن در عرصه باشگاهی فوتبال ایران رسیده است.

او ۴۸۴ بار در رقابت های لیگ برتر، ۳۰ بار در لیگ یک، ۲۵ بار در لیگ ستارگان قطر و ۱۱۶ بار با پیراهن تیم ملی فوتبال ایران به زمین رفت. او همچنین به ۹ قهرمانی و یک نایب قهرمانی لیگ برتر، یک قهرمانی و یک نایب قهرمانی جام حذفی، ۴ قهرمانی و یک نایب قهرمانی سوپر جام و ۲ نایب قهرمانی لیگ قهرمانان آسیا دست یافت.

جلال حسینی با تمام رکوردهایش، به کتاب افتخارات فوتبال ایران پیوست و از این پس، احتمالاً حرفه خود را به عنوان یک مربی در فوتبال ایران آغاز خواهد کرد.

فروش آجودر جام جهانی قطر فقط قبل و بعد از بازی ها؟!

قرار است استادیوم های فوتبال در جام جهانی قطر بدون فروش مشروبات الکلی باشند و فروش آجودر فقط در خارج از استادیوم قبل و بعد از برخی مسابقات مجاز باشد!؟

جام جهانی رویدادی است که بیشتر، تماشاگران با نوشیدن آجودر مسابقات آن را تماشا می کنند و برندهای جهانی آجوسازی نیز حامیان مالی آن هستند.

یک منبع آگاه به رویترز گفت: «در استادیوم ها، طرح ها هنوز در حال نهایی شدن هستند، اما بحث جاری این است که به هواداران اجازه داده شود در بدو ورود و هنگام خروج از ورزشگاه آجودر بنوشند، اما آجودر در طول مسابقه یا داخل ورزشگاه عرضه نمی شود.»

برزیل نیز در آستانه جام جهانی ۲۰۱۴ پس از فشار فیفا، ممنوعیت مصرف الکل در استادیوم ها را لغو کرد.

جو کوویچ برای هفتمین بار قهرمان شد

«نواک جو کوویچ» مرد شماره دو تنیس جهان با پیروزی سه بر یک مقابل «نیک کیریوس» (استرالیایی) برای هفتمین بار قهرمان مسابقات انفرادی مردان ویمبلدون شد.

ست اول این مسابقه را کیریوس ۴-۶ برد، اما در سه ست بعد، جو کوویچ توانست حریف را با نتایج ۳-۶ و ۴-۶ و ۶-۷ (۷-۳) شکست دهد.

این دو تنیس‌باز پیش از این دو بار باهم مسابقه داده بودند که هر دو با پیروزی ورزشکار استرالیایی به پایان رسیده بود. کیریوس تا پیش از این نتوانسته بود به فینال یک‌گردد اسلم راه پیدا کند.

جو کوویچ تعداد قهرمانی‌هایش در رقابت‌های گرنند اسلم را به ۲۱ رساند و بالاتر از راجر فدرر (۲۰) قرار گرفت.

پرافتخارترین مرد تنیس جهان رافائل نادال (۲۲) است که در دو گرنند اسلم قبلی امسال (اوپن استرالیا و رولان گاروس) قهرمان شده است.

رافائل نادال به دلیل مصدومیت، در دیدار نیمه‌نهایی مقابل «کیریوس» حاضر نشد و در نتیجه وی بدون مسابقه و برای اولین بار به فینال راه یافت.

تیم گشتی آزاد جوانان کشورمان با اقتدار قهرمان آسیا شد.

تیم گشتی آزاد جوانان کشورمان با کسب ۸ مدال طلا و یک مدال نقره و کسب ۲۲۸ امتیاز و اختلاف ۴۳ امتیازی با تیم دوم، توانست با اقتدار کامل بر بام آسیا بایستد و یک رکورد تاریخی را ثبت کند.

بعد از ایران، تیم‌های هند با ۱۸۵ امتیاز و قزاقستان با ۱۴۸ امتیاز در رده‌های دوم و سوم قرار گرفتند.

در این رقابت‌ها برای کشورمان، آرمین حبیب زاده در وزن ۶۱ کیلوگرم، حسین محمدآقای در وزن ۷۰ کیلوگرم، عرفان الهی در وزن ۷۴ کیلوگرم، سبحان یاری در وزن ۷۹ کیلوگرم، عارف رنجبر در وزن ۸۶ کیلوگرم، مبین عظیمی در وزن ۹۲ کیلوگرم، امیرعلی آذرپیرا در وزن ۹۷ کیلوگرم و سالار حبیبی در وزن ۱۲۵ کیلوگرم به مدال طلا دست یافتند و رضا مومنی در وزن ۵۷ کیلو صاحب مدال نقره شد.



نامه علیاحضرت به فیفا

علیاحضرت فرح پهلوی در نامه‌ای خطاب به «جیانی اینفانتینو»، رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال، خواستار پیگیری حقوق زنان ایران برای حضور در ورزشگاه‌ها شد. در نامه شهبانو فرح پهلوی آمده است:

دور تازه‌ای از جام جهانی فوتبال بزودی برگزار می‌شود تا بار دیگر نمایندگان ملت‌ها گرد هم آیند و در زمینی فراتر از زمین‌های شناخته شده در سیاست و ایدئولوژی و جغرافیا با یکدیگر دیدار کنند و از دیوارها پل بسازند.

اکنون که جوانان میهن من نیز به‌عنوان بخشی از این خانواده‌ی جهانی به‌این میهمانی بزرگ می‌آیند جا دارد از این فرصت برای پیگیری حضور زنان سرزمینم در ورزشگاه‌ها به‌ویژه در بازی‌هایی که تحت نظر فیفا برگزار می‌گردد استفاده کنید. شرم‌آور است که حق بدیهی و عادی زن در سراسر جهان، به محرومیت بدیهی و عادی زن در ایران تبدیل شود.

زنان شجاع میهنم از هر فرصتی برای رساندن این صدا به‌شما و جهان بهره برده‌اند و احترام به فیفا و مسئولیت کنونی‌تان در گرو احترام به این صدا و شنیدن آن است.

سهمیه قاره‌های مختلف در جام جهانی ۲۰۲۶

جام جهانی فوتبال از سال ۲۰۲۶ با ۴۸ تیم شرکت‌کننده برگزار می‌شود و طبیعتاً سهمیه هر کدام از قاره‌ها بیشتر از گذشته خواهد شد.

در حال حاضر قاره آفریقا ۵ نماینده در جام جهانی دارد، اما فیفا تایید کرد سهمیه مستقیم این قاره ۹ تیم خواهد شد و همچنین تیم دهم با حضور در پلی آف می‌تواند دهمین تیم این قاره باشد.

همچنین امریکای جنوبی که تنها ۱۰ کشور رقابت‌کننده دارد، می‌تواند ۶ نماینده مستقیم و یک نماینده در پلی آف داشته باشد و این یعنی ۷۰ درصد از کشورهای امریکای جنوبی می‌توانند در جام جهانی ۲۰۲۶ حاضر باشند.

سهمیه کشورهای امریکای مرکزی و شمالی از سه به شش سهمیه خواهد رسید. اروپا ۱۶ نماینده خواهد داشت و سهمیه آسیا نیز از ۴ به ۸ تبدیل خواهد شد. همچنین قاره اقیانوسیه یک سهمیه مستقیم قطعی خواهد داشت. پیش از این تیم اول اقیانوسیه باید در پلی آف شرکت می‌کرد.



اطلاعات مهم در مورد جام جهانی ۲۰۲۲ قطر :

بلیت، محل اقامت، نوشیدن الکل، و رابطه جنسی

تقریباً پنج ماه به شروع جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ قطر با مسابقه سنگال با هلند در ورزشگاه تمامه دوحه باقی مانده است. با راهیابی استرالیا و کاستاریکا و مشخص شدن همه تیم شرکت‌کننده در مسابقات و انجام دو مرحله قرعه‌کشی، فروش بلیت‌های جام جهانی هم به مرحله نهایی رسیده است.

اولین جام جهانی فوتبال در خاورمیانه از ۲۱ نوامبر تا ۱۸ دسامبر (۳۰ آبان تا ۲۷ آذر) به مدت ۲۸ روز در هشت ورزشگاه در چهار شهر دوحه، الوقره، الخور و الریان با حضور ۳۲ تیم انجام می‌شود. در مجموع ۶۴ بازی برگزار خواهد شد.

تیم ملی ایران برای سومین دوره پیاپی به این مسابقات راه یافته است. این بار این تورنمنت در فاصله‌ای نزدیک برگزار می‌شود. نکته‌ای که در ابتدا به نظر می‌رسید شاید تضمین کننده حضور راحت و نسبتاً ارزان هواداران فوتبال ایران باشد؛ اما در واقعیت اوضاع این گونه نیست.

راه‌های خرید بلیت جام جهانی در دو مرحله قرعه‌کشی بلیت جام جهانی علاقمندان از ۱۹ ژانویه تا ۸ فوریه و ۲۱ آوریل تا ۲۹ آوریل فرصت داشتند تا از راه وبسایت یا اپلیکیشن فیفا درخواست‌های خود را ثبت کنند.

فیفا می‌گوید در دور اول ۸۰۰ هزار بلیت فروخته است؛ یعنی حدود یک‌چهارم بلیت‌های عرضه شده برای فروش. در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه در کل ۵/۲ میلیون بلیت به‌فروش رفت.

هنوز مشخص نیست در دومین مرحله چه تعداد بلیت فروخته شده است. فیفا در اطلاعیه‌اش از یک «علاقه‌عظیم» در مرحله دوم و نهایی قرعه‌کشی نوشته و اعلام کرده ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر درخواست داده‌اند که بیشترین آن‌ها از آمریکا، مکزیک، برزیل، انگلستان، فرانسه و عربستان بوده است.

مرکز فروش بلیت فیفا بعد از بررسی درخواست‌ها از ۳۱ ماه مه شرایط پرداخت را به برندگان اعلام کرد. پس از آن مرحله پرداخت شروع شد و برندگان بلیت جام جهانی تا روز چهارشنبه ۱۵ ژوئن تا ساعت ۱۲ به وقت دوحه فرصت داشتند تا پولش را پرداخت کنند. در غیر این صورت بلیت آن‌ها لغو و دوباره به فروش گذاشته می‌شود. این بلیت‌ها به همراه آخرین سهمیه بلیت‌های باقی‌مانده در دور نهایی «فروش لحظه آخری» پیش از شروع مسابقات عرضه می‌شوند.

بنابراین کسانی که در قرعه‌کشی برنده نشده‌اند یا دیر اقدام کرده‌اند، هنوز شانس دارند که بلیت تهیه کنند. در آخرین مرحله فروش، تا جایی که بلیت وجود داشته باشد، بر اساس مدل «فروش به ترتیب ورود» تخصیص می‌یابد.

البته برای بعضی بازی‌ها احتمال گیر آوردن بلیت بسیار کم است. به عنوان نمونه برای مسابقه آرژانتین و مکزیک در مرحله گروهی ۵/۲ میلیون درخواست وجود داشته است. بلیت بازی‌های آرژانتین مقابل عربستان و آمریکا با انگلستان، دو تیم همگروه ایران، هم احتمالاً تمام شده است.

خرید بلیت بازی‌های ایران راه دیگر خرید بلیت از طریق فدراسیون فوتبال کشورهای حاضر در مسابقات است؛ البته فقط برای بازی‌های همان تیم‌ها و فقط برای هواداران ساکن در همان کشور. حدود هشت درصد بلیت‌های هر تیم به این شیوه فروخته می‌شود.

تماشاگران ساکن ایران هم با توجه به این که به دلیل تحریم‌ها کمتر امکان خرید آنلاین بلیت و پرداخت با کارت‌های اعتباری دارند، می‌توانستند از طریق فدراسیون فوتبال ایران درخواست‌اشان را برای بلیت سه بازی ایران مقابل انگلستان، ولز و آمریکا ارائه کنند.

در بازار بلیت‌ها، عرضه‌کنندگان ثالثی هم به‌جز فیفا و فدراسیون‌های ملی حضور دارند که به بلیت‌ها دست پیدا کرده‌اند و حالا با قیمتی بالاتر، اغلب در قالب بسته‌های گردشگری، آنها را عرضه می‌کنند.

قیمت بلیت‌ها

بلیت‌ها در چهار دسته قیمت‌گذاری شده‌اند؛ قیمت براساس جایگاه در استادیوم و مرحله تورنمنت تعیین شده است. در دسته اول بهترین و در عین حال گران‌ترین‌ها قرار گرفته‌اند که صندلی‌ها کنار زمین‌اند. در دسته دوم بلیت‌های گوشه‌های ورزشگاه هستند و قیمت‌شان متوسط است.

دسته سوم بلیت‌های پشت دروازه‌اند که از همه ارزان‌ترند. دسته چهارم بلیت‌ها تنها برای مردم قطر در نظر گرفته شده‌اند. از نظر مراحل جام جهانی ارزان‌ترین بلیت‌ها مربوط به مرحله گروهی است که ۶۱ یورو قیمت دارند. در دور حذفی قیمت مرحله‌به‌مرحله گران‌تر می‌شود و به ۳۱۵ یورو تا ۸۴۲ یورو می‌رسد. گران‌ترین بلیت مربوط به اولین بازی تیم میزبان مقابل اکوادور و همین‌طور دو بازی نیمه‌نهایی و دیدار نهایی است. ارزان‌ترین بلیت مسابقه فینال در ۱۸ دسامبر ۵۳۲ یورو و گران‌ترین، که در دسته اول قرار می‌گیرد، ۱۴۱۷ یورو است.

مسئله اسکان تماشاگران

انتظار می‌رود در طول مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ حدود ۵/۱ میلیون نفر مسافر به قطر سفر کنند. با توجه به کوچک بودن کشور قطر، اسکان این تعداد مسافر در این چهار هفته چالش بزرگی است. مساحت کشور قطر با ۱۱۵۷۱ کیلومتر مربع به عنوان قیاس، هم‌اندازه استان قم و نصف استان بوشهر در ایران است.

هر چند برگزارکنندگان قطری و فیفا اعلام کرده‌اند که با ۱۷۵ هزار اتاق و همین‌طور خانه‌های اجاره‌ای و کشتی‌های کروز اقامت‌گاه به اندازه کافی وجود دارد، اما قیمت این اقامت‌گاه‌ها اغلب گران است و به ندرت اقامت‌گاهی به قیمت ۸۰ دلار در شب که وعده داده شده، پیدا می‌شود و بیشتر بالای ۲۰۰ دلار قیمت دارند.

برآوردهای گروه طرفدارای «هواداران فوتبال اروپا» نشان می‌دهد که جام جهانی ۲۰۲۲ قطر برای هوادارانی که قصد سفر به این کشور را دارند، گران‌ترین جام جهانی تاریخ خواهد شد.

بنا بر محاسبات این گروه کل هزینه اقامت در طول سه مسابقه گروهی حدود ۲۷۷۰ یورو خواهد شد. این هزینه در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه حدود ۱۰۰۰ یورو بود. اگر مسافری بخواهد کل جام جهانی را در قطر بماند، باید بنا بر برآورد گروه «هواداران فوتبال اروپا» حدود ۶۵۰۰ یورو خرج کند.

هزینه بالای اقامت با توجه به نرخ بالای ارز و کاهش قدرت خرید در ایران، برای تماشاگران ایرانی سخت‌تر هم است. سه بازی ایران در ۱۳ روز، هزینه یک هتل سه ستاره با نرخ فعلی دلار حدود ۲۵۰ میلیون تومان می‌شود.

هزینه هتل چهار ستاره، حدود ۳۰۰ میلیون و هتل ۵ ستاره حدود ۴۰۰ میلیون تومان است. این در حالی است که تور دور اروپای ۲۹ روزه، حدود ۱۲۵ میلیون تومان می‌شود.

جزیره کیش یکی از «هاب‌های جام جهانی

برای حل بخشی از مشکل اسکان، چندین «هاب» هم در کشورهای همسایه مثل کویت، امارات متحده عربی، عمان و ایران در نظر گرفته شده تا مسافران به این کشورها هم سفر کنند. هدف از این اقدام این است که همه مسافران در کل دوران مسابقات در قطر نمانند.

یکی از این مکان‌ها جزیره کیش است. بنا بر اعلام سعید محمد، دبیر کل شورای عالی مناطق آزاد ایران، در طول مسابقات حدود ۴۰۰ پرواز مستقیم بین کیش و دوحه انجام خواهد گرفت. به عبارت دیگر روزانه بیش از ۱۰ پرواز. چهار کشتی کروز نیز علاوه بر این پروازها مسافران را بین کیش و دوحه جابجا خواهند کرد.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران اعلام کرده که انتظار می‌زبانی صد هزار گردشگر را در جام جهانی ۲۰۲۲ دارد. وزارت خارجه ایران هم موافقت کرده که در حین جام جهانی برای مسافرینی که از قطر سفر می‌کنند به مدت دو ماه روادید را لغو کند.

سرگرمی در قطر

یک چالش دیگر علاوه بر اسکان مسافران این است که آنها خارج از زمان‌های مسابقات چه فعالیت‌هایی را می‌توانند انجام دهند. مسافران به قطر برای رزرو پرواز و محل اقامت باید ابتدا از دولت قطر درخواست صدور مجوز ورود به این کشور را که به «کارت حیا» موسوم است، بدهند.

به ویژه برای هوادارانی که از کشورهای غربی به قطر سفر می‌کنند، علاوه بر دغدغه‌های جدی‌ای که به خاطر نقض حقوق بشر در قطر برای سفر به این کشور دارند، مساله آزادی‌های اجتماعی که تاکنون در این گونه مسابقات به آن عادت داشته‌اند نیز وجود دارد.

در قطر عرضه و نوشیدن مشروبات الکلی در اماکن عمومی، از جمله در ورزشگاه‌ها ممنوع است. برای هواداران فوتبال که برای تماشای جام جهانی به قطر سفر می‌کنند دو پارک هواداری بزرگ در نظر گرفته شده که به‌گفته مسئولین برگزاری قطری مجوز فروش مشروبات الکلی هم دارند، اما داخل ورزشگاه‌ها از قرار معلوم فقط آبجوی بدون الکل فروخته می‌شود.

البته به‌نوشته خبرگزاری بلومبرگ، فیفا و اسپانسرهای جام جهانی، به ویژه شرکت آبجوسازی آمریکایی «بادوایزر» در تلاش‌اند کشور میزبان را راضی کنند تا در ورزشگاه‌ها دست‌کم یک نوع آبجوی با درصد الکل پایین عرضه شود.

برگزارکنندگان قطری سعی می‌کنند توجه مسافران و گردشگران جام جهانی را به سرگرمی‌های دیگری جلب کند. ناصر الخاطر، رییس کمیته برگزاری جام جهانی گفت:

«الکل جزئی از فرهنگ ما نیست. اما مهمان‌نوازی

چرا. برای همین حتماً برای هوادارانی که می‌خواهند

بنوشند، شرایط مناسبی را فراهم خواهیم آورد.»

وزارت گردشگری قطر در تلاش است با تبلیغ موزه‌های این کشور، بازارهای سنتی، غذاهای خیابانی، سواحل و کویرگردی در قطر، توجه مسافران و تماشاگران را به سرگرمی‌های دیگری جلب کند.

علاوه بر آن در تبلیغات گسترده‌ای سعی شده تا مسافرین به استفاده از دوچرخه و مترو به‌جای خودرو تشویق شوند.





خطر فوتبال برای مغز

فوتبال یکی از ورزش‌هایی است که آسیب‌هایی به استخوان‌ها، ماهیچه‌ها و اندام‌های بدن می‌رساند. به‌تازگی دانشمندان دریافته‌اند این ورزش نه‌فقط بر اندام‌ها، بلکه بر مغز بازیکنان نیز تاثیرگذار است.

دانشمندان دریافته‌اند تاثیر برخی از ورزش‌ها بخصوص فوتبال بر مغز موجب نوعی بیماری مغزی با نام «انسفالوپاتی» (CTE) می‌شود.

محققان این تحقیق را بر روی مغز ۲۰۲ بازیکن فوتبال متوفی انجام دادند و دریافته‌اند ۸۷ درصد این افراد به بیماری CTE مبتلا بودند.

بیماری CTE بر اثر ضربه وارده به سر ایجاد می‌شود و با افزایش تعداد ضربات به سر، پروتئینی به‌نام «تاو» (tau) در مغز ساخته شده که با گسترش آن، سلول‌های مغزی از بین می‌روند.

در این تحقیق به بازی‌های فوتبال در مدارس و دیگر مکان‌ها اشاره‌ای نشده، اما با بررسی‌های انجام شده نشانه‌هایی از پروتئین تاو (tau) در مغز فوتبالیست‌های مدارس نیز مشاهده شده است.

البته دانشمندان نمی‌دانند چرا در مغز برخی از فوتبالیست‌ها این پروتئین وجود ندارد.

آنها امیدوارند با بررسی‌های بیشتر در این زمینه دریابند بازیکنان چگونه باید فوتبال بازی کنند.

در حال حاضر، تنها راه تشخیص CTE، بررسی و تجزیه مغز پس از مرگ است. بنابراین هدف بزرگ دانشمندان و پزشکان درک روش تشخیص CTE در بیماران زنده است.

با ابزارهای تشخیصی و بررسی بیماران زنده مبتلا به CTE فرصتی برای درک چگونگی پیشرفت این بیماری ایجاد خواهد شد.

این تحقیق برخی از مباحث در مورد آسیب‌های طبیعی فوتبال و تاثیر آن بر پیشرفت CTE را مشخص خواهد کرد.

شایان ذکر است که از سال گذشته قانونی به قوانین فوتبال برای نوجوانان اضافه شده است که بازیکنان فوتبال زیر ۱۱ سال نبایستی از سر برای ضربه زدن به توب استفاده کنند. اگر عمداً چنین کنند، داور خطا اعلام کرده و جریمه آن یک ضربه غیرمستقیم (Free Kick) خواهد بود.

گران‌ترین آجود در جهان

اما تجربه ادوار گذشته جام جهانی نشان داده که هواداران فوتبال در عمل اولویت‌ها و دغدغه‌های دیگری دارند. علاوه بر قیمت بلیت و هزینه اقامت، برای آنها مهم است که کجا می‌توانند آجود بخرند و قیمت این نوشیدنی چقدر است؟

قیمت نیم لیتر آجود در قطر حدود ۱۲ یورو است که بالاترین قیمت در جهان برای این مقدار آجود به شمار می‌رود. دلیل آن مالیات صددرصدی موسوم به «مالیات گناه» است که روی مشروبات الکلی در قطر وضع می‌شود.

ناصر الخاطر می‌گوید نسبت به مشکل قیمت بالاتر مشروب در قطر آگاه است: «باید ببینیم چگونه می‌توانیم قیمت مشروبات الکلی را کاهش دهیم.»

در حین جام جهانی باشگاه‌های ۲۰۱۹ قیمت آجود در قطر تقریباً نصف شد. اما معلوم نیست که این اتفاق در جام جهانی ۲۰۲۲ هم در این کشور بیافتد. فعلاً هواداران باید قیمت ۱۲ یورو برای هر پاینت آجود را به سایر هزینه‌های نسبتاً بالای سفر و اقامت به قطر در مخارج سفرشان لحاظ کنند.

مراقب رابطه جنسی خارج از ازدواج باشید

یک دردرس دیگر هواداران در جام جهانی قطر به‌جز محدودیت‌های تهیه و استفاده از مشروبات الکلی این است که تماشاگران باید در این کشور از روابط جنسی کوتاه مدت صرف‌نظر کنند!؟

حضور در مهمانی‌ها و مراسم جشن در حاشیه رویدادهای بزرگ فوتبال و آشنایی و همخوابی‌های یک‌شبه، جزئی از برنامه برخی طرفداران فوتبال است، اما در قطر رابطه جنسی قبل از ازدواج و همین‌طور همجنس‌گرایی ممنوع است و هر کدام تا هفت سال مجازات زندان دارد.

پلیس قطر هشدار داده که طرفداران بریتانیایی باید این مسائل را در قطر رعایت کنند. این روزنامه به‌نقل از یک منبع در پلیس نوشت: «سکس عملاً در کار نخواهد بود. مگر اینکه زن و شوهر باشید. در این تورنمنت قطعاً از همخوابگی‌های موقتی یک‌شبه خبری نیست!»

این روزنامه همچنین می‌گوید برخی از هواداران گفته‌اند که حتی در رزرو کردن یک اتاق هتل با دو نام خانوادگی متفاوت مشکل داشته‌اند.



تیم ملی ایران در بازیهای جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین

استادیوم آریامهر تهران، فامیل دور استادیوم ویمبلی لندن

شاید بتوان استادیوم آریامهر را با استادیوم ویمبلی لندن مقایسه کرد، جاییکه نیم قرن از تاسیس آن می‌گذرد. این ورزشگاه بارها بازسازی شده و در آخرین بازسازی صورت گرفته طاق جدیدی به آن اضافه شده که جزو چشم اندازهای شهر لندن محسوب می‌شود. ضمن اینکه در ورزشگاه جدید همه صندلی‌ها به‌گونه‌ای در کنار هم قرار گرفتند که فضای کافی برای پاهای تماشاگران داشته باشد. در این طراحی جدید تکتک جایگاه‌ها مانند جایگاه اختصاصی است. در ورزشگاه خاص لندن، آمار برخی از امکانات رفاهی عجیب است.

در این ورزشگاه ۲۶۱۸ سرویس بهداشتی، ۴۷ فروشگاه، ۲۶ هزار و ۱۶۴ آسانسور، ۳۰ پله برقی، هشت رستوران، ۶۸۸ جایگاه برای سرو نوشیدنی و غذا و ۹۸ آشپزخانه وجود دارد. شاید در ذهنتان این سوال به‌وجود بیاید که با صرف چه هزینه‌ای یک ورزشگاه قدیمی به روز و قابل استفاده شده است، ۷۰۰ میلیون پوند، برابر با ۲۶ هزار میلیون تومان. شاید در ذهنتان این سوال پیش بیاید که اصلاً چرا باید یک چنین مبالغی هزینه شود و شاید بهتر باشد تا در استادیوم آریامهر را ببینیم!

طاحونی در این مورد می‌گوید:

«هزینه‌ای که صرف تخریب یک چنین بنایی می‌شود به مراتب بیشتر از بازسازی آن است، ضمن اینکه بعد از ساخت هر پروژه عمرانی با اهمیت مثل مجتمع‌های ورزشی، تجاری و بیمارستانی بحث بازدید دوره‌ای و تامین و نگهداری برای کیفیت رسانی الزامی است.

علاوه بر آن تمام پروژه‌ها، با توجه به طول عمر و تغییر برخی نیازها و کاربری‌ها و هماهنگ سازی با استانداردهای روز دنیا در بازه زمانی بلند مدت، نیاز به‌تعمیرات اساسی دارند. بدیهی است اگر تامین و نگهداری در زمان خودش صورت نگیرد، این بازه‌های زمانی کوتاه‌تر می‌شود.

تشویق ایرلندی، این مخرب جذاب

پیش از این در تحقیقی که در بارسلونای اسپانیا صورت گرفت، گفته شده بود که طبق قانون ژئوفیزیک، زمانی هواداران فوتبال مشغول بالا و پایین پریدن و تشویق ایرلندی هستند در حقیقت بین ۵/۲ تا ۸/۲ ریشتر زمین لرزه به‌وجود می‌آید.

اکنون سؤال اینجاست شادی ۱۰۰ هزار نفره ما در استادیوم آریامهر، خطری برای سازه دارد؟ ناظر استادیوم آزادی معتقد است اتفاقی نمی‌افتد؛ او می‌گوید: در دهه ۵۰ یکبار مهندسی فرانسوی به ایران آمدند و تیرهای فوقانی آن را تقویت کردند. او ادامه می‌دهد: حتی ترک‌هایی هم که وجود دارد فاجعه‌آمیز نیست چون سازه اصلی استادیوم آزادی بتنی و ضد زلزله است و تمام این موارد قابل بازسازی است.

به‌گفته‌ی وی نباید فراموش کرد که بازسازی‌های عمرانی باید در زمان خودش انجام شود تا خطرهای کوچک آستن اتفاقات فاجعه بار در آینده نه‌شده و خطرهای بالقوه امروز به فاجعه‌های بالفعل تبدیل نه‌شوند



استادیوم آریامهر (آزادی) هزار میلیارد تومان می‌خواهد!؟

استادیوم آریامهر برای هواداران فوتبال، معبد خاطرات است؛ ورزشگاهی که مثل هر بنای دیگر، پس از سال‌ها که از ساخت آن می‌گذرد نیاز به‌تعمیر و نگهداری دارد.

سؤال اینجاست وقتی ما مشغول شادی و پای کوبیدن روی سکوی آن هستیم، آیا این احتمال وجود دارد که اتفاق بدی برای طرفداران فوتبال بیافتد؟

یک‌هزار میلیارد برای بازسازی آزادی

بر کسی پوشیده نیست نزدیک به‌پنجاه سال از ساخت استادیوم آزادی گذشته است. پس از قهرمانی استقلال در لیگ ۲۱ فیلم‌های زیادی از خرابی سکوی آزادی و پس از آن از قسمت‌های پایین استادیوم دست به دست شد تا هواداران فوتبال دچار تشویش ذهنی شوند که شاید برای فصل آینده استفاده از استادیوم آزادی، خطرناک باشد و اگر پاسخ مثبت است آیا ما جایگزین مناسبی برای آن داریم تا بازی‌های بزرگ را در آن برگزار کنیم؟

مسئولین استادیوم آریامهر گلایه‌هایی داشتند و عنوان کردند ماه‌هاست برای ترمیم و بازسازی بخش‌هایی از استادیوم اعم از سکوها، تاسیسات و غیره از وزارت ورزش درخواست کمک کردند، اما مبلغ بالای برآورد بازسازی استادیوم در شرایط فعلی اقتصاد ایران باعث شده تا این کار به‌تعویق بیافتد. این مبلغی حدود هزار میلیارد تومان است!؟

شاید در نگاه اول این مبلغ عجیب و دور از ذهن باشد، ولی زمانی ارزش واقعی و صرفه اقتصادی چنین هزینه‌ای مشخص می‌شود که شاپور طاحونی، پژوهشگر ایرانی و استادیار دانشگاه امیرکبیر که اتفاقاً مهندس ناظر استادیوم آزادی هم هست، در مورد این بنا می‌گوید:

«روی استادیوم آریامهر نمی‌توان قیمت گذاشت چون در حال حاضر ساخت استادیوم در شهر تهران، غیرممکن است.» طاحونی که در سال ۹۵ ساخت ورزشگاه فولاد آرنای اهواز را با گنجایش ۲۶ هزار هوادار آغاز کرد؛ اضافه کرد:

در سال ۹۵ ورزشگاه فولاد را با ۲۰۰ میلیارد تومان در طی ۵ سال ساختیم، ولی اگر بخواهیم همین ورزشگاه را با تورم امروز به‌سازیم، باید بیشتر از هزار میلیارد تومان در آن هزینه کنیم!؟



NASA's Webb Reveals Cosmic Cliffs, Glittering Landscape of Star Birth

This landscape of “mountains” and “valleys” speckled with glittering stars is actually the edge of a nearby, young, star-forming region called NGC 3324 in the Carina Nebula. Captured in infrared light by NASA’s new James Webb Space Telescope, this image reveals for the first time previously invisible areas of star birth.

Called the Cosmic Cliffs, Webb’s seemingly three-dimensional picture looks like craggy mountains on a moonlit evening. In reality, it is the edge of the giant, gaseous cavity within NGC 3324, and the tallest “peaks” in this image are about 7 light-years high.

The cavernous area has been carved from the nebula by the intense ultraviolet radiation and stellar winds from extremely massive, hot, young stars located in the center of the bubble, above the area shown in this image.

The blistering, ultraviolet radiation from the young stars is sculpting the nebula’s wall by slowly eroding it away. Dramatic pillars tower above the glowing wall of gas, resisting this radiation. The “steam” that appears to rise from the celestial “mountains” is actually hot, ionized gas and hot dust streaming away from the nebula due to the relentless radiation.

Webb reveals emerging stellar nurseries and individual stars that are completely hidden in visible-light pictures. Because of Webb’s sensitivity to infrared light, it can peer through cosmic dust to see these objects.

Protostellar jets, which emerge clearly in this image, shoot out from some of these young stars.

The youngest sources appear as red dots in the dark, dusty region of the cloud.

Objects in the earliest, rapid phases of star formation are difficult to capture, but Webb’s extreme sensitivity, spatial resolution, and imaging capability can chronicle these elusive events.

These observations of NGC 3324 will shed light on the process of star formation. Star birth propagates over time, triggered by the expansion of the eroding cavity. As the bright, ionized rim moves into the nebula, it slowly pushes into the gas and dust. If the rim encounters any unstable material, the increased pressure will trigger the material to collapse and form new stars.

Conversely, this type of disturbance may also prevent star formation as the star-making material is eroded away. This is a very delicate balance between sparking star formation and stopping it. Webb will address some of the great, open questions of modern astrophysics: What determines the number of stars that form in a certain region? Why do stars form with a certain mass?

Webb will also reveal the impact of star formation on the evolution of gigantic clouds of gas and dust. While the effect of massive stars – with their violent winds and high energy – is often apparent, less is known about the influence of the more numerous low-mass stars. As they form, these smaller stars create narrow, opposing jets seen here, which can inject a lot of momentum and energy into the clouds. This reduces the fraction of nebular material that seeds new stars.

Up to this point, scientists have had very little data about the influence of the multitude of young and more energetic low-mass stars. With Webb, they will be able to obtain a full census of their number and impact throughout the nebula.

Located roughly 7,600 light-years away, NGC 3324 was imaged by Webb’s Near-Infrared Camera (NIRCam) and Mid-Infrared Instrument (MIRI).

NIRCam – with its crisp resolution and unparalleled sensitivity – unveils hundreds of previously hidden stars, and even numerous

background galaxies.

In MIRI's view, young stars and their dusty, planet-forming disks shine brightly in the mid-infrared, appearing pink and red. MIRI reveals structures that are embedded in the dust and uncovers the stellar sources of massive jets and outflows. With MIRI, the hot dust, hydrocarbons, and other chemical compounds on the surface of the ridges glow, giving the appearance of jagged rocks.

NGC 3324 was first catalogued by James Dunlop in 1826. Visible from the Southern Hemisphere, it is located at the northwest corner of the Carina Nebula (NGC 3372), which resides in the constellation Carina. The Carina Nebula is home to the Keyhole Nebula and the active, unstable supergiant star called Eta Carinae.

Image credit: NASA, ESA, CSA, and STScI

The James Webb Space Telescope is the world's premier space science observatory. Webb will solve mysteries in our solar system, look beyond to distant worlds around other stars, and probe the mysterious structures and origins of our universe and our place in it. Webb is an international program led by NASA with its partners, ESA (European Space Agency) and CSA (Canadian Space Agency).

NASA Headquarters oversees the mission for the agency's Science Mission Directorate. NASA's Goddard Space Flight Center in Greenbelt, Maryland, manages Webb for the agency and oversees work on the mission performed by the Space Telescope Science Institute, Northrop Grumman, and other mission partners.

In addition to Goddard, several NASA centers contributed to the project, including the agency's Johnson Space Center in Houston; Jet Propulsion Laboratory (JPL) in Southern California; Marshall Space Flight Center in Huntsville, Alabama; Ames Research Center in California's Silicon Valley; and others.

NIRCam was built by a team at the University of Arizona and Lockheed Martin's Advanced Technology Center.

MIRI was contributed by ESA and NASA, with the instrument designed and built by a consortium of nationally funded European Institutes (The MIRI European Consortium) in partnership with JPL and the University of Arizona.



DO NOT FLY OVER IRAN AIRSPACE

To: EU Members, European Airlines and the Aviation Society

According to claims by the Islamic Republic of Iran, the European Union, European airlines and the Aviation Society are considering a return to Iran's flight corridors. Officials have stated that a group of airlines, led by Lufthansa, have held extensive talks on the matter.

This prompts an important question: How can one forget Flight PS752 and all the passengers that never reached their destinations?

It has been only four months since the disaster that took their lives, and the world remembers the Islamic Revolutionary Guard Corps' confession that it opened fire on defenseless humans. What guarantees are there that the Guards will not repeat a similar crime, just as investigations are being blocked and the perpetrators are praised in Iran? What guarantees are there for the safety of passengers?

The EU Member States should not agree to overflight over Iranian airspace until the Iranian Government demonstrates its commitment to cooperate with international bodies to conduct a credible investigation into the events leading to the destruction of PS752, including the identity of the perpetrators.

The Association of families of flight PS752 victims





LT. AMANDA LEE,
THE BLUE ANGELS FIRST WOMAN F/A-18E/F
PILOT IN BLUE ANGEL HISTORY

Lee grew up in Minnesota, and while attending the University of Minnesota in Duluth and working at UPS, she decided to enlist in the Navy. She graduated from Recruit Training Command in Great Lakes, Illinois, in 2007.

Her enlisted career as an aviation electronics technician led to her selection into the Seaman-to-Admiral Commissioning Program. Lee earned her commission in August 2013 and was designated a naval aviator in April 2016 before being deployed to the USS Harry S. Truman in support of Dynamic Force Employment Operation "INHERENT RESOLVE," as well as numerous exercises with NATO allies.

In 2019, Lee was part of the first all-female flyover as part of the funeral service for retired Navy Capt. Rosemary Mariner, one of the first female Navy jet pilots and the first woman to command an operational naval aviation squadron. "Capt. Mariner really was the starting point of female aviation," Lee said at the time. "She's one

of the first eight original female pilots allowed in the Naval pipeline ... young kids growing up and not thinking whether they can do something or not because of their race, gender, ethnicity; they just go out and say, 'This is what I want to do.' ... It kind of all starts back with Capt. Mariner and some of the doors that she broke down."

While Lee is the first woman who will fly an F/A-18E/F for the squadron, she isn't the first woman to take to the skies with the Blue Angels.

That honor goes to Marine Maj. Katie Higgins, who flew the team's C-130 Fat Albert transport plane 2014 to 2016. In 2019, while discussing why no woman had yet flown in formation with the Blues, Higgins said the pool of female pilots qualified to apply for the Blue Angels fighter jet demonstration squadron is small, and the number of pilots within the pool who are at the right point in their careers to apply is even smaller.

In an interview in 2019, Lee said: "I wouldn't say that there's a gender bias but it's really, you need a certain mental toughness to get through the program. So you really need that strong will to get through, to succeed."





25 Facts About Air Force One That Will Blow Your Mind!?

The most recognizable aircraft in the world has tons of secrets, or at the very least, tons of untold facts. Air Force One is more than just a big, fancy looking private jet for the POTUS, it's an advanced aerial security mechanism—almost like a floating fortress.

1- 4,000 Square Feet

Yes, it's large enough to be a house. This provides enough room for all the government officials, journalists, and everyone's luggage, especially the First Lady's.

2- 3 Floors

While most passenger Boeing 747s have two levels, the Air Force One aircraft has three. The President enters on the second level, while members of the press enter on the first floor.

3. Multiple B747s for President

Did you know there are two Air Force Ones? Well, kind of. The second 747-200B occasionally trails the main Air Force One and provides backup coverage, however, the President can fly in both depending on the situation.

4. A Secret Gulfstream Jet

One of three presidential aircraft in charge of evacuating the President during an emergency situation is a Gulfstream C-20C. If you take a gander at the Air Force's website, however, you won't find any mention of the C-20C. It's incognito.

5. Mini-Hospital Onboard

If anyone onboard suffers a sudden injury or illness, there are medical services at the ready.

6. How Fast is Air Force One?

The Boeing 747 is capable of speeds exceeding 650 miles per hour. It's believed to have flown faster than 700 miles per hour in the past.

7. How Far Can Air Force One Fly?

Pretty dang far. The 747 can soar halfway around the globe thanks to its massive fuel capacity of 53,000 gallons. As you can guess, this makes it pretty heavy. A fully loaded Air Force One would weigh over 800,000 pounds.

8. How High Can Air Force One Fly?

A Boeing 747 can cruise at really high altitudes. We're talking 45,000 feet and beyond! That's more than 10,000 feet higher than most commercial aircraft.

9. Is Air Force One Nuclear Resistant?

Yes. Air Force One is its own nuclear defense stronghold. Would you expect anything less? We wouldn't.

10. Can Air Force One Refuel in Midair?

It's funny you should ask this, because yes it can. An aircraft hovers closely above Air Force One and extends its hose down to attach to the plane.

11. Who Else Sleeps on Air Force One?

POTUS isn't the only passenger flying on Air Force One. He's accompanied by a slew of advisors, journalists, secret service members, and senior officials.

12. How Many Kitchens Are On AF 1?

Hungry? You have two kitchen areas to choose from inside of Air Force One. They are big enough to feed nearly 100 people at a time.



President's bedroom on Air Force One

13. Does Air Force 1 Have Cameras On-Board?

Back in 1959, the aircraft got cameras placed in its wheel wells that were so strong they could distinguish license plates from nearly 30,000 feet away.

This was courtesy of Secretary of State Allen Dulles—of which the Washington D.C.-area airport would later get its name.

14. How Many Phones Are On Air Force One?

More than one phone, that's for sure. Actually, there are upwards of 85 available phones on the plane. Many of them are used simultaneously. Can you hear me now?

15. Which President Liked Jelly Beans?

President Reagan was the one who absolutely adored jelly beans during his time in office. He required there to be a bowl on Air Force One at all times.

16. Which President Smuggled Coors Beer Onto Air Force One?

There once was a time when you couldn't buy Coors beer in most eastern states. Unless of course, you were the President of the United States. President Gerald Ford made sure he had access to the tasty brew whenever he was on Air Force One as he had members of his team smuggle it aboard. His cover up was certainly more covert than his predecessor Richard Nixon's.

17. Broccoli-Free

George HW Bush was vehemently against broccoli, arguably more than he was against "no new taxes." He made sure to outlaw broccoli on Air Force One throughout his presidency.

18. Radar Jamming

When people label Air Force One as a "floating White House," it's because the aircraft is like a tank. It's nuclear proof, able to jam radars around the globe, and its flight path is not traceable.

19. Terrorist Attack Preparations

If there is a terrorist event, Air Force One will provide the necessary protection for the president and his team.

20. September 11th, 2001

Obviously a tumultuous day for the entire country, a lot was asked of Air Force One which can conveniently double as a mobile bunker.

21. How Many People Can Be On Board Air Force One?

Up to 70 people can be on board the jet when it takes off. Considering there are so many random items, including kitchens and hospitals, it's remarkable that it can fit nearly 100 people.

22. Does Air Force 1 Have a Doctor Onboard?

You bet they do! Air Force One doesn't just have an onboard hospital, it has a doctor at the ready, prepared to tackle any situation.

23. Does Air Force One Take Precedence Over Other Traffic?

Even though Air Force One flies into normal, commercial airports from time to time, it's treated way better than the planes you and I are on. The airspace around the airport is cleared for several minutes prior to the 747's arrival and for a few minutes after it lands.

Whenever the President comes to town, make sure you're not flying that day.

24. Tax Payer Burden

The upkeep costs of Air Force One are quite high. It can cost well over \$250,000 for the President to take short trips around the U.S.

The production of Air Force One alone was over half a billion dollars, with about \$140 million being paid by the U.S. Air Force.

25. When Was Homeland Security Created?

After receiving the announcement about the World Trade Center attack, President Bush and his staff were whisked away on Air Force One. It was somewhere around 40,000 feet where George W. Bush approved the creation of the new Homeland Security department.





LIEUTENANT GENERAL JAHANBANI

revE ,tsetaerG ehT!

General Jahanbani saw born into a family with a long military history. His father, Amanullah Jahanbani, was a lieutenant general, who served in the Persian Cossack Brigade with Reza Shah Pahlavi.

He was a Qajar prince, great grandson of Fath Ali Shah. Nader's mother, Helen Kasminsky, was from the Russian aristocracy in Petrograd. He had two brothers, Parviz, who was an officer in the Imperial Iranian marines, and Khosrow, who married Shahnaz Pahlavi. Amanullah was thrown in prison when Jahanbani was 12, but after Reza Shah died, he was released and made a senator by Mohammad Reza Pahlavi.

By then, his father sent him to the Russian Air Force Academy, from which he graduated, and entered the IIAF in 1952 with the rank of first lieutenant.

In 1952, Jahanbani was selected to be sent to Fürstenfeldbruck Air Base in Germany to attend the jet pilot training school to become a pilot for the first Iranian jet fighter aircraft, the F-84 Thunderjet, which was slated for delivery in 1955, along with 15 other pilots including Mohammad Khatami.

Upon completion of the training program, 10 pilots returned to Iran while Jahanbani, along with four others, continued their training to become instructors back in Iran.

After completing the Jet Instructor pilot course and returning to Iran, Jahanbani formed Iran's first Acrobat team, called The Golden Crown together with other officers, including Mohammad Amir Khatami and Amir Hossein Rabi'i.

Jahanbani played a crucial role in the Iranian air force during the 1960s and 1970s by helping to create an effective air force. He was made responsible for the purchase and maintenance of these aircraft and was promoted with a seat on the chief of staff of the ministry of war. He served as the deputy commander-in-chief of the air force.

He was also general secretary of the National Sports Federation.

Wedding Ceremonies

Ms. Golnar Djahanbani specializes in the creation of unique wedding ceremonies.

Golnar designs a ceremony that fits the couple's cultural and spiritual backgrounds

Golnar does not do a cookie cutter approach to wedding ceremonies, she creates a ceremony that embodies and conveys the couple authentic unity

*Multi-Cultural Weddings
Non-Denominational Ceremony
Personalized Ceremony
Pre-Marital Counseling*

Anything you want!
Do you have your own wedding ideas?

Contact Information:
(310) - 924 - 9305
golnardjahanbani@gmail.com

